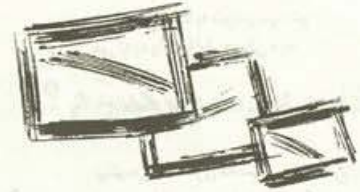


## چند هایکو

□ برگردان: برنا کریمی



به این پیامد رسیدم  
که دوباره به احساس هایم نگاه کنم  
و ببینم که مرد نابینایی بوده‌ام  
که هیچ‌گاه از تاریکی نمی‌ترسد

Yosano Akiko

در نگاه سوزان غروب  
برگ‌های پریشان درختان کنگو  
به پرندگان طلایی می‌مانند  
بر فراز تپه‌ها.

Yosano Akiko

نه سخنی از راه  
نه اندیشه‌ای که چه خواهد شد  
نه پرسش از شهرت و نام  
اینک  
من و تو که عاشقان عشقیم  
به همدیگر نگاه می‌کنیم.

Yosano Akiko

مرغان دریایی می‌گردند  
بر امواج شبانگاهی چپیل «اومی»  
در قلب افسرده خویش  
گذشته را به یاد می‌آورم

Kakinomoto No Hitomaro

در افق شرفی  
آفتاب طلوع می‌کند  
ولی هنگامی که به عقب نگاه می‌کنم  
جلوس ماه را می‌بینم بر غرب

Hitomaro

برق بیایی می‌بارد  
کوه‌ها و چمنزارها خوابیده‌اند  
تنها آسیاب بزر  
همیشه بیدار است

Okura Ichijitsu

در میزان سال ۱۳۵۲ هجری در شهر کابل به دنیا آمد. ایام طفولیت را شوخی‌ها و بعد سرزنده‌ها تشکیل می‌داد. سه سال در مکتب ابتدایی سعدالدین انصاری و متقانی دروس را در لیسه عالی استقلال به پایان رسانیدم. برای در صنف پنجم، نمایشی ای کردم و عنوانش را گذاشتم «خانه دل». تصادفاً معلم زبان دری ما از این تخیل طفلانه‌ام خوشش آمد و مرا به کانون نویسندگان معرفی کرد.  
از آن زمان به بعد با اشتیاقی بی‌انتهای به کنفرانس‌های ادبی مکتب شرکت می‌کردم و بعضی از اوقات در خوانش مضامین و اشعار سهم می‌گرفتم، تا این‌که از آن راه‌سرو صدایم به کانون نویسندگان جوان (بخش جوانان در انجمن نویسندگان افغانستان) رسید و کم‌کم با نویسندگان دست اول میهن آشنا شدم.

در کانتور دانشگاه در سال ۱۳۶۹ به دانشگاه کابل راه یافتم و آینده‌ای را در حدود طبیعی ادیب برای خود در خواب می‌دیدم. ولی از بخت برگشته همه محصلین، بعد از یک سال غریب تانگ‌ها و خنپاره‌ها رنگ‌های هرچه دانشگاه و کانون علم و طب بود از هم گسیخت و من هم مثل هزاران هموطن دیگر رهسپار این مکان و آن مکان شدم.

امروز در غرب‌ترین مغرب، در شهر لاس آنجلس زندگی می‌کنم و دیگر از طبابت مؤدب خبری نیست و در عوض چند سالگی بازار گاتی آموختم و تلاشم این است که ادیبانه تجارت کنم.

باریک‌راهی را که به سویم می‌بمودی  
در تاریکی‌ها پوشیده‌است  
تنها تارهای عنکبوت را می‌توان دید  
که در پیرامون آن چون تارهای آندوه  
پیچیده‌اند.

Izumi Shikibu

دوست داشتن کسی  
که تو را دوست ندارد  
مانند رفتن به معبد است  
به پرستش تندیس چوبی شیطان  
Lady Kasa Yakamochi

در رؤیای به تو رسیدن  
آرام نخواهم گرفت  
ولی یک لحظه با تو بودن در واقعیت  
بالای از همه شب‌های عشق است  
Ono No Komachi

آن‌جا کیست؟ من  
من کی؟ من من هستیم، تو تو هستی  
ولی تو ضمیر مرا می‌گیری  
و ما می‌شویم ما

Marichico

چه برف‌های بی‌هنگامی  
هیچ‌کس در امتداد این جاده‌اشک‌ها  
به هیچ‌جا نمی‌رود  
هیچ نشانی از غم نخواهد ماند

Shikochi No Mitsune

رنگ‌های بهاری  
در کوه‌های دهکده جمع می‌شوند  
وقتی که من  
به گلبرگ‌های ریخته گیلان نزدیک  
می‌شوم

در عمق شب  
رنگ معبد به صدا در می‌آید  
The Monk Noin

وقتی هوا مه‌آلود است  
جاده به درستی دیده نمی‌شود  
صبر کن تا مهتاب بر آید  
و من رفتنت را تماشا کنم

Oyakeme



بنیاد آندیشه



## ویژه‌نامه



انستیتوت مدیریت، آرمان و تجدید



افتراج

روزشمار اداره وقت



روزشمار اداره وقت



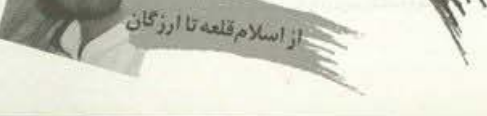
کابل، شهر زخمی



نقطه‌های روشن و...



اندیشه‌ها اگر محکوب شوند...



از اسلام قلعه تا ارزگان



این نشانی را در اختیار بگیرید

# این شش ماه مه‌ریبان

## ویژه‌نامه نقد و بررسی کارنامه شش ماهه اداره موقت

### مقدمه

آنچه در این بخش می‌خوانید، مربوط به مسایل اجتماعی و سیاسی جاری این کشور است که قسمت عمده آن به بررسی کارنامه اداره موقت می‌پردازد. شاید این سؤال بی‌جا نباشد که اکنون که زمانه اداره موقت گذشته و مسئولیت‌کاری آن پایان یافته است، چرا باید به بررسی آن پرداخت؟ در جواب باید گفت که تجربه اداره موقت پس از خود دو دهه نابسامانی در کشور و کشمکش‌هایی کله داخلی و گاه بین‌المللی و عدم دسترسی به توازن لازم، از اهمیتی بسیار برخوردار است. در حقیقت این مدت کوتاه از یک طرف تمرین مشق دشوار همراهی با جامعه بین‌المللی برای تأمین و حفظ منافع ملی به شمار می‌رود و از سوی دیگر آزمونی است برای بازگرداندن وحدت ملی در قلب همگرای احزاب و گروه‌های ذی‌نفع در کشور.

فصلنامه خط سوم، این دوره کوتاه را با همه نارسایی‌ها، کاستی‌ها و مشکلات آن، یکی از شیرین‌ترین دوره‌های تاریخ کشور می‌داند و معتقد است که شاید در طول تاریخ کشور چنین فرصت منحصر به فردی که در آن احزاب و گروه‌ها موجود بتوانند آزادانه با هم به گفت‌وگو بنشینند، ایجاد نشده باشد این است که عنوان این ویژه‌نامه را نیز «این شرح‌نامه موریان» گذاشتیم تا احساس خوشبینی ما را انتقال داده باشد. اما بلافاصله این نکته را نیز بیفزاییم که بهای این شیرینی را مردم افغانستان پرداخته‌اند و اینکه قبل از همه باید کام آنان را شیرین کند. گروه‌ها و احزابی که بیشتر خود را قیم و بلکه صاحب اختیار مردم می‌دانستند، اینک باید بدانند که این مردم هستند که سرنوشت نهایی آنان را رقم خواهند زد. آیا تجربه اداره موقت آغاز این تحول شگرف را که مبنای هر تحول دیگری در آینده است، نشان می‌دهد؟ ما معتقدیم که این دوره چنین معیار نظری‌ای را به دست می‌دهد، اما این که در عمل نیز چنین بوده یا به سوی آن حرکت کرده‌ایم یا خیر، قضاوت را به عهده خوانندگان عزیز می‌گذاریم.

در این ویژه‌نامه ابتدا در میزگردی با حضور کارشناسان رشته‌های مختلف فرهنگی سیاست‌ها و کارکردهای اداره موقت و از آن چند منظر مورد ارزیابی قرار دادیم. به عبارتی دیگر آن را در ترازوی تیوری و عمل سنجیدیم.

در بخش نظر خواهی بیشتر تکیه ما بر دستاوردهای فرهنگی و کلان اداره موقت بوده که افرادی از انتشار مختلف در مکان‌های متفاوت در پر می‌گیرید. البته در این قسمت نیز در بخش دوم پس از خوشبینی را که از آن سخن رفت داشتیم و لذا بررسی را فقط متوجه نقطه‌های روشن از کارنامه اداره موقت ساخته‌ایم.

قسمت سوم ویژه نامه را اختصاص دادیم به نقل بخش‌های از دو سفرنامه که نویسندگان آن‌ها همزمان با شروع کار این اداره به ولایات مختلف کشور مسافرت داشتند و چشم‌پنجه‌های خودشان را بازگو کرده‌اند، تا بدینوسیله حال و هوای کلی آن روزها نیز انتقال داده شود در پایان نیز روزشماره‌ای از وقایع این دوره و حوادثی که در حکم مقدمه این دوره محسوب می‌گردد تهیه کردیم. شاید یادآوری حوادث این چند ماهه و مقایسه آن با دو دهه قبل برای هموطنان ما خالی از عبرت نباشد.

خط سوم



خط سوم، شماره دهم / ۱۳۰

این نشانی را در اختیار بگیرید

# امنیت، مدیریت، آرمان و تجدد

در میزگردی با حضور تنی چند از چهره‌های فرهنگی

□ حسن رضایی



### اشاره

این میزگرد، با هدف ارائه یک نگرش نقادانه نسبت به کارنامه اداره موقت شکل یافته و از هرگونه جهت‌گیری جناحی به دور است. ما پی آن که نسبت به جناح‌های سیاسی کشور پیش فرض خاصی نداشته باشیم، سعی کردیم سؤالات را بر حسب واقعیت کشور و اوضاع شرایط موجود بین‌المللی طرح کنیم. شاید تنوع و نیز اصوار در شیوه طرح این سؤالات... که به نظر ما فقط اشاره به اوضاع و شرایط واقعی کشور دارند - مایه آزردهگی خاطر برخی از جناح‌ها و افراد شود، اما از آزردهگی عطفی که بگذریم، ما نیز هدف مان این بوده است که از رهگذر چنین گفت‌وگوهایی اشخاص و جناح‌های سیاسی نسبت به سرنوشت مردم و کشور احساس تعهد بیشتری کنند و از این اندیشه فرسوده دست بردارند که آنان در خلاء به فعلیت سیاسی می‌پردازند. اگر چنین حسی ولود در مسئولان دولتی ایجاد شود و یا از این رهگذر مردم به حقوق خویش آگاه‌تر شوند، البته که ما به هدف خود نزدیک شده‌ایم. در این میزگرد آقایان دکتر سید عبدالحمید معصومی پزشکی و محقق علوم اسلامی، صادق افضل‌ی کارشناس حقوق بین‌الملل، سید فضل‌الله قدسی شاعر، حجت‌الاسلام علی فصیحی مدیر مسئول نشریه بنیاد وحدت و حسنعلی غلامی کارشناس ارشد زمین‌شناسی حضور داشتند. خط سوم امتنان خود را از این بزرگواران پیشاپیش ابراز می‌دارد.



خط سوم، شماره دهم / ۱۳۱



● خط سوم: آقای دکتر معصومی! ما در تاریخ معاصر، تجارب مشابه جهانی مثل تجربه فعلی خود داریم. فی‌العمل در جنگ جهانی دوم بعد از شکست آلمان و جاپان و کلا متحدین، نیروهایی که باقی مانده بودند این آمادگی را داشتند که با نیروهای بین‌المللی یا در واقع همان متفقین همکاری بکنند. سؤال ما از جناب عالی این است؛ یا توجه به این که تشکیل‌دهندگان اداره موقت نیروهایی بودند که جامعه بین‌المللی قبل از ۱۱ سپتامبر یا آن‌ها آمادگی همکاری چندانی نداشت. جنابعالی بفرمایید که اداره شش ماهه از این منظر چه چیزی را نشان می‌دهد؟

○ دکتر معصومی: البته تجربه ما با تجربه‌هایی از نوع جنگ جهانی دوم متفاوت است. در مبارزات افغانستان، قیام مردم و ملت علیه یک ابرقدرت بود و این نقطه مشترک همه بود و در واقع تا ۶۰-۷۰ درصد عمر مبارزات، این نقطه مشترک وجود داشت. بعد از انحلال شوروی سابق، در واقع این دشمن مشترک و این نقطه مشترک، جایش را به اهداف نسبتاً پراکنده داد. در جنگ جهانی که تعداد زیادی از کشورها درگیر بودند، جنگی بود بین کشورها و دولت‌ها و با امکانات مشابه که هر کدام داشتند. برخلاف این‌جا درگیری یک ملتی بود که از نظر امکانات چیزی نداشت و طرف مقابل یک کشور کاملاً مجهز بود.

● خط سوم: آقای دکتر، ببخشید، هدف ما در واقع مقایسه بین این دو پییده نیست. هدف این است که در آن‌جا، نیروهایی که باقی ماندند، این آمادگی را به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیکی داشتند که اعتماد بین‌الملل را جلب بکنند و بعداً هم شاهد بودیم که در طرح مارشال کمک‌های مختلفی به اروپا شد و اقتصاد اروپا از این لحاظ ساخته شد. ما می‌خواهیم به این نکته برسیم که تجربه اداره موقت با این تنوع و گوناگونی که عرض کردم، از این لحاظ چیست، یعنی اداره موقت چقدر به دنبال جلب اعتماد جهانی بوده یا چقدر در همکاری با جامعه جهانی موفقیت داشته است؟

○ دکتر معصومی: مشکل همین است که می‌خواستم عرض کنم. مقدمه‌ام برای همین بود که قیاس ما با آن‌ها یک قیاس مع‌الفارق است، برای چه؟ برای این که ما در وسط کار دچار یک وضع جدید شدیم و این وضع جدید ناشی از فروپاشی شوروی بود و آن نقطه مشترک از بین رفت. بعد نیروهای مختلف به وجود آمدند، دارای اهداف مختلف و گرفتاری ما در آخر جنگ متعدد بود، نه یکی. در جنگ جهانی همه یک هدف داشتند و آن شکست دشمن بود. وقتی دشمن شکست خورد، همه به هدف رسیدند. ما و ضعیفان فرق می‌کند، ما در عین حالی که یک دشمن مشترک داشتیم، از نیمه‌های راه به این طرف و آن طرف، دچار تعدد در اهداف

شدیم. مشکلی هم پیش آمد و آن این که خود ما به نیروهای مختلف تقسیم شدیم و خارجی‌ها هم در این قسمت سهم بسزایی داشتند. ● خط سوم: منشا این تعدد و تقسیم‌بندی چه بود که اعتماد بین‌المللی را به همراه نداشت؟

○ دکتر معصومی: منشأ تعدد و تقسیم‌بندی‌ها، عمدتاً زمینه داخلی بود. یک فرهنگ بالا، یک معنویت و یک دانش و یک فرهنگ مشترک مانع می‌شود که این همه تعدد به وجود بیاید. به هر حال نحوه زندگی و فرهنگ عشائری، عقده‌های سابق، دخالت خارجی، همه این‌ها با هم، دخالت کرد و زمینه‌ای به وجود آورد که ما در سال‌های اخیر، قبل از این که خارج شویم، به خود مشغول شویم، یعنی مشکلات داخلی ما به حدی بود که سرانجام دنیا متوجه آن شد. برای این که این وضع را توجیه بکنیم، باید به علل زیادی توجه کنیم. یکی از عللش این است که در افغانستان از اول اقوام و زبان‌های گوناگون بوده و بعد از درگیری‌ها در طول سالیان وجود داشته. حکومت معمولاً برای چند صد سال دست یک‌قوم بوده و این‌ها همه تابعی داشته. از نظر مذهبی و زبانی هم وضع این‌طور بوده. یک زبان تقویت می‌شده، یک زبان تقویت نمی‌شده، برای یک زبان کلاسیک‌های اجباری بوده، برای یکی نیوده. این‌ها بالاخره اثر دارد و ایجاد عقده می‌کند. بنابراین وضع ما در آخر، یک وضع چندبندی شد و جهان متوجه شد که اگر به نحوی برای افغانستان راه‌حلی پیدا نشود، برای کل جهان مشکل‌ساز خواهد شد. وقتی در کشوری آن‌ترشیم و بی نظمی باشد، زمینه برای رشد گروه‌های ناهنجار و آسیب‌رسان فراهم می‌شود. بنده همین‌را می‌خواستم عرض کنم.

○ قلمی: عرض کنم که شکی نیست که مجموعه‌های مختلف سیاسی که در یک برهه از زمان در اصطلاحاً که درگیری با هم‌بگیر به سر می‌برند و چه بسا که حیانتشان را در گرو تضادهای سیاسی می‌دیدند، این‌ها همه امروز قبول دارند که در محدوده زمانی کار اداره موقت، تنش‌های حاد سیاسی و نظامی که داشتند، تبدیل به تضارب آراء و افکار شده و در خدمت پیشبرد اهدافی قرار گرفته است که در اداره موقت پیگیری می‌شد. اما من فکر می‌کنم حرکت به سوی هماهنگی، خاص مخصوصاً محدوده زمانی حکومت آقای کرزی نیست، بلکه قبل از آن، مخصوصاً از اوایل سال ۸۰ و اواخر سال ۷۹، در عمل حرکت آغاز شده بود.

● خط سوم: آقای باقری، شما صمیمیتی دارید؟ بفرمایید. ● باقری: در زمینه عوامل نشی که جناب آقای دکتر توضیح دادند،



## باقری: قانون اساسی ۱۳۴۳ به طور نسبی در میان قوانین اساسی دوره‌های مختلف افغانستان کم‌عیب‌ترین است. اکثر قوانینی که در دوره‌های بعدی تصویب و توشیح شده‌اند، در خود تناقض دارند و برخی از آن‌ها به مرانامه‌های حزبی بیشتر شبیهند تا قانون اساسی.

قبول است که واقعاً عوامل مختلف داخلی و بین‌المللی در کار بوده که در طول ۲۰ سال گذشته، این شرایط به وجود آمده که دسته‌ها و گروه‌های متعددی بوجود بیاید و این‌ها در مقابل یکدیگر قرار بگیرند.

● خط سوم: جناب آقای باقری، ببخشید، ما درباره مسایل داخلی باز هم خدمت شما هستیم. شما اگر درباره همین سؤال مطلبی دارید بفرمایید.

○ باقری: می‌خواستم یک نکته عرض کنم که عامل نشی الان هم بزرگترین مانع در راه ایجاد ثبات ملی و شکل گرفتن دولت موقت است. من فکر می‌کنم که مهم‌ترین عاملی که به خصوص در حدود ده سال اخیر مطرح بوده، این مسأله بوده که بعضی از شخصیت‌ها با توجه به همین شرایط بحرانی حدود یک ربع قرن گذشته عناصری شدند که بقای خود را واقعاً در نظامی گری می‌دیدند. به همین دلیل این‌ها به آسانی حاضر نمی‌شوند که به یک ائتلاف بزرگ سراسری بپیوندند که در آن جا احتمالاً منافع شخصی شان را از دست می‌دهند.

● خط سوم: جناب آقای قلمی! شما مدت مدیدی در داخل کشور بودید و از نزدیک مسایل کشور را تجربه کردید. هم ظاهراً قبل از واقعه سپتامبر و هم بعد از آن که خبر داریم مدت‌ها تشریف داشتید. قبل از تحولات اخیر شاهد جناح‌بندی‌هایی بودیم که چشم‌انداز آینده را خیلی مبهم می‌کرد و امید نبود که این‌ها با هم‌دیگر جمع شوند و به توافقاتی اساسی برسند که به لحاظ ملی و بین‌المللی به نفع کشور باشد. شما که از نزدیک شاهد بودید تجربه اداره موقت را در جمع کردن نیروها چطور می‌بینید؟ آیا اساساً می‌شود که این جناح‌بندی‌ها به نحوی سازنده‌تر شده باشد و آن وضعیت مخرب گذشته را رها کرده باشد؟

○ قلمی: عرض کنم که شکی نیست که مجموعه‌های مختلف سیاسی که در یک برهه از زمان در اصطلاحاً که درگیری با هم‌بگیر به سر می‌برند و چه بسا که حیانتشان را در گرو تضادهای سیاسی می‌دیدند، این‌ها همه امروز قبول دارند که در محدوده زمانی کار اداره موقت، تنش‌های حاد سیاسی و نظامی که داشتند، تبدیل به تضارب آراء و افکار شده و در خدمت پیشبرد اهدافی قرار گرفته است که در اداره موقت پیگیری می‌شد. اما من فکر می‌کنم حرکت به سوی هماهنگی، خاص مخصوصاً محدوده زمانی حکومت آقای کرزی نیست، بلکه قبل از آن، مخصوصاً از اوایل سال ۸۰ و اواخر سال ۷۹، در عمل حرکت آغاز شده بود.

● خط سوم: این درست است، اما در عمل چنین چیزی وجود نداشته است. هم در ماجرای مذاکرات پین و هم بعد از آن مشاهده کردیم که همین نیروها یعنی اتحاد شمال یا هم اختلافات عمیقی داشتند. ○ قلمی: عرض کنم که مسأله نسبی است. این حرکت از زمانی آغاز شد که من خود شاهد بودم. عناصری که سال‌ها توانسته بودند به همدیگر اعتماد کنند، قبل از سقوط طالبان توانستند هماهنگی را ایجاد بکنند. حتی یک‌سال قبلش، جناب آقای خلیلی، اسماعیل خان و جنرال لویه هم هماهنگ بودند. در اداره موقت هم هماهنگی‌هایی که صورت گرفت و بر مبنای گذشته بود، البته این بدان معنی نیست که این نیروها قبل از آن کلیتاً میسایشان را حل کرده بودند. تا می‌رسد به لویه جره‌ای که دایر شد. من فکر می‌کنم که در هیچ برهه از زمان، بین اعضای جبهه متحد، این اندازه هماهنگی وجود نداشته که در این مقطع وجود داشته است. من فکر می‌کنم که یک حرکت تدریجی بوده که به این‌جا منتهی شده است. بنابراین برداشتن من این است که در تشکیل اداره موقت که در رأس آن آقای کرزی قرار داشته و اکثریت قاطع اعضای



اصلی کابینه کرزی مجاهدین و عناصر جهادی بوده. این‌ها در مدت حکومت شش‌ماهه آقای کرزی، توانسته‌اند بسیاری از میسایشان را حل بکنند.

● خط سوم: شما به مجاهدین اشاره کردید. گفتید که گروه‌های مجاهدین از قبل با هم هماهنگ شده بودند و این هماهنگی ادامه پیدا کرد. حالا رابطه جناح‌ها را با ائتلاف شمال چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ قلمی: جناح روم از لحاظ فکری، سیاسی و اعتقادی و از هر لحاظ دیگر با مجاهدین همسویی نداشته است و سعی جامعه بین‌المللی بر این بوده که در اجلاس بن ترکیبی را به وجود بیاورد که تمام مجموعه‌های سیاسی در آن مشارکت داشته باشند و جایگاهی که خود شأن خود احساس بکنند. از جمله مجموعه روم را در نظر گرفتند و کابینه شش‌ماهه ترکیبی بود که از لحاظ فکری و سلیقه‌ای تنوع زیادی داشت. در این مدت رقابت‌های تکنیک‌های سیاسی بین این مجموعه‌ها وجود داشته است و آنچه در این میان جالب است این است که این‌ها به یک اصل مشترک اتفاق نظر داشتند و آن این که کل رقابت‌ها باید با زبان دیپلماسی و ادبیات سیاسی مطرح شود نه با زبان اسلحه و تفنگ و شاید یکی از عمده عواملی که تأثیر گذار بوده بر همسویی بین جناح‌های متفاوت جبهه متحد، حضور مؤثر جناح روم و در رأس آن ظاهرشاه بود و امر باعث شده که اعضای جبهه متحد خود را در برابر یک جناح نیرومند مشاهده کنند و ناگزیر برای دفاع از موقعیت خود هماهنگی بیشتری با هم نشان دهند.

● خط سوم: جناب آقای باقری: می‌دانیم قانون اساسی‌ای که معیار کار اداره موقت قرار گرفت، قانون اساسی ۱۹۶۴ یا ۱۳۴۳ است. بفرمایید که این قانون اساسی، در بین همه قوانین اساسی دیگر، امتیاز خاصی دارد؟

○ باقری: قانون اساسی ۱۳۴۳ به طور نسبی در میان قوانین اساسی دوره‌های مختلف افغانستان کم‌عیب‌ترین است. اکثر قوانینی که در دوره‌های بعدی تصویب و توشیح شده‌اند، در خود تناقض دارند و برخی از آن‌ها به مرانامه‌های حزبی بیشتر شبیهند تا قانون اساسی. تهیه‌کنندگان پیش نویس این قانون همچون سید شمس‌الدین مجروح، سید قاسم رشتیا، میر محمد صلیب فرهنگ و... که از روشنفکران برجسته کشور بودند با استفاده از فضای اصلاح طلبی دهه چهل و انعطاف قابل توجه شاه، بخش عمده‌ای از حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان را وارد این قانون اساسی کردند. اصول برجسته‌ای که در این قانون درج شده و از امتیازات آن به حساب می‌آیند، عبارتند از: پلیرش اصل حاکمیت ملی، تضمین نظام سیاسی مبتنی بر اصل تفکیک قوا، پیش‌بینی تشکیل پارلمان ملی، شوراهای ولایات (ولایت جره‌ها) و شوراهای شورایی بر اساس انتخابات آزاد، عمومی و مستقیم، ایجاد تغییر ماهوی در لویه جره که سنتی افغانستان و تثبیت اصل برابری شهروندان...

البته برخی از این اصول در قوانین بعدی نیز حفظ شده اما نوعاً با ماده یا مواد دیگری از همان قانون نقض شده است. مثلاً قانون اساسی مصوب ۱۳۵۹ مللو از شعارهایی از قبیل حاکمیت ملی، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم و... است. اما بر اساس ماده چهار آن، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حافظ اراده و منافع تمام خلق‌های ساکن وطن معرفی می‌شود. یا در قانون اساسی مصوب ۱۳۷۲، بسیاری از اصول قانون اساسی ۲۴، از جمله حق تعیین سرنوشت برای



مردم کنجگانه شده است، اما در موارد دیگر آزادی شهروندان به طور کلی و مهم، مشروط می شود به این که به آزادی و کرامت دیگران، مشغول و امنیت عامه، مصالح ملی و اصول و مقررات اسلامی لطمه ای وارد نکند و تقوا را به طور عام و بدون تفسیر خاصی، اولین شرط اهلیت در تصدی مسئولیت های اداری و دولتی می داند و افرادی را که تقوای اخلاقی شان اثبات نشده است، مطلقاً از حق مشارکت در اداره امور کشور محروم می کند.

● خط سوم: هیچ جنبه سیاسی انتخاب این قانون اساسی در کار نبوده است؟

○ باقری: البته شکی نیست که جنبه های سیاسی هم در کار بوده است. بعضی از کشورها و همین طور جناح رم تلاششان بر این بود که نظام سلطنتی را به نحوی احیا کنند و در این جا نقش خود ظاهر شاه هم مطرح بود، چون در تدوین این قانون اساسی بعضی از عناصری دخیل بودند که الان بخشی از حلقه اطرافیان ظاهر شاه هستند. این ها مایل بودند تا قانون اساسی مورد نظر آنان مورد عمل قرار گیرد، ولی من با توجه به ماطله اجمالی ای که در مجموع قوانین موجود داشته ام، اصلاً خودم به این نتیجه رسیدم که اگر این قانون و قوانینی که بعد از این تصویب

### قدسی: هرکس می توانست دیدگاه های خود را آزادانه بیان بکند. بعضی از رادیوها گاهی جوسازی کردند گویا در فضای داخل لویه جرگه فشارهایی از طرف قوماندان ها وجود دارد.



شده است و همین طور قوانینی که قبل از آن تصویب شده بود مقایسه کنیم، این قانون اساسی برتری دارد.

● خط سوم: آقای غلامی! شما سفری به داخل کشور داشتید. ظاهراً مصاحبه هایی هم با بعضی از افراد مثل وزیر تحصیلات عالی داشتید. ارزیابی تان از برنامه اداره وقت در زمینه های علمی و فرهنگی چیست؟

○ غلامی: البته در این زمینه یک ارزیابی جامع دشوار است. زمانی که بنده مسافرت داشتم، اداره وقت در اوایل کار بود و مشکلات بسیار زیادی داشت، ولی با همه این حرف ها بنده از بخش های مختلفی، به خصوص آن هایی که مورد نظر شماست، مثل اداره تحصیلات عالی و دانشگاه ها بازدید کردم و از نزدیک مشاهده کردم که قوام چندانی صورت نگرفته است. مشکلات بسیار بود. مثلاً بازدیدیم داشتیم از دانشگاه کابل. آن زمان دانشگاه کابل سرپرستی داشت که منسوب به حزب خاصی بود. در واقع دانشگاه کابل درست در اختیار آن حزب بود. بنده وقتی با آن شخص وارد صحبت شدم و از تاریخچه و مشکلات دانشگاه پرسیدم، دیدم اصلاً چیزی درباره دانشگاه و وسایل آن نمی داند. دفتر دارش را خواست و از او درباره تاریخچه وسایل دانشگاه سؤال

می کرد. وضعیت جاهای دیگر بسیار شبیه به وضعیت دوران طالبان بود. در بسیاری جای ها با علمای مذهبی ای برمی خوردیم که از سوی احزاب گماشته شده بودند. بعد که رفتیم با وزیر یعنی دکتر قاضی صحبت کردیم، اولین سؤال من این بود که شما در این مدت بیست روز، یک ماه که آمده اید، چه کار کرده اید؟ وزیر خیلی راحت به من گفت که ما کاری نمی توانیم بکنیم. دانشگاه در دست تنظیم است و تنظیم هم قدرت دارد و به آسانی از آن خارج نمی شود. به هر حال با انتصاب دکتر شریف قاضی، فعالیت هایی شروع شده بود و از جمله ویژگی شخص وزیر این بود که به نظم و انضباط و قانون گرایی واقف معتقد بود. تداوم وزارتخانه ای که رعایت نظم و مقررات در آن تا حدودی شروع شده بود، وزارت تحصیلات عالی بود. اقداماتی که دکتر قاضی شروع کرده بود مخصوصاً در قسمت نظم و انضباط و تا حدی هم شایسته سالاری بود و همچنین اندک اندک شروع کرده بود به برقراری روابط با کشورهای خارجی، چنان که مسافرتی به امریکا داشت و نیز با کشورهای همسایه، مثل ایران ارتباط برقرار کرده بود. این فعالیت ها توقفات نسبی را نوید می داد. البته من از آن به بعد اطلاعی ندارم که چه قدر به آن برنامه ها و اهدافشان



رسیدند.

● خط سوم: غیر از تحصیلات عالی و دانشگاه حرکت های فرهنگی دیگری از قبیل نشریات و غیره را چگونه دیدید؟

○ غلامی: در زمینه تحصیلات عالی چند نکته باقی مانده است. مثلاً آکادمی علوم افغانستان با بخش های مختلف فعالیت هایی را شروع کرده بود. برخی از فعالیت های جانبی دیگر نیز آغاز شده بود. مثلاً پرسوژیستان آندیشنه صندق افغان یک شخصیت مشهور است. بر اساس همان شخصیت و شهرتش آقای در خوارا گرفته بود و در حال سازماندهی یک آکادمی علوم دیگر، یک سازمان علمی پژوهشی مخصوص به خودش بود بنده هم در صحبتی که با او داشتم، می گفتم در زمان آقای ربانی هم تشکیلات خود را داشتیم و الان هم سعی می کنم امور تحصیل کردگان و متخصصین را بگیرم. اما در زمینه مطبوعات و فضای فرهنگی دیگر تحکات زیاد بود به این جهت که قانون جدید مطبوعات فضای بازی ایجاد کرده بود. به هر جرات می توان گفت که در کل فضای مطبوعاتی موجود در افغانستان در تمام منقطع می نظیر است. منتهای مشکل وجود دارد، یکی مشکل کار مطبوعاتی که نیاز به سرمایه دارد که فراهم کردن آن بسیار مشکل است. بنابراین تنها راهش توسل به مؤسسات خارجی



است. مؤسسات خارجی هم بر اساس تجاربی که دارند، در شهرگ ها سرمایه گذاری جالبی انجام می دهند، ولی شرطش این است که نشریه باید دنباله رو سیاست آن ها باشد.

سرمایه گذاری کشورهای غربی در مطبوعات افغانستان یک جنبه مثبت دارد و کارهای فرهنگی و مطبوعاتی باید از جایی شروع شود، ولی جنبه منفی اش هم این است که به هر حال آن ها برنامه های خودشان را تعقیب می کنند و بدین ترتیب سلامت مطبوعات به خطر می افتد. مسأله دیگر این است جامعه افغانستان، یعنی مردم عادی، مشکلات عدیده ای دارند. هنوز مشکل رفع احتیاجات اولیه بر جای خود باقی است. کارهای فرهنگی در مراحل بعدی است. هنوز آن آمادگی در مردم وجود ندارد که از مطبوعات مستقل حمایت کنند و به مطبوعات اهمیت قابل شوند.

● خط سوم: جناب آقای فصیحی، با توجه به این که می دانیم یکی از وظایف اداره وقت شش ماهه و یا مهمترین وظیفه اش تدویر لویه جرگه اضطراری بود و این کار را هم البته کرد، ارزیابی جنابعالی از نحوه برگزاری لویه جرگه چیست؟

○ فصیحی: در مجموع با توجه به شرایط بحرانی افغانستان به نظر بنده مجموع عملکرد اداره وقت موفقیت آمیز بوده، همین که گروه های متخاصم را دور هم جمع کرده، همین که توانست است در شهر کابل مجموعه احزاب، گروه ها و شخصیت ها را در کنار هم گرد بیاورد، گامی مثبت است. در گذشته نیروهای جهادی حتی نمی توانستند کنار یکدیگر بنشینند. از جمله کارهایی که اداره وقت انجام داد و مربوط به سؤال شماست، برگزاری لویه جرگه اضطراری بود. اولاً در انتخاب ۲۱ نفر، ابتکار خوبی به خرج داده شد و نیز تدویر لویه جرگه در موعد مقرر از جمله نقاط مثبت کار این کمیسیون بود. البته کاستی هایی هم داشته، مثلاً این که نامش انتخابات بوده و تعدادی از افراد و اشخاص تحت عنوان نماینده مهاجرین شرکت کردند، در صورتی که هیچ گونه رأی و نظری از مهاجرین گرفته نشد. خوب تعدادی انتسابی بوده و تعدادی انتخابی که انتخابی هایش هم در واقع انتسابی بوده، این ها توافق لویه جرگه بوده است. اما در مجموع برگزار شدن سه موعده، انتخاب دولت ۱۸ ماهه و پایان یافتن بدون اغتشاش، موفقیت هایی بوده که لویه جرگه داشته است.

● خط سوم: آقای قدسی! شما از نزدیک شاهد بودید و شاید هم در جلسات لویه جرگه شرکت کرده باشید، نظر شما چیست؟

○ قدسی: عرض کنم که بنده، وکیل بودم و جریان لویه جرگه را به صورت دقیق پیگیری می کردم و فکر می کنم در تاریخ لویه جرگه های افغانستان، این موفق ترین و مؤثرترین بوده، زیرا تمام اعضای انتخابی لویه جرگه، واقعا انتخابی بوده است. آنچه جناب آقای فصیحی اشاره فرمودند که حتی انتخابی هایش هم انتسابی بوده، به نظر من درست نیست.

● خط سوم: ببینید آقای قدسی، شنیده می شد که اعمال فشار شده مخصوصاً بر اطراف، قوماندان ها و نیروهای مسلح از زور و اسلحه استفاده کرده اند و هم چنین گزارش هایی می رسید که گویا برخی رشوه خواری ها و توزیع پول برای خرید رأی صورت گرفته است. همه این ها گزارش هایی دروغ و شایعه بوده است؟  
○ قدسی: ممکن است موارد استثنایی پیش آمده باشد، ولی حقیقت این است که روند، همان روند انتخاب مردم بود. در هر ناحیه ای که انتخابات صورت می گرفت، شصت نفر توسط مردم انتخاب می شد. از بین آن شصت نفر، همان تعدادی که باید به لویه جرگه راه پیدا

می کردند، توسط آن ۶۰ نفر انتخاب می شدند. ممکن است چنین مواردی هم پیش آمده باشد، ما خیلی جاها شاهد رویش داریم که چنین چیزی نبوده، به عنوان مثال از شهر هرات، ۱۲ نفر نماینده در لویه جرگه شرکت کرده بودند. از مجموع ۱۲ نفر نماینده، ۸ نفر از مردم شتر و ۴ نفر از مردم سنی بود. این امر بیانگر این است که چنین اعمال فشاری وجود نداشته، در حالی که بیشترین اتهام متوجه حوزه جنوب غرب بود. اما مسأله رشوه، باز هم در مواردی ممکن است این کار صورت گرفته باشد، ولی یک پدیده شایع نبوده است.

نکته بارز و برجسته دیگری که در این لویه جرگه وجود داشت این بود که هر کسی می توانست دیدگاه های خود را آزادانه بیان بکند. بعضی از رادیوها گاهی جوسازی کردند گویا در فضای داخل لویه جرگه فشارهایی از طرف قوماندان ها وجود دارد. مادر آن جا بودیم و می دیدیم که کز چکرتین فشاری وجود ندارد.

● خط سوم: بعضی از خانم ها به ویژه شکایت داشتند که بعضی از افراد ذی نفوذ و قوماندان ها گویا آن ها را در جلسات تهدید می کنند و اصطلاحاً به آن ها گفته می شده که اگر شما بیرون بیایید ما به حساب شما می رسمیم. درباره این گزارش ها چه می گوید؟

○ فصیحی: هیچ موردی ثابت نشده. حتی خود جناب کرزی هم از پشت تریبون اعلام کردند که اگر چنین موردی پیش آمده باشد، بیایید به ما بگویید. من این قضیه را پیگیری می کنم و اگر پیگیری توانستیم، حاضریم استعفا بدهم. هیچ شکایتی صورت نگرفت. اصلاً جو، چنین جوی نبود، چون هر کسی هر حرفی را می خواست می زد. علیه رهبر، قوماندان و علیه مجاهد حرف زدند، یعنی علیه همه صحبت شد. فقط در یک مورد خانمی شکایت برده بود پیش آقای کرزی که فلان خانم مرا تهدید به مرگ کرد. بعد که او را خواسته بود، گفته بود: جناب رئیس من هم یک خانم هستم. نه توپ دارم و نه تانک دارم. بر فرض تهدید کرده باشم، تهدید من چه تهدیدی است؟

● خط سوم: البته آن خانمی که خودش توپ و تانک ندارد، می توانست حامیانی دارای توپ و تانک داشته باشد.

○ قدسی: نه، او کاره ای نبود. نه مسؤل بود، نه رئیس بود، نه عضو حزب بود، فقط رأی آورده بود.

● خط سوم: آقای فصیحی! شما صحبتی داشتید؟

○ فصیحی: ببله، خدمت شما عرض کنم. چون آقای قدسی فرمودند که نمایندگان صد در صد انتخابی بوده اند، من اولاً از خود حضرت ایشان سؤال می کنم که انتخابات یعنی چند؟ حدود ۱۳ نفر را از مشهد تحت عنوان وکلای مهاجرین شرکت کردند. مجموعه نخبگانی که این جامع هستند، هیچ کدام به عنوان وکیل انتخاب نشدند. کسانی که شرکت کردند، از نخبگان مهاجرین بودند؟ ایشان فرمودند که صد در صد انتخابی بوده، به نظر من این خیلی مبالغه است.

○ قدسی: اجازه بدهید که من نکته کوچکی را در این جا توضیح بدهم. درباره نمایندگان مهاجر و روشنفکران، خود هیأت اعلام کرده بود که این ها انتسابی هستند.

○ فصیحی: آیا شرکت کنندگان، نمایندگان مهاجرین بودند؟

● خط سوم: به هر حال طبق تصمیم قبلی کمیسیون شرکت آن ها قانونی بود.

○ باقری: این که می گویم انتخابات واقعا یک مقدار مهم است. ما از انتخابات این رأی می فهمیم که کسانی که واجد شرایط رأی دادن هستند،





## فصیحی: اگر ما به هر حرکت خلاف ملی پسوند اسلامی بزنیم ، به نظر من این ظلم به اسلام است . به نظر من اسلام با تمدن و پیشرفت و دنیای خارج از خود مخالف نیست . اسلام دین صلح است ، دین امنیت است . بنابراین ما هم می توانیم از ارزش های دینی پیروی کنیم و هم با تمدن بشری گام به گام پیش برویم .

به افرادی که کاندیدا شده اند، رأی بدهند. ولی سیستمی که در داخل اعمال شد و مدعی است که انتخاباتی بوده، دقیقاً این سیستم نبوده، یعنی تعداد کثیری از مردم هر محلی می آمدند و ۶۰ نفر را انتخاب می کردند. مراجعه به رأی مردم نبوده، بنابراین نمی شود گفت که انتخابات بوده است.

○ قلمی: آنچه خیلی مهم است، این است که چنین نبوده که یک عده ای، بر اساس، سفارش ها و توصیه و قدرت و اعمال نفوذی از مرکز، از حاکمیت وارد لویه جرگه شوند.

### خط سوم: آقای دکتر! شما صحبتی دارید؟

○ دکتر معصومی: به هر حال نتیجه ای که ما می گیریم این است که لویه جرگه به عنوان یک راه حل اجباری و اضطراری در شرایط ویژه، تشکیل شد ولی یک راه حل مطلوب نیست، برای این که نه انتخاباتی بوده و نه بر مبنای شایستگی، هیچ کدام نبوده. اگر لویه جرگه یک چیز خوب، دنیاستند و یا مسلمان پسند می بود، این گسترش پیدا می کرد در دنیا. تا جایی که ما اطلاع داریم، لویه جرگه مخصوص افغانستان است و در گذشته هم لویه جرگه ها اهداف طبقات بالا را تحمیل می کرده اند. به عنوان راهی که به هر حال در یک شرایط بسیار اضطراری مطرح است، حرفی نداریم ولی اگر در آینده هم روی لویه جرگه به این سبک تکیه شود اصلاح نیست، نه همین دلیل، بنده به سهم خود به عنوان یک فرد، طرفدار این نظر هستم که لویه جرگه، به شکل فعلی اش کارایی ندارد. یا باید تکامل پیدا کند و به شکل انتخاباتی و معقولش برسد و یا این که یک مجلس منتخب با رأی مردم به وجود نیاید.

○ خط سوم: می دانیم که عنوان لویه جرگه، لویه جرگه اضطراری بود و در شرایطی برگزار شد که هنوز هم گروه های مسلح در اطراف و اطراف کشور موجود بودند و هنوز هم جناح بندی ها به همان شکل سابق وجود داشت. در این شرایط، مردم چگونه بیایند رأی شان را بپذیرند؟ منتها می توانیم بگوییم به بحث و وسطی داره. همان طوری که حضرات فرمودند یکی این است که فی المثل ما به نحو قانونی می پذیریم، یعنی همان کمیسیون چند نفره ای که تشکیل شده برای خودشان این را قانون فلهام می کنند که ما این مقدار نماینده را انتخابی برزیم و این مقدار را انتسابی و از این قانون تخطی نکنیم. یک بحث این است اگر این به نحو مطلوبی انجام شده باشد، ما می گوییم تا حدودی کار قانونی بوده است. حالا می توانیم اعتراض کنیم که چرا چنین قانونی وجود دارد، چرا انتخاب نماینده انتسابی است. ولی اگر آن ها همان قانون را رعایت

دانشگاهیان هستیم از اتحادیه، چهل نفر کاندید کردیم. از این بین چهل نفر، دو نفر از دوستان ما انتخاب شدند که هیچ گونه ویژگی جزئی نداشتند و رابطه شخصی هم با اعضای کمیسیون نداشتند. دوستان به خصوص جناب آقای فصیحی گفتند چند نفر بر اساس شایسته سالاری انتخاب شدند، من می گویم حداقل این دو نفر که من از نزدیک می شناسم کاملاً بر اساس شایسته سالاری و بر اساس آن دستورالعمل بوده و سایر افراد هم، افرادی، به نظر من تا حدودی موجه بودند.

○ خط سوم: آقای فصیحی! یکی از اعتراضاتی که در تعیین لویه جرگه می شود، این است که لویه جرگه فاقد اجندا، موضوع کاری و دستورالعمل کاری بوده و وقت نمایندگان بیهوده تلف می شده است. در این زمینه اگر شما لطف بکنید توضیح دهید.

○ فصیحی: ابتدا درباره صحبت آقای غلامی توضیح کوتاهی بدهم و آن این که منظور بنده این نبود که دو نفر از دوستان ایشان که معرفی شده اند شایسته نبوده اند. عرض من این بود که آیا در مجموعه مهاجرین سی نفری که رفته اند یعنی واقعا همین ها، نخیه مجموعه مهاجرین بوده اند؟ عرض این بوده، نه این که خدای ناخواسته این افراد، افراد شایسته ای نبوده اند. اما در ارتباط با اجندا عرض کنم که گاهی علیه هیأت رئیسه جوسازی می شد. مثل این که آقای بلند شد و گفت، باید رئیس جلسه دو تا زبان بلند باشد که بعدها واقعا به طنز شایسته داشت که رئیس جلسه گاهی یک یا دو کلمه پشتو هم می گفت.

در شرایط بحرانی که اولین جلسه، بعد از آن عمل هایم که در افغانستان صورت گرفته بود برگزار می شد، اداره کردن چنین جلسه ای با توجه به آن جو قبلی و شرایط موجود در خود جلسه، به تعبیر برادرها که فشارهای داخلی و خارجی هم حاکم بوده، به نظر من یک شاهکار بوده است.

### خط سوم: آقای باقری! شما صحبتی دارید؟

○ باقری: به نظر من اجنادهای جلسه مشخص بود، یعنی طبق توافق من، سه محور مشخص تعیین شده بود که بالاخره لویه جرگه به آن رسیدگی کرد. یکی مسأله تعیین رئیس دولت بود. دوم مسأله تعیین اعضای برجسته دولت بود. سوم مسأله تعیین نوع نظام بود. این سه محور طبق توافق نامه بین وظیفه اصلی لویه جرگه بود و اتفاقاً با همه فراز و نشیب ها و همه مشکلاتی که در لویه جرگه پیش آمد، به این سه تا وظیفه عمل شد. ولی من فکر می کنم که یک مقدار تلاش های دیگری صورت گرفت که از این فضای به وجود آمده استفاده سیاسی صورت گیرد. یکی از مسائلی که به صورت غیر قانونی به نظر من برخلاف توافقنامه بین مطرح شد، پیشنهادی بود که از طرف جناب کرزی مطرح شد. ایشان پیشنهاد کردند که از بین همین هزار و پانصد نفری که در این جا آمده، باید تعدادی بر اساس آرای همین افراد انتخابی شوند و ملی جرگه را تشکیل دهند.

○ خط سوم: ولی این پیشنهاد عملی نشد.

○ باقری: هنوز هم پیگیرش هستند. من فکر می کنم که این پیشنهاد اولاً خلاف توافقنامه بن بود. ثانیاً به لحاظ حقوقی هم یک مبنای مشخص منطقی ندارد، به دلیل این که بر اساس قانون اساسی که بعداً تدوین می شود و به تصویب لویه جرگه ملی می رسد، بر اساس آن قانون اساسی ما می توانیم مجلس داشته باشیم و در شرایط فعلی اگر هم چیزی به نام مجلس تشکیل شود، نه بیایند قانونی اش مشخص است و نه وظیفه اش. به نظر من به جای این که بیشتر حل مشکل بکنند، بحران ایجاد خواهد کرد.

این یکی از چیزهایی بود که اخلاقی در اجنادهای جلسه به وجود آورد. اتفاقاً مشکل شد و حتی از دست کرزی هم خارج شد. ایشان در اول می خواست یک استفاده ای از سر ببرد که حداقل بعضی از افواج را که بیرون مانده و در دولت همی نگرفته اند، به این شکل راهی کند. این که به عنوان یک لطمه از اش استفاده کند.

○ خط سوم: در باره فرای بر وزرا، که تکذکرای داده نشد و در واقع به کابینه جمعی رأی داده شد هم اعتراضاتی وجود دارد. در این زمینه آقای قدسی، شما اگر فرمایشی دارید.

○ قدسی: اول در ارتباط با مسأله پارلمانی که جناب آقای باقری توضیح دادند، عرض کنم که اتفاقاً قضیه تشکیل پارلمان بسیار جدی بود. در پیش نویس آنچه که کمیسیون ۲۱ نفره هم آماده کرده بود، این اصل آمده بود، منتها با یک صلاحیت بسیار کلانی برای پارلمان، یعنی برایش صلاحیتی پیش بینی کرده بود که یک مجلس صاحب صلاحیت کشور باشد.

### خط سوم: پیشنهاد از سوی چه کسی یا مرجعی بود؟

○ قدسی: از سوی کمیسیون ۲۱ نفره بود. در واقع، این جناب آقای کرزی بود که جلو تصویب چنین پارلمانی را با آن صلاحیت گرفتند. یعنی قضیه را سعی کردند که به یک نحوی مطرح بکنند که احیاناً یک مجموعه مشورتی تشکیل شود که بیشتر جنبه مشورتی با دولت داشته باشد نه این که بیابند بر تصمیم اساسی و جدی دولت نظارت کند.

○ باقری: این یک مسأله، اما در ارتباط با فرمایش شما، عرض کنم که قبل از این که رأی گیری صورت بگیرد، یک سری توافقات در فضای عمومی لویه جرگه به وجود آمده بود. یعنی مثلاً بنده که آن جا به عنوان یک نماینده شرکت کرده بودم و دارای گرایش جهادی بودم، پیشاپیش رأی را داده بودم که مثلاً اگر فلان وزیر صاحبی که از مجاهدین هست کاندید شود من صد در صد رأی می دهم. یک چنین توافق ضمنی بین مجاهدین و غیر مجاهدین صورت گرفته بود.

○ خط سوم: چرا همین توافق ضمنی به صورت آشکار رأی و تک به تک ظاهر نشد؟ یعنی چرا به هر فردی از وزرای کلیدی که گفته می شد فقط ۲ بست است، به طور انفرادی رأی گیری نشد تا انتخاب واقعی تر جلوه کند؟ بلکه رأی جمعی داده شد.

○ قدسی: بله، جمعی شد. بعد که آقای کرزی مطرح کردند کابینه با اکثریت قاطع آراء هم رأی آورد.

### خط سوم: آقای غلامی بفرمایید.

○ غلامی: در واقع خود جناب کرزی این مطلب را مطرح کرد و خودش هم جلوش را گرفت. به قول ایشان می خواست یک مجلس مشورتی که هم فکر با خودش باشد ایجاد کند. منتها بعد در لویه جرگه اتفاقاتی افتاد و مسایل غیر قابل پیش رخ داد. این نشان داد که لویه جرگه آن قدرها هم قابل کنترل نیست. اما در این مورد که چرا رأی گیری برای تک تک وزرا انجام شد به خصوص در وزرای کلیدی، در مورد تمام کابینه که به لازم بود، نه شش بود. اما در مورد وزرای کلیدی یا چند چند مشکل عمده وجود داشت، به این صورت که بعضی از وزرای شاخص، من نام نمی برم و مشخص هم هست، قطعاً در چنان رأی گیری ای رأی نمی آوردند. آن وزرا هم قدرت داشتند. بنابراین کل اداره انتقالی و لویه جرگه را چنانچه رأی گیری می شد و رأی نمی آورد با خنجر مواجه می کرد.

### خط سوم: آقای باقری! یک اعتراضی که عمدتاً به لحاظ قانونی



پیشانی آند بیشه





منطرح می شود، پیشنهاده آقای محسنی است در مورد اسلامی بودن دولت موقت. حالا من نمی گویم که درست بود یا نادرست بود. قطعاً هر تصمیمی درباره سیستم حکومتی توابع خاص خودش را دارد. شما این پیشنهاد را از لحاظ حقوقی چگونه ارزیابی می کنید؟

○ باقری: در پاسخ به این سؤال باید عرض کنم که دادن پسوند اسلامی به دولت عبوری، کدام بار حقوقی خاصی را برای دولت تحمیل نمی کند. منتها از نظر افکار عمومی مطلب خیلی مهم است. جناب آقای محسنی و آقای سیاف روی این مسأله نگاه داشتند که با توجه به این که مردم مسلمان هستند باید دولتی که به وجود می آید، دارای پسوند اسلامی باشد. ولی از نظر حقوقی عرض کردم بار معنایی خاصی ندارد.

● خط سوم: سؤال این است که خود این پیشنهاد با توجه به این که آقای محسنی نمایندگی ننمود، به لحاظ حقوقی قابل قبول بود یا خیر؟

○ باقری: خود این عمل، یعنی نحوه برخورد با این قضیه، پیشنهاد این پدیده و درخواست قیام مردم، از نظر حقوقی کار دولتی نیست. یعنی چیزی که در لویه جرگه تصویب می شد، باید روال طبیعی خودش را طی می کرد. باید پیشنهاد به رئیس داده می شد و توسط ایشان مطرح می گردید و سپس رأی گیری می شد. رأی گیری در مسائلی خیلی مهم به صورت مخفی انجام می شود و چنان نیست که همه قیام کنند، از لحاظ حقوقی این عمل خلاف دستور لویه جرگه بود.

○ قلمی: البته در این ارتباط که آقای محسنی نمایندگی نمود، چرا ایشان نماینده بود.

● خط سوم: ظاهراً ایشان از آن صد نفری بوده که اعتراض می شده که این ها را خود کمیسیون بدون صلاحیت وارد کرده است.

○ قلمی: نه خیر، ایشان جزء آن صد نفر نبوده بلکه از میان شخصیت های صاحب اعتبار آمده بود.

● خط سوم: ایشان نماینده کجا بودند؟

○ قلمی: انتسابی بودند. دیگر در آن جا کسی نمی پرسد که کی انتسابی است و کی انتخابی. علاوه بر این اول آقای سیاف مطرح کرد. او نماینده بود و این صحت حقوقی کار را تأیید می کند و آقای محسنی در تأیید حرف سیاف طرح کرد.

○ باقری: البته این نکته را اضافه کنم که حتی اگر نماینده انتخابی

**غلامی: یکی از رهبران به من گفت، شایسته سалاری در این جای یعنی پسرخاله وزیر باشی، پسرخاله وکیل باشی. اما یک مقدار هم شایستگان کوتاهی کردند. جامعه روشنفکر ما، جامعه باسواد و تحصیلکرده ما، رسالت واقعی اش را که برود به افغانستان مدت یک سال و دو سال و یا چند سال سختی ها را تحمل بکند و وارد کادرهای عمومی شود، چنین چیزی هم وجود ندارد.**

مردم هم بود، این نوع پیشنهاد و بر خلاف مقررات یک مجلس آن جانی است و باید روال قانونی خودش را طی می کرد.

● خط سوم: آقای قلمی! باز هم خدمت شما خواهم بود. درباره لویه جرگه بحث طولانی شد. اکنون بپردازیم به جنبه دیگری. آقای دکتر معصومی می دانیم که اداره موقت از دو ائتلاف مهم، ائتلاف شمال و جناح دم تشکیل شد و نقش کلیدی هم از آن ائتلاف شمال بود، تا جایی که جناح دم هم شکایت داشت که ائتلاف شمال حضور خیلی گسترده دارد و با توجه به تجارب و عقاید و احساسات بنیادگرایانه ای که داشته. نمی تواند یا نیروهای بین المللی برای تأمین امنیت کشور همکاری لازم را داشته باشد.

نظر شما درباره عملکرد اداره موقت در این زمینه چیست؟ به عبارت دیگر سؤال را این طوری مطرح بکنیم که آیا اسلام به عنوان یک دین جهانی، این پتانسیل را دارد که با اتکا به آن بتوان با نیروهای بین المللی همکاری کرد؟

○ دکتر معصومی: مطلب اساسی هم همین است. به نظر خیر، راجع به لویه جرگه بحث زیادی شد و می شد یک قسمت از وقت را به مطالب اساسی تر اختصاص داد که از جمله آن ها همین مطلب است. ما از این جا شروع می کنیم که اداره موقت و دولتی که الان سر کار هست، باید به یک هویت برسد. اگر به هویت نرسد، به عنوان یک دولت متفعل و دولت دست دوم ناکارآمد خواهد بود. رسیدن به یک هویت، ستون اصلی اش فرهنگ است. وقتی صحبت از فرهنگ می شود، در جامعه ما جزء مهم فرهنگ، اگر نگوئیم کلش، دین است. ما الان بر سر دو راهی هستیم. باید یک چیز جدید ایجاد کنیم، یک ابتکار و در این نهضت جهانی اسلام شریک شویم. موانع و مشکلات وجود دارد. ۱۲۰۰ سال مسلمان ها غافل بوده و سلطنت ها و رژیم های فاسد حکومت می کرده اند. از این هم بگذریم که طالبان نیروهای منحصری بودند و از طرف تعداد زیادی از مسلمان ها، مستهلک شدند. تعداد زیادی از اعمال مجاهدین و دولت آن ها هم مورد تأیید نبوده به این سیستم جدید، ما اگر فکر بکنیم، نیاز به یک ابتکار و یک نواندیشی داریم به فرهنگی که این فرهنگ به ما استقلال بدهد. اگر ما روی این قسمت فرهنگ خود خط بکشیم، می شویم جزئی از جوامع معمولی بشری فعلی، برای این که ما اگر این را از خود نداشته باشیم، مجبوریم که روی فرهنگ معاصر، بر



شایان آندیشه

میانی دموکراسی به عنوان مبنای بر ستون های سکولاریزم، پلورالیزم و لیبرالیزم بکنیم.

● خط سوم: ببخشید، شما اشاره فرمودید به فرهنگ، بعضی ها دقیقاً به همین نکته اشاره می کنند. امثال جنک تمدن ها را نتیجه می گیرند و الان مطرح کرده اند که تمدن اسلام با تمدن غرب در حال رویارویی است. از این منظر که نگاه کنیم، آیا واقعاً راه میانه ای نیست که این تمدن ها با هم بتوانند به جای رویارویی همکاری بکنند؟

○ دکتر معصومی: بالاخره ما مجبور به ابلاغیم، ما مجبور به تبلیغیم، قبل از این که مجبور به جهاد نظامی باشیم. این ابلاغ و تبلیغ و تسخیر رسالتی است که از پیامبران به جا مانده و بر دوش نخبگان موحد جامعه است و باید به نحو احسن صورت بگیرد. از دیدگاه اسلامی به طور قطع است و یقین، با کل جهان دوستیم. با انسان ها به طور اخص دوستیم. با آن هایی که با ما از نظر خلقت یکسان هستند هم دوستیم. اگر بتوانیم با آن ها احسان بکنیم باید هم احسان بکنیم. با آن هایی که با ما هم کیش و هم عقیده اند که برادریم. اما راجع به وضع فعلی، باید یک نوع مبارزه معقول در پیش گرفته شود. وضعی که الان وجود دارد، وضعی است که عرض کردم حداقل مطلوبیت را دارد، نه حداکثر مطلوبیت را و مادر این درگیری که کلید سر نوشت آینده ما خواهد بود، باید نقش بازی کنیم و این نقش ما همین است که روی یک فرهنگ مستقل بکنیم و این فرهنگ مستقل ما مقننش از وحی است. دسترسی به وحی برای مسیحیان ناممکن است اما برای ما صد در صد ممکن و مقدور است. این است که ما باید به این دریایی های که داریم تکیه کنیم و آن ها به خاطر ناداری هایی که دارند دچار مشکلات می شوند. از همین جا یک مبارزه فرهنگی عمیق و جدی شروع می شود که در واقع سر نوشت ما با همین مبارزه فرهنگی است.

● خط سوم: آقای قلمی! شعاً صحبتی دارید بفرمایید.

○ قلمی: در ارتباط با سؤالی که شما فرمودید، در سطح نازل تر و عینی تر عرض کنم بعد از تشکیل اداره موقت، مجاهدین که در حقیقت بخش عمده ای از سمت های اداری کشور را در دست داشتند، دچار نوعی معلولیت شدند، یعنی سر دو راهی قرار گرفتند. از یک طرف شرایط جهانی ایجاب می کرد و کسانی که در افغانستان دخالت کردند و تروریسم را شکست دادند انتظار داشتند که افغانستان یک افغانستان به تعبیر آنها دموکراسی و یک افغانستان لائیک باشد. افغانستانی که حکومتش تحت تأثیر تفکر دینی نباشد. از سوی دیگر، مجاهدین بر اساس اعتقادات و باورهای دینی شان متعهد بودند در قبال دین و مذهب و ارزش های جهاد و این که در افغانستان باید حکومتی مبتنی بر ارزش های دینی و باورهای اسلامی برقرار شود. سؤال اصلی این بود که چه کنند که در قبال تعهدات اعتقادی شان پایبند بمانند و طرفداران خود را در سطح جهان راضی نگه دارند. این که متناسب با شرایط جدید، در صدد تشکیل احزاب جدید هستند با تفکرات نوین، تفکراتی که شعارشان این است که اسلام می تواند هم در یک جامعه حکومت کند و هم با دیگران رابطه دوستانه برقرار کند. فعلاً مسأله تشکیل نهضت ملی است. ایجاد بعضی از احزاب دیگر هم که شاید مناسب نباشد نام ببرم، در راستای احساسی هم ضرورت است.

● خط سوم: آقای غلامی شعاً در این زمینه صحبتی دارید؟

○ غلامی: اگر اجازه بدهید در رابطه با صحبت های جناب آقای دکتر

عرض کنم، آن چیزی که جناب آقای دکتر تاجیک دارند و سلباً نگرانی هایشان است و به حق هم هست، منتها ما باید به خط هر نگاه بکنیم. فرهنگ خودمان و فرهنگ دینی ما واقعاً همین است، منتها ما در یک گوشه از این کره زمین هستیم. چه بخوایم چه نخواهیم امروز فردا، فرهنگ جهانی بر ما حاکم خواهد شد. جنبه های دیگر فرهنگ بشری در نقاط دیگر دنیا هست. من موردی نمی بینم که فرهنگ بشری یا فرهنگ دینی مردم تعرض داشته باشد.

● خط سوم: جناب آقای دکتر! از یک منظر که نگاه کنیم، در تاریخ معاصر ما و اخیراً در تاریخ صد ساله یک تقابلی است بین سنت و مدرنیسم و تجدیدگرایی و به اصطلاح چیزهایی که در دنیای نو مطرح شده و آن را بعضاً برخی از حکام، مثل امان الله و همین طور روشنفکران مطرح کرده اند. از طرف دیگر مقاومتی صورت گرفته است از سوی سنت. حضور بین این سنت ها و جنبه های مثبت دنیای جدید جمع بکنیم؟

○ دکتر معصومی: این امری است کاملاً مقدور و کاملاً هم مطلوب. ببینید، اگر اسلام در سال های اخیر به روش طالبان مختصر بکنیم، در گذشته هم اسلام را باید به روش خواجه مناصر بکنیم، همان گونه که خواجه پدیده شومی بود و جزء تاریخ شد، طالبان هم از همان جنس هستند.

● خط سوم: ما آقای دکتر در تاریخ تقریباً تجربه حکومت اسلامی موفق نداشته ایم.

○ دکتر معصومی: بله، ۱۳۰۰ سال است که نداریم. ما به همین خاطر صحبت از یک ابتکار می کنیم. ما اگر به اعمال منفی نگاه بکنیم، همین ۱۳۰۰ سالی که رژیم های به نام کشورهای اسلامی داشتیم، رژیم های مبتنی نبودند. از این که بگذریم، می رسیم به مقوله فرهنگ. شما می دانید که فرهنگ یک مقوله مرکب است و وقتی می گوئیم فرهنگ ما متشکل از سه جزء است: فرهنگ معنایی که همان فرهنگ انبیا باشد، فرهنگ سنی که مربوط به قوم و قبیله و عشیره و مشخصات جغرافیایی و طرز لباس پوشیدن رسم و رواجی که ما داریم است و فرهنگ معاصر، فرهنگ معاصر فعلاً در دست غربی هاست که یک نوع شباهه عمومی در بین مردم به وجود آورده است. بنابراین اگر لباسمان کت و شلوار است، این به خاطر فرهنگ معاصر است و اگر نماز می خوانیم، به خاطر فرهنگ معنایی است و اگر در عروسی ها و غیره به نحو خاصی شرکت می کنیم، به خاطر فرهنگ سنی است. قشر روشنفکر امروز باید از میان فرهنگ سنی انتخاب بکند. تمام آن قابل قبول نیست. ما امروز سنت هایی در جامعه داریم که جناب باید بازنگری و تجدیدنظر شود. یعنی ما باید از سنت خودمان و همچنین از فرهنگ معاصر انتخاب کنیم. این نکته بسیار فریب دهنده ای است که ما دنبال کاروان فعلی بشریت برویم. من از این جور روشنفکران بسیار در هراسم. در فرهنگ معاصر ما با نکات بسیار منفی و زشتی مواجه هستیم که اگر ما این ها را در دست قبول کنیم، در واقع روی شخصیت و تاریخ بعدی خود خط قرمز و خط بطلان کشیده ایم. ولی چیزهای خوبی هم دارد. یکی از چیزهای خوبی که فرهنگ معاصر دارد، علم دوستی، کار، نظم هگمانی و احترام به آرای مردم است که این نکات زیاد است. ولی نکات منفی زیاد هم دارد.

لیبرالیزم با فرهنگ دینی سازگار نیست. سکولاریزم با دین سازگاری ندارد. مسائل اخلاقی و میانی اخلاقی که در غرب وجود دارد اصلاً با فرهنگ دینی ما نمی سازد. جناب بزرگی است که ما از نظر فکر برای





# معصومی: سکولاریزم با دین سازگاری ندارد. مسایل اخلاقی و مبانی اخلاقی که در غرب وجود دارد اصلاً با فرهنگ دینی ما نمی سازد. جنایت بزرگی است که ما از نظر فکر برای نسل بعدی مجوز صادر کنیم از فرهنگ غرب کور کورانه تقلید کنند. مردم ما باید فرهنگ غرب را تجزیه کنند، تحلیل کنند و انتخاب کنند. اما در فرهنگ متعالی آن مقداری که ما به وحی می رسیم، همه را درست و بدون کم و زیاد باید قبول کنیم.



نسل بعدی مجوز صادر کنیم از فرهنگ غرب کور کورانه تقلید کنند. مردم ما باید فرهنگ غرب را تجزیه کنند، تحلیل کنند و انتخاب کنند. اما در فرهنگ متعالی آن مقداری که ما به وحی می رسیم، همه را درست و بدون کم و زیاد باید قبول کنیم.

- خط سوم: بیضشید آقای دکتر، وحی هم به هر حال از مجرا و کانال تفسیر بشری می گذرد.
- دکتر معصومی: همین جمله از غرب آمده، همین که شما فرمودید.
- خط سوم: ما در اسلام هم تفاوت تفسیر داریم.
- دکتر معصومی: نه خیر، نه خیر، اجازه بدهید ما ریشه های مطلب را باز گو کنیم.
- خط سوم: مذاهب کلامی اسلامی هم هم دیگر را نفی و رد می کردند.

○ دکتر معصومی: شما ناراحت نشوید، بحث آزاد است. شما میزبانید و ما مهمان. همین جمله هم از غرب آمده است، یعنی همین هم یک مطلب کلامی است که از غرب ترجمه شده و توسط اشخاص خاصی و با عبارات زیبا به خورد ما داده شده است. اصلاً شما می گوید که به وحی نمی رسیم. این در مسیحیت است. در اسلام نیست. ما می توانیم به وحی برسیم. ما همین الان می توانیم ۹۹ درصد به مسایل وحی به طور خالص برسیم. به طور مثال، اگر دو هزار مسأله فقهی وجود داشته باشد، در پنجاه مسأله اش اختلاف وجود دارد در هزار و نهصد و پنجاه تا بیش هیچ اختلافی وجود ندارد، چرا؟ برای این که همه به آن می رسیم. ما اصلاً به سر منشاء وحی می رسیم. انجیل غیر از دستورات اخلاقی چیز دیگری ندارد و پیروان آن مجبورند با هوش معمولی خود چیزهایی درست کنند، ولی ما نباید این کار را بکنیم. ما نهجی اگر بشریت داشته باشد، پیروی از انبیاء است. در غیر آن ضرر می کنیم و ما امروز بر سر این دو راهی جدی قرار داریم. متأسفانه امروز نگرانی ماها از نگرانی زمان جهاد به مراتب بیشتر است. برای آن که در جهاد، جسم مردم نابود می شد و خورشانان بر زمین می ریخت، ولی با این وضع جدیدی که پیش آمده، صحبت از یک نوع سکولاریز است. در این سکولار به نظر می رسد تعدادی از خودی ها بیشتر کمک کنند تا کسانی که طرفدار جدی این فکر هستند. این مطلب بسیار اساسی است که ما به وحی دسترسی داریم یا نداریم. اگر نداریم حرف، درست همان است که آن ها می گویند. اگر

داریم، ما اجازه نداریم از این تخطی بکنیم و وقتی صحبت از اصلاح بشریت است و صحبت از عدالت است، ما نمی توانیم با توجه به دو تا مطلب که آمده خنجر به دست گرفته و بعد یک نوع لباس مخصوص پوشیده، مردم را قتل عام کرده، بگوییم که اسلام چیزی ندارد. تفکر قرآنی تفکر اولوالبی است. این چیزی نیست که بنده بگویم. ما این را بگوییم خط بکنیم، بعد بگوییم که به، درباره فکر و نظر، فلانی ها پیشقدم هستند.

● خط سوم: آقای دکتر! اصلاً بحث شاید این نباشد که ما مطلق این طرز فکر را بپذیریم یا نه. بحث بیشتر این است که ما چطور می توانیم به طور نظری راهی را پیدا کنیم که هم به عنوان عضو و از مجموعه خانواده بشری در این کره خاکی ادامه زندگی بدهیم و نقش انسانی خود را ایفا بکنیم و هم بتوانیم به ارزش های خود تا حدودی پایبند باشیم.

○ دکتر معصومی: به، ما می شود. الان چهار راه در پیش است. یک راه سلطنت است که این راهی است باطل، منسوخ و ناپسند که می خواستند روی کار بیاورند و خوشبختانه شد. راه دوم، دولت اسلامی مجاهدین بود که آن هم درست نیست. بی نظمی ها، بی برنامگی ها و بی تدبیری ها، بی لیاقتی ها طوفان می کرد. راه سوم حکومت طالبان است که اصلاً حکومت کاملاً نامطلوبی بود. راه چهارم راهی است که از آن طرف پیشنهاد می شود، از راه های مختلف از طریق ملموس و غیر ملموس که با وعده و وعید بسیار به تبلیغ از آن می پردازند. در تفسیر آن اندیشه و وعده می دهند و به یکی هم عمل نمی کنند و بعد در شب لوپیه هر چه تهدید می کنند که اگر این مطلب چنین شد و پسوند اسلامی اضافه شد ما چنین و چنان می کنیم. بدین ترتیب ما اکنون در یک تنگنا قرار گرفته ایم. این راه چهارم هم غلط است. می ماند راه پنجم، راه پنجم، راه جدید اسلامی یا اکتیاسی از وحی و عقل است و هر دویش را ما قبول داریم، ما اصلاً به سکه ای نیاز داریم که یک طرفش تعقل باشد و طرف دیگرش هم تعبد باشد. این کار شدنی است و ما اگر این کار را نکنیم، راه نجات نداریم. یا در آخرین نقطه کاروان بشریت قرار می گیریم و یا در یکی از این راه ها قرار می گیریم.

● خط سوم: آقای فصیحی! شما مثل این که در ادامه صحبت های دکتر معصومی داشتیم؟

○ فصیحی: خدمت شما عرض بکنم که درباره رابطه دین و دولت، به نظر من نه آن گونه که جناب آقای دکتر می فرمایند، قابل تطبیق در جامعه فعلی ما است و نه آن گونه که بعضی از برادران اشاره می کنند. مثلاً بعضی از روشنفکران ما می گویند که دین مربوط به ارزش هاست و دولت یک روش است که مربوط به عرف و عقل انسان است. اولاً اسلام به عنوان یک دین هیچ گاه با تمدن مخالف نیست. این را همه قبول دارند. اگر کسی قبول ندارد، بگوید که این جای دین اسلام با تمدن ناسازگار نیست که مشخصاً روی آن موضوع بحث شود. اگر فرهنگ ها را در نظر بگیریم، فرهنگ هر کشور یا کشور دیگر متفاوت است. حتی شهرها فرهنگشان با یکدیگر متفاوت است. مثلاً دست دادن مرد با زن نامحرم در فرهنگ دینی ما حرام است. اگر ما بخواهیم همین فرهنگ را گسترش بدهیم و آن را یک شیوه روشنفکری بدانیم یعنی اگر زن ها با مردها دست دادند به اوج تمدن رسیده اند، این تمدن نیست. این اصلاً با فرهنگ و اعتنات و رسوم افغانستان و با غیرت و وجدان افغانی سازگاری ندارد. این طرف اگر ما به هر حرکت خلاف ملی پسوند اسلامی بزنیم، به نظر من این ظلم به اسلام است، ما باید مشخص بکنیم، یعنی معیارها و ملاک های اسلام و معیارها و ملاک های ملی را باید از هم جدا بکنیم. به نظر من اسلام با تمدن و پیشرفت و دنیای خارج از خود مخالف نیست. اسلام دینی صلح است، دین امنیت است. بنابراین ما هم می توانیم از ارزش های دینی پیروی کنیم و هم با تمدن بشری گام به گام پیش برویم.

● خط سوم: جناب آقای قدسی! شما به دلیل این که در داخل حضور داشتید و از نزدیک مسایل را شاهد بودید، لمس کردید مسأله ای که اداره موقت از آن شکایت دارد، ترسیدن کمک های مالی است که در کنفرانس توکیو قبول داده شده بود، شما دلیل چنین تأخیر و اسامی را از سوی کشورهای کمک دهنده چه می دانید؟ آیا این دلیل بر آن نیست که اداره موقت توانسته است اعتماد بین الدلیلی را مبنی بر این که کمکها در راه های مناسب مصرف می شود جلب کند؟

○ قدسی: در این قضیه دو عامل دخالت دارد. یکی از عوامل این است که هنوز دولت، اداره شش ماهه و اداره فعلی به آن حد از بلوغ نرسیده که بتواند کمک های مالی را که به افغانستان سرازیر می شود به بهترین شکل جهت بهداشت و در جای مناسب به مصرف برساند. عامل دوم انگیزه های سیاسی است. هم اداره شش ماهه و هم دولت انتقالی و فعلی، از هر لحاظ، چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت کاری و از لحاظ حضور انحصاری که در کابینه قبلی و فعلی بوده، طوری نیست که غریب ها آن را انتخاب کرده باشند. خواست غریب ها این بود که کابینه ای لایتک و غیر مذهبی و بیشتر متمایل به غرب به وجود نیاید که در آن صورت به آن کمک می کردند. در دوره شش ماهه این کمک ها صورت نگرفت. دلایل این بود که سعی می کردند اداره قبلی را در نظر مردم ناکارآمد جلوه بدهند تا زمینه را برای حضور عناصر جدید غرب گرا و تحصیل کرده و دارای تفکرات لایتک و سکولار فراهم بکنند، ولی روی هم رفته جو لویه جرگه به گونه ای که آن ها متمایل بودند، به وقوع نپیوست، به همین لحاظ نبرداشت بنده این است که به این زودی راه باز هم آن کمک های وعده داده شده به افغانستان سرازیر نخواهد شد.

● خط سوم: اگر آن ها راضی نبودند از اداره موقت حمایت کنند و مقررند بودند که به هر حال اداره موقت جایش را به یک چیزی غیر از خودش بدهد، چرا تلاش نکردند که این کار صورت بگیرد؟



خط سوم، شماره دوازدهم / ۱۳۰

○ قدسی: تلاش کردند، منتها نمی توانستند آشکار تلاش کنند. شاید خود همین عدم کمک های مالی خودش یک گام مهمی بوده بود راستی اهدالی که آن ها داشتند. باید آن ها از طریق لویه جرگه این کار را می کردند، اما لویه جرگه ترکیبش به گونه ای به وجود آمد که خود لویه جرگه همین بازدهی را باید می داشت که از خود به جا گذاشت.

● خط سوم: وزرای کابینه، به جز شخص آقای کرزی در مذاکرات پشت پرده تعیین شدند. در این مذاکرات پشت پرده هم شاهد بودیم که غربی ها و به ویژه امریکایی ها خیلی نقش داشتند. یعنی لویه جرگه در تعیین فلان شخص وزیر چندین نقشی نداشته، صرفاً رأی داده و رأی هم مثبت بوده و اگر لویه جرگه به فلان وزیر رأی نمی داد، ما می فهمیدیم که یک نقشی را ایفا کرده است. چطور شما می گوید که لویه جرگه برخلاف خواست کشورهای غربی بود؟

○ قدسی: من معتقدم که غربی ها نمی توانستند در مذاکرات پشت پرده در حد تغییر ماهیت کابینه تأثیر بگذارند. این مذاکرات بین خود اطراف افغانی بوده، نه بین خارجی ها و افغانی ها. مجاهدین به توافق رسیده بودند که کابینه های ما این ها باید باشند و نمایندگان مجاهدین لویه جرگه هم این کابینه را با همین ترکیب، اکثریت قاطع شان تأیید کردند. در نتیجه جهان غرب نمی توانست در برابر چنین خواستی مقاومت کند و من مطمئن هستم که باز این تلاش ها ادامه پیدا خواهد کرد.

● خط سوم: از حرف های شما نتیجه می گیریم اثر این نتیجه گیری درست باشد و دولت عبوری فعلی به همین شکل تثبیت شود، امید چندانی نباید به جذب این کمک ها داشته باشیم.

○ قدسی: البته در این جا کشورهایی که وعده همکاری داده اند، باید به تعهدات خود عمل کنند، زیرا همین اداره فعلی که به وجود آمده، اداره ای است که مورد خواست مردم است. ۱۶۰۰ نفری که در لویه جرگه جمع شده بودند، نمایندگان مردم بودند و آن ها هم این کابینه را تأیید کردند. پس دولت فعلی یک دولت مردمی و مورد تأیید و اعتماد آرای مردم است.

● خط سوم: سؤال بعدی ما از آقای باقری است. آقای باقری! می دانیم که آقای کرزی شخصاً پارها اعلام کرده که در مسایل اقتصادی و مفاسد اقتصادی و رشوه خواری و غیره سختگیر خواهد بود. اولاً تجربه اداره موقت را در این زمینه چگونه ارزیابی می کنید و ثانیاً به نظر شما چه تعهدات قانونی و حقوقی باید در نظر گرفته شود که این آمال برآورده شود؟

○ باقری: خدمتتان عرض کنم تا جایی که اطلاع داریم و متأسفانه دولت تا به حال به تنها موفقیتی در این زمینه نداشته، بلکه تا جایی که ما می شنویم، روز به روز این مشکل جدی تر می شود. البته دلیل اصلی این قضیه را باید در همان مسأله قبلی جستجو کرد که شما خود مورد بحث قرار دادید. دولت در شرایط فعلی با توجه به این که هیچ منبع درآمد داخلی ندارد، نمی تواند دستگاه اداری خود را تأمین کند، تا چه رسد به این که مقررات حقوقی و قانونی ایجاد کند که اگر بعد از تأمین کردن پرسنل اداری دولت، کسی تخلف کرد، جلوش را با قانون بگیرد. تا به حال دست دولت خالی است. کشورهای خارجی که وعده کمک داده اند، در حد پنجاه درصد هم به وعده شان وفا نکرده اند. این کمک ها برای شکل گرفتن اداره موقت در دسترس دولت نگرفته است. منابع دیگری هم که دولت ندارد و طبیعی است که این مشکل حل نمی شود.





مشکل در صورتی شکل می شود که دولت اعتبار کافی داشته باشد و بتواند کادر انسانی خود را تأمین کند. در قدم بعدی از این پرسش بخواهد که چگونه بتواند بر داشت من این است تا زمانی که دولت این توانایی را نداشته باشد که بتواند دستگاه های خودش را تأمین کند، این مشکل همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. جهت دیگر قضیه این است که هنوز اداره وقت و اداره عبوری واقعاً تسلط کاملی بر دستگاه های اداری خود ندارد، یعنی هنوز بخش های مختلف تا حدودی مستقل به کار خود ادامه می دهند.

● خط سوم: جناب آقای غلامی! یکی از شعارهای اداره وقت که شعار منطقی و معقولی هم بوده، این بوده که شایسته سالاری را راه بیندازد و بر جذب پرسنل خودش تخصص را ملاک قرار دهد. برداشت شما چیست؟

○ غلامی: اگر به طور صریح عرض کنم، می شود گفت که نه، در این زمینه دولت اصلاً موفق نبوده، دلایلی هم دارد. یک بخش از این دلایل به خود اداره وقت و افراد عمده اش برمی گردد و یک قسمتش مربوط است به وضعیت فعلی افغانستان و شرایط حاکم و بخش دیگر

● خط سوم: آخرین سؤال ما از شماست، جناب آقای فصیحی! یکی از شروط اعطای کمک های قول داده شده از سوی جامعه بین المللی و کشورهای کمک دهنده، برقراری امنیت داخلی است و طبیعتاً برقراری امنیت کامل بستگی دارد به جلب اعتماد داخلی و به ویژه جلب اعتماد جناح ها و افراد قدرتمندی که در اطراف و اطراف و اطراف می کشند؟

○ فصیحی: برای اداره وقت فعلی چندین مشکل وجود دارد. اولین مشکل مشکل امنیت است. اداره وقت واقعاً در تلاش است که امنیت را برقرار بکند...

● خط سوم: اداره شش ماهه در این زمینه چه کار کرده؟ ما داریم کارنامه اداره شش ماهه را بررسی می کنیم. این اداره در زمینه جلب اعتماد افراد ذی نفوذی که نفوذ مردمی یا نظامی دارند، چه گام های مثبتی را برداشته است؟

○ فصیحی: به نظر من اداره وقت شش ماهه تلاش های زیادی در برقراری امنیت کرده، اما متأسفانه موفقیت چندانی نداشته است. نمونه اش ترور دکتر عبدالرحمان و آقای حاجی عبدالقدیر است، بنابراین



بنیان آیدیشه

اگر از این زاویه نگاه کنیم، به آن صورت موفقیت نداشته است، یعنی نامی به عنوان یک مشکل همچنان باقی هست.

● خط سوم: یکی از معضلات ما مسئله اقوام است. در این زمینه قدر و رضایت و اعتماد ملیت های مختلف جلب شده که بتوانند با اداره وقت همکاری کنند یا اداره وقت را از خود بدانند؟

○ فصیحی: در این زمینه نسبت به دولت های گذشته تا حدودی موفق بوده. در طول تاریخ افغانستان اقوام و ملیت های ساکن کشور به اندازه حضورشان در افغانستان نقش ایفا کرده اند، اما تا این حدود در دولت سهم نداشته اند.

● خط سوم: آقای قدسی! مثل این که شما در این زمینه صحبتی دارید.

○ قدسی: فرمایش جناب آقای فصیحی که فرمودند دولت وقت در امر تأمین امنیت و جذب عناصر ذی نفوذ موفقیت نداشته، به نظر من درست نیست. در افغانستان یک امنیت نسبی که بتواند برای مردم آرامش

روحنی و روانی ایجاد بکند به وجود آمده است اگر در مواردی ناامنی و دزدی و ترور دیده می شود، موارد بسیار استثنایی است. مثلاً چند فرد محورهای کلیدی حکومت های محلی را تشکیل می دادند، مثلاً در حوزه غرب اسماعیل خان، در حوزه شمال دوستم، و در مناطق مرکزی آقای غلیلی بوده و این ها در حقیقت عناصر کلیدی اند که ساحت وسیعی از جغرافیای افغانستان را در کنترل داشتند. جناب آقای کرزی و در مجموع اداره وقت در خلال شش ماه حکومت موفق شان، این عناصر را توانستند یا خودشان همسو و هماهنگ بسازند.

● خط سوم: ولی آقای قدسی! آقای جنرال دوستم که شما نام بردید و آقای عطا محمد چندین بار در همین دوره اداره وقت با هم رویارو شده و در واقع با زبان توپ با هم سخن گفته اند. همین طور در این روزها شاهدیم که در نواحی ای از هرات و قندهار اختلافاتی دارند. در شرق نیز مشکل وجود دارد. همه این مشکلات به معنی عدم امنیت نیست؟

○ قدسی: عرض کردم که مواردی پیش آمده و جنگ هایی صورت گرفته، ولی جنگ هایی که در بیرون این همه باژتاب داشته، در داخل به آن بیامانه نیست. وقتی می گویم نسبی، منظور این است که گاهی از این موارد پیش می آید، ولی در مجموع در به وجود آوردن یک امنیت که مورد اطمینان مردم باشد و مردم به آن دل بینند و احساس آرامش بکنند، اداره وقت موفق بوده است.

● خط سوم: آقای فصیحی! شما اگر صحبتی دارید بفرمایید.

○ فصیحی: در ارتباط با ایجاد امنیت مورد بحث، اگر قتل عام ها و جنگ جبهه ای را در نظر بگیریم، به امنیت نسبی به وجود آمده و دیگر جنگ جبهه ای به آن صورت وجود ندارد. اما اطمینان صد در صد برای مردم حاصل نشده است. به عنوان مثال وقتی مردم می بینند که برای محافظین آقای کرزی از نیروهای خارجی استفاده می شود، این شاهکار نشانگر این است که امنیت حاکم نیست! واقعیت این است که اگر به دیده نفاذانه بگیریم، هنوز اطمینانی حاصل نشده است. به همین خاطر است که روند بازگشت مهاجرین از جمهوری اسلامی ایران بسیار کند



است.

● خط سوم: آقای قدسی! با این توضیحاتی که فرمودید، می شود نتیجه گرفت که آن احساس آرامش و امنیتی که مردم در مناطق یا در کابل دارند، بیشتر موهوب یا معطوف به حضور نیروهای حافظ صلح بین المللی است، اما در ولایات که اغلب نیروهای محلی حاکم هستند، امنیت رضایت بخش نیست؟

○ قدسی: البته نه، نیروهای حافظ صلح در کابل حضور دارند و در دیگر جای ها نیستند و در کابل هم هیچ گونه نقش امنیتی ندارند و بیشتر در دخه های خودشان به سر می برند. واقعاً این قسم نیست. درباره برگشت مهاجرین از ایران، من فکر می کنم علت اصلی اش مشکل اقتصادی مردم است. مهاجری که از این جا یا دست خالی بلند می شود و به افغانستان می رود، در حقیقت از لحاظ اقتصادی خودش را در جهنم می اندازد.

● خط سوم: چطور اگر مهاجری از این جا بلند شود و خانواده اش را به شمال ببرد، وقتی آقای دوستم و آقای عطا محمد از میله توپ سخن بگویند، نراس نداده که خود یا خانواده اش کشته شوند؟

○ قدسی: چنین چیزی نیست، اگر باشد به یقیناً، اگر باشد.

● خط سوم: آقای غلامی شما بفرمایید!

○ غلامی: با صحبت های جناب قدسی موافق نیستم. از نقاط ضعف بسیار عمده اداره وقت همین است که توانسته واقعاً امنیت را تأمین کند. در واقع در همان کابل هم خودش امنیت ندارد. نمونه اش همین ترور هاست. در خارج کابل در هیچ جای افغانستان متأسفانه اداره وقت حاکمیت ندارد. بارها و در جاهای مختلف به مال و جان مردم تعدی هایی انجام شده است. علت عدم بازگشت مهاجرین در بسیاری از حوزه ها همین مسأله هست. انتظار می رود که اداره آینده این مشکل را حل بکند، این واقعاً ضعف بزرگی است.

● خط سوم: آقای قدسی، آقای غلامی، آقای باقری، آقای فصیحی و آقای دکتر معصومی از حضورتان من این میزگرد بی نهایت سپاسگزارم.



خط سوم، شمار دهم، ۱۳۳



خط سوم، شمار دهم، ۱۳۲



# ساختار ذهنی ما دموکراسی نیست

گفتگو با داکتر شریف فایض وزیر تحصیلات عالی

□ عبدالواحد رفیعی



● شما به عنوان یکی از اعضای کابینه در اداره موقت، کارنامه این اداره را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
○ شش ماه اول اداره موقت دورهٔ سنجش بود، دورهٔ طرح پلان‌ها و شنیدن وعده بود. اکثر وزرای کابینه بیشتر وقت‌شان را صرف ملاقات‌ها کردند. بیشتر سفرهای ما به خارج بود و کم‌ترش به داخل. علت هم این بود که ما باید آمادگی می‌داشتیم برای عقد قراردادهای و تفاهم‌نامه‌ها، مخصوصاً در وزارت تحصیلات عالی که در این سازه ما از پوهنتون‌های زیادی دیدار کردیم. با رؤسای مؤسسات تعلیمات عالی در آمریکا، اروپا، ایران، ترکیه و بعضی کشورهای دیدارهای مفیدی داشتیم. مشکل آن دوره این بود که کسی نمی‌توانست ما چه می‌کنیم. مردم مایوس می‌شدند. بنابراین هر چند ما اقدام‌های عملی صورت ندادیم، کمابیش اقداماتی صورت گرفت که نشان دهد در میدان عمل هستیم. یک تعداد از پروژه‌های کوچک آغاز شده و مثال‌های زیادی به شما داده می‌توانیم، اما پروژه‌های بزرگ آغاز نشده است.

دورهٔ موقت از نظر خود بنده که در جلسات کابینه بودم آن قدر گفته می‌توانم که یک کابینه مدنی بود. همه با هم همکار و هماهنگ بودیم. آقای کرزی نقش بسیار خوبی را ایفا کرد. در تمام آن مدتی که در کابینه بودم، هیچ‌گاه این طور واقع نشد که کسی به رسم اعتراض از مجلس برآمده باشد و یا تشنج به حدی رسیده باشد که مانع حل مشکلات و صدور فیصله‌نامه‌ها باشد. البته اعضای کابینه واضح است که هر کدام از خود سلیقه‌ها و مواضع خاصی داشتند، اما این سلیقه‌ها و مواضع به داخل کابینه نمی‌آمد و کوشش می‌شد که همه ما در داخل کابینه نقشی را بازی کنیم که باعث ایجاد تنش و تشنج نشود. هر کس مطابق جو محتاط بود. ارزیابی من این است که کابینه شش ماههٔ اول کابینه‌ای واقعاً مدنی بود. کابینه بسیار خوب و موقتی بود. هر چند تعدادی از وزیر صاحب‌ها در مقام‌هایی گماشته شده بودند که فکر می‌کنم ارتباطی با رشته تحصیلی‌شان نداشت.

● از نظر شما چه کارهایی باید در این دورهٔ شش‌ماهه انجام می‌شد، ولی نشده؟ یعنی به عبارتی اولویت‌ها چه بود؟  
○ قرار هم نبود که کارها در شش ماه اول انجام شود، برای این که پولی از منابع خارجی به حکومت انتقال پیدا نکرد. در تمام این مدت مثلاً

برای وزارت تحصیلات عالی از یونسکو پانزده هزار دالر گرفتیم. ایران به ما دو صد هزار دالر داد، یعنی پولی از منابع بزرگ مثل بانک جهانی برای کمک به وزارت‌خانه‌ها داده نشد، بنابراین کاری هم صورت نگرفت. در آن دوره ما آمادگی می‌گرفتیم برای ورود به دورهٔ انتقالی.  
● در دوره‌های گذشته، خصوصاً دهسال اخیر، کابینه‌های افغانستان بیشتر سیاسی بوده تا کاری. برای بیرون رفتن از این مشکل شما چه فکر می‌کنید، با توجه به این که حالا هم بیشتر به نظر می‌رسد کابینه سیاسی باشد. مثلاً همان طور که شما فرمودید بعضی از وزرا به وزارت‌هایی گماشته شده‌اند که ربطی به رشته تحصیلی‌شان ندارد.

○ خوب همان کابینه شش‌ماه اول هم به مجردی که لویه جرگه برگزار شد کم‌وبیش سیاسی شد. واضح بود که کابینه مدنی و کابینه بسیار همکار هم با نزدیک شدن به لویه جرگه سیاسی می‌شود. این لویه جرگه تقریباً وضع کلی افغانستان را سیاسی ساخت. در اثنای لویه جرگه هم برای مدت کوتاهی کابینه شکل سیاسی داشت. اما آهسته آهسته ما به طرف بازاری حرکت می‌کنیم. کابینهٔ افغانستان به مرحلهٔ عمل وارد می‌شود و از سیاست کم‌وبیش دوری می‌جویم. همین مرحله بسیار مهم است. ما در مرحلهٔ بازاری قرار داریم نه در مرحلهٔ سیاست. اگر احزاب و گروه‌ها هم در این مرحله تشکیل می‌شود، باز هم حواس‌شان باید به بازاری‌سازی کشور باشد. اگر شما به یاد داشته باشید بعد از جنگ دوم جهانی که آلمان با خاک یکسان شده بود، بعد از این که فرای متفقین آمدند به اروپا آلمان خراب شده در آن دوره یک آلمان سیاسی نبود، یک آلمان عملی بود. یک دوره بازاری بسیار شدید آغاز شد. آلمانی‌ها عموماً صرف نظر از تنظیم‌ها و گروه‌های سیاسی‌شان کمر بستند برای ساختن کشور. ما هم فکر می‌کنیم که چند دوره با پشت سر گذاشته‌ایم. سه دوره ایدئولوژیکی یعنی دورهٔ کمونیستی، دورهٔ کم‌وبیش جهادی و دورهٔ طالبان. گرچه دورهٔ جهادی اختصار ملت بود که مجاهدین ما علیه فرای متجاوز جنگ کردند، اما روی هم رفته یک دورهٔ ایدئولوژیکی بود. حالا ما در یک دورهٔ سیاسی قرار گرفته‌ایم که باز هم کم‌وبیش ایدئولوژی در میان است. بعضی احزاب چون تجربه‌ای از دموکراسی ندارند، عملکرد اصولی‌شان مشکل ایدئولوژیکی دارد. با وجودی که از دموکراسی

صحت می‌کنند. حتی آن‌هایی که امروز در افغانستان از دموکراسی صحبت می‌کنند، اگر به نشرات و عملکردشان توجه کنید، شکل ایدئولوژیکی دارد. علت هم این است که ساختار ذهنی ما دموکراسی نیست. یک ساختار دموکراتیک نیست. یک ساختار تقریباً استبدادی است که از تاریخ خود به ارث گرفته‌ایم. مدتی هم در بر می‌گردد که ما می‌آموزیم و تجربهٔ دموکراسی را کسب کنیم، در قسمت انتخابات و همه این چیزها. بنابراین این دوره هم سیاسی و ایدئولوژیکی است. در دورهٔ چهارم من فکر می‌کنم بهتر است اگر افغانستان را بسازیم. باید دورهٔ بازاری را شروع کنیم.

● اگر ممکن است بفرمایید مشخصاً منظور شما از ایدئولوژی در اینجا چیست.

○ کسانی که پیرو ایدئولوژی هستند، کوشش‌شان این است که حقیقت را در انحصار خود قرار بدهند. برنامهٔ خاصی برای آیندهٔ افغانستان دارند. هدف معمولاً این است که یک انقلاب دیگر را در کشور پیاده کنند. اگر هدف چنین باشد، ما می‌گوییم که این حالت ایدئولوژی دارد و دموکراسی با ایدئولوژی اصلاً متفاوت است. اگر قرار باشد در افغانستان دموکراسی را پیاده کنیم، باید حتی الامکان از ایدئولوژی بیزهیزیم. برای آن که یک حالت جزئی دارد و این حالت را در ذهنیت انسان به وجود می‌آورد. یک حالت انحصاری را در جامعه ایجاد می‌کند. دست‌بندی‌های سیاسی بسیار دکاماتیکی را در جامعه ایجاد می‌کند که خود نمی‌تواند به نفع دموکراسی باشد.

● چند سال است که ملت افغانستان با شعار ایدئولوژی جنگ‌ها کرده‌اند و ویرانی‌ها دیده‌اند. آیا می‌توان به این زودی به نفع دموکراسی از ایدئولوژی عبور کنیم و به دموکراسی برسیم؟ یا توجه به این که همین اکنون افراد و احزابی با همین شعارها و بر مبنای ایدئولوژی فعالیت می‌کنند.

○ خوب باید ما از خود آغاز کنیم، آن ساختار ذهنی خود را تغییر دهیم. از ادارات خود آغاز کنیم. مثلاً ما در سطح وزارت تحصیلات عالی و در سطح دانشگاه‌ها انتخابات داشتیم. به استناد این حق را دادیم که رؤسای پوهنتون‌ها را خودشان انتخاب کنند. هم چنین در ساحت ادارات کوشش کردیم که توزیع قدرت از پایین آغاز شود تا بالا، در نظام‌های سابق اگر شما متوجه باشید، توزیع قدرت نبوده، همه چیز از مرکز قدرت آغاز شده. مهم این است که در تمام وزارت‌خانه‌ها - اگر می‌خواهیم به طرف دموکراسی برویم - توزیع قدرت را آغاز کنیم. کارها آهسته آهسته از پایین آغاز شود، تا در مرحلهٔ نهایی بیاید پیش‌وزیر و وزیر همه دوسه‌ها را ببیند، بعد تأیید کنند. این بسیار مهم است برای دموکراسی که شخص از خود آغاز کند، از ادارهٔ خود آغاز کند. یک توازن را ما ایجاد کنیم، توازن جنسیتی. ما اگر بخوایم در افغانستان دموکراسی داشته باشیم، نمی‌توانیم پنجاه فیصد جامعه یعنی زنان را فراموش کنیم، هر حق‌ای‌شان را فراموش کنیم. وقتی ما صحبت از دموکراسی می‌کنیم، دموکراسی در اواخر قرن بیستم آغاز شد و در اواخر قرن بیستم بود که مثلاً در اروپا زن‌ها صاحب حق رای شدند. یک جامعه وقتی می‌تواند از دموکراسی صحبت کند که این نصف جامعه حق داشته باشند در آن شرکت کنند، حق داشته باشند که رأی بدهند و در صفر ادارات قرار بگیرند. فکر می‌کنم این شرط اساسی دموکراسی است.

● اگر کمی خاص‌تر صحبت کنیم، در حیطهٔ عقاید و تفاهات شما یعنی وزارت تحصیلات عالی چه کارهایی مثبتی برداشته شده که شما به

عنوان کارنامهٔ آنان به ملت ارائه بدهید.

○ کارهای بسیار زیادی بوده، توأمیت‌هایی که پوهنتون کابل با بعضی مؤسسات و پوهنتون‌های خارج داشت، این توأمیت‌ها تا اندازه‌ای احیا شده است. پوهنتون‌های دیگری داخل صحنه شدند. برای بازاری‌سازی تحصیلات عالی افغانستان. این قدم بسیار مهمی بوده، یعنی تحصیلات عالی کشور ما از انزوا برآمد. امروز پوهنتون کابل خاصیت روابط بسیار نزدیکی با تعداد زیادی از پوهنتون‌های جهان برقرار کرده است. استادان پوهنتون کابل سفرهایی به اروپا، آمریکا، ایران، هند، کشورهای مختلف جهان داشته‌اند. ما در تحصیلات عالی به جامعهٔ آکادمیک جهان پیوستیم و در انزوا قرار نداشتیم.

حالا علاوهٔ زیادی از طرف پوهنتون‌های جهان هست که به ما کمک کنند. حتی فکر می‌کنم قدرت جذب این کمک‌ها را هم نداشته باشیم، طوری که شاید باید صورت بگیرد. این بسیار مهم است. زمانی پوهنتون افغانستان در انزوا قرار داشت و امروز ما به جامعهٔ آکادمیک جهان پیوسته‌ایم. پروژه‌هایی داشته‌ایم که در زمینهٔ سطح پوهنتون کابل، پلی تخنیک مرکزی و اطراف صورت گرفته. امروز تقریباً همهٔ مؤسسات تعلیمات عالی فعال است. ما تقریباً بیست و شش هزار شاگرد و محصل در سطح سراسر افغانستان داریم. بیش از یک هزار و پنجاه نفر استاد داریم. معاش کنونی استادان را بلند بردیم، صد فی صد بلند بردیم. کتابخانهٔ پوهنتون کابل کاملاً فعال است و پروژه‌های بازاری‌سازی زیاد بوده. پروژه‌هایی برای ساختن کتابخانه‌ها و لابراتوارها داریم. یک قرارداد بسیار مهم با جاپان برای ترمیم لیبلیهٔ انات در پوهنتون کابل امضا کردیم که مصرف ترمیم آن بیست و سه میلیون دالر تخمین شده است. جاپانی‌ها همچنان می‌خواهند سفارخانه‌ای در جوار استنیتوب طب کابل بسازند که شاید مصرف ساختن آن بیش از پنجاه میلیون دالر باشد. قرارداد آب‌رسانی پلی تخنیک، و پوهنتون و تعلیم و تربیه را امضا کردیم که مصرفش یک میلیون و دویصد هزار دالر است. دیروز در سفارت آمریکا قرارداد ساختن مهابان‌خانه‌ای برای وزارت تحصیلات عالی را امضا کردیم که شصت هزار دالر خرج دارد. همچنین پروژه‌های بسیار زیادی بوده که فرصت نیست نام ببرم.

● در داخل پوهنتون به نظر می‌رسد از سوی رؤسای پوهنتون‌ها اعمال سلیقه‌ای نسبت به رفتار محصلین وجود دارد. مثلاً بعضی از محصلین شکایت می‌کردند که رؤسای بعضی از پوهنتون‌ها آن‌ها را بدون ریش بر سر درس نمی‌گذارند. آیا کدام سیاست خاصی در ارتباط وجود دارد؟  
○ ببینید، وقتی ما می‌گوییم دموکراسی، به این مفهوم است که در همهٔ زمینه‌ها باید دموکراسی وجود داشته باشد. ما می‌خواهیم فضای جنگ را از پوهنتون‌ها بین ببریم. فضای فعلی، متأسفانه هنوز فضای جنگ و فضای طالبانی است. ما می‌خواهیم این فضا را از بین ببریم، با پوشش مناسب، با رفتار و ظاهر محصلین. ما می‌توانیم راهی را اختیار کنیم که باید محصلین بیوشند. دریشی یک لباس پذیرفته شده در دنیا است، ولی از طرف ما اجبار وجود ندارد. اما استادان را تشویق می‌کنیم که محصلین را ترغیب کنند به پوشش مناسب که همان دریشی است.

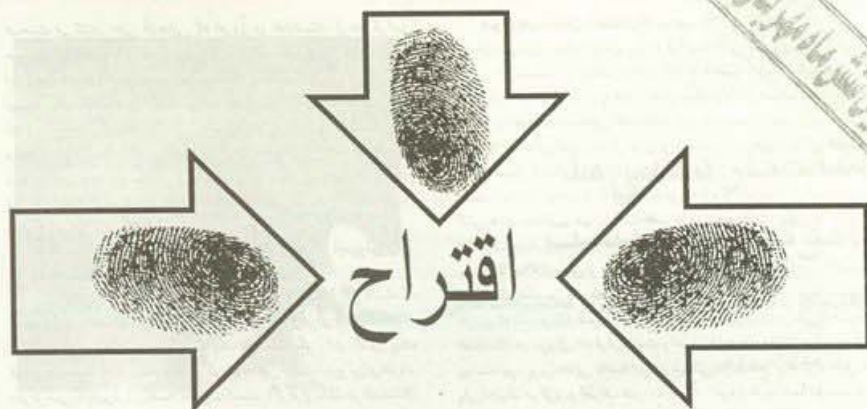
● در مورد دختران چه؟  
○ دختران هم باید لباسی مطابق با نورم‌های جهانی بیوشند، چادری یک پوشش کبری بوده است که زن‌های ما متأسفانه بر خود تحمیل کرده‌اند و این برای فضای پوهنتون مناسب نیست.



سیاه آن



این فصل از کتاب فرهنگ ایران



شما از منظر فرهنگی سیاست و عملکرد ششماهه اداره موقت را چگونه ارزیابی می کنید؟

□ سید حسین موحد بلخی

بالیین ما ز خود برون آمدن است

نقد و بررسی کارنامه اداره موقت ششماهه آقای حامد کرزی را از دو

منظر می توان به عمل آورد.

۱- از دیدگاه موعود و روشنگرانه و غالباً دور از واقعیت.

۲- از منظر واقعیت های موجود.

بدیهی است که نقد و تحلیل اداره ششماهه از منظر اول در فضای

موجود نه راه به جایی می برد و نه خیلی متصفانه می نماید، چون این اداره

در فضا و بنسب خاصی به وجود آمد که ما از آن به فضای «بحران» تعبیر

می کنیم. پس این شکل و اداره، نقش یک چاره جویی موقت و اضطراری

را داشته و باید دیدگاه های روشنگرانه معمول و پایستی ها و ناپیستی های

آن فاصله زیادی دارد.

اما از منظر دوم یا دیدگاه واقعگرایانه هم این نقد و بررسی طبعاً و

قطعاً به عوامل و مسائل زیادی ارتباط می گیرد که شناخت و تجزیه و

تحلیل مجموعه آن ها می تواند راهگشای ما در این زمینه باشد که در این

صفحه و صحیفه نمی توان به احصاء و بررسی همه آن ها پرداخت. اما

می توان گفت که اداره موقت، محصول و نتیجه یک تلاش هماهنگ و

موفق جهانی بود که در شهر بن به وجود آمد، آن هم برای برون رفت از

وضعیت اضطراری موجود، وضعیت افغانستان را به کانون بحران

جهانی و مرکزیت صدور ترویسیم و قاجاق مواد مخدر و باندهای از عاب

و تهدید تبدیل کرده بود.

با تصمیم و عطف توجه جامعه جهانی در جهت مبارزه جدی تر و

ریشه سوزی این مرکزیت، محترم حامد کرزی و کابینه او به صحنه آمدند.



سیاست های زیرکانه و سنجیده رئیس اداره، کرکتر و حیثیت نیروی جنگ سالار و نظامی گرا و خشونت طلب و بر سر اقتدار نا اندازه زیادی زیر سؤال و در معرض محاق تردید پذیری و شک قرار گرفت و فضای جدیدی از این حیث به وجود آمد که برای مردم ما دست آوردی بزرگی به حساب می آید.

۲- با در پیش گرفته شدن دیپلماسی فعال در زمینه جهانی و ملی از سوی محترم کرزی، حیثیت فراموش شده افغانستان به مثابه یک کشور و مردم آن به حیث یک ملت به این ساحة جغرافیایی و مردم آن برگشت داده شد و از این ناحیه روحیه اعتماد گردن فزایی ملی در بین مردم ما به وجود آمد و عشق و امید به آینده جای باس و بدینی و روحیه و کریز از مرکز را گرفت.

۳- از همه مهم تر آقای کرزی در این مدت با تلاش ها و مجاهدات خستگی ناپذیر و مشفقانه و حوصله مندی تمام و دوری از احساسات کاذب و اغوا گرانه و انجام سفرهای متعدد به اطراف افغانستان و تماس مستقیم با اقشار مختلف مردم، برخلاف اسلاف خویش به سیاست بازپروری روحیه ملی و دلجویی از مردم زخمی شده افغانستان پرداخت و در این راستا انصافا کرکتر و قیامه یک شخصیت محبوب و به تعبیر بهتر «زعیم ملی» را از خود به نمایش گذاشت و مردم از این زاویه و با این سیاست و اخلاق اداری برای نخستین بار پس از ۲۳ سال نثرین خشونت سالاری و قبیله تباری، به خوبی و به رأی العین دیدند که می توانند در شرایط مطلوب آن ها هم دارای یک رهبر دلسوز ملی (و نه لزوماً قبیله ای...) باشند.

آقای کرزی و تیم اداری او با اشراف بر اخلاق و آداب و عمل سیاسی، هويت واحد ملی انسانی افغان ها را پس از دو دهه جنگ و بیراهه روی و بدویت قبیلوی به آن ها برگرداندند و هويت های متفرق و مرگ آور قبیلوی را کاملاً در محاق نابودی قرار داده و آن ها را به چالش گرفتند. این کم دست آوردی نیست، گرچه هنوز راه درازی در پیش است و از ادامه حکومت کرزی که باز به ناگزیر بعضاً در منگنه مجموعه ای از ملاحظات قومی و گروهی قرار دارد، نمی توان انتظار معجزه را داشت. داستان مردم افغانستان و محترم کرزی، داستان مریض مهلک و مشرف به موتی است که بیش از ۲۳ سال انواع سموم و مکر و باها به آن تزریق شده است و اینک طبیب خائف و دلسوزی سر رسیده است که باید انواع چاره جویی ها را به کار بندد. این طبیب و بیمار و دفع و مقابله با آن سموم تزریق شده و تیل و درمان و شفای قطعی، نیاز به همکاری و همیاری و مواظبت و مراقبت جدی و دایمی دارد.

آقای کرزی و مردم شریف ما نیک می دانند و باید بدانند که در این مدت سیاه بر اثر رویکرد عوامل متعدد داخلی و خارجی، و شخصیت و هويت واحد ملی ما کاملاً لگدکوب شده و هويت های جعلی و بدلی جای آن را اشغال کرده است که از این گونه های شخصیتی، و به تعبیر بلند مولانا بیله «خودهای جعلی و قلابی هر چه زودتر باید بیرون آمد که:

بالیین ما ز خود برون آمدن است...

و این از خود برون آمدن در کوتاه مدت و دراز مدت بیش از هر چیز به بازسازی فکری، فرهنگی، روانی و انسانی ملت ما نیاز دارد که ایندوایم کرزی صاحب و کابینه فعلی به این امر بیش از پیش اهتمام ورزند.



سید حسین

این فصل از کتاب فرهنگ ایران



○ برنا کریمی

و اما در مورد فرهنگ و فرهنگ پروری!

آنچه صاحب این قلم را ناگزیر ساخت تا از راهایی چند در این زمینه به نگارش آورد، پاس دوستی و محبت های بسیار دوستان فرهیخته و فرهنگ پرور در دری بود که همیشه و در همه موارد به من مهربان بوده اند و من همیشه مدیون این همه محبت هایشان خواهم بود.

اول باید عرض کنم که دوری مسافه از وطن و نداشتن امکانات کافی در مطالعه فرآوردهای فرهنگی دولت حاکم در افغانستان به من این اجازه را نمی دهد تا یکسره تمامی سیاست ها و عملکردهای یک رژیم را بررسی کنم. البته هایی که من آبیادانی و ویرانی (متأسفانه زیادتر ویرانی) وطن را در آن ها می نگرم، رسانه های جمعی غربی هستند. هر چند یکی دو بار کوشیدم تا از صفحات شبکه اینترنت، وضع مبین خویش را در تحلیل دوستان ایرانی که در مطبوعات داخلی و خارجی خود مطرح می کنند مطالعه کنم، ولی با تأسف که با من به نشرات متعدد ایرانی دسترسی ندارم و با صفحاتی را که من دیدم در همان برهه هایی از زمان دچار یک نوع دوگانگی اندیشه ای شده بودند یعنی در آن صرف مطالبی دیدم که با افغانستان را دیگر جزه لایتنک قلمرو «شیطان بزرگ» خوانده بودند و یا کشوری به سرعت پوینده در راه بازسازی و بهروزی همگانی. چهرة فرهنگی دولت موقت افغانستان با تأسف، چندان درخشان معلوم نمی شود. این نتیجه گیری را می توان از جهات مختلف با تکیه بر منابع خبری ای که روزانه به طور اوسط دو و یا سه بار اخبار افغانستان را به دنیا می رسانند، به اثبات رساند.

البته «کرسی نشینان کابل» و تا حال کدام مثنی مشخص فرهنگی را ارائه نکرده اند. تعیینات فرهنگی در پست های فرهنگی خلاصه می شود به یکی دو تن از خامه پردازانی که باید به لیاقت و کفایت شان عقیده داشت، ولی با این یکی دو نفر و صرف اعلان آزادی مطبوعات که نمی شود اسلوب فرهنگی طراحی کرد و مجمع عمومی فرهنگیان ساخت. با در نظر داشت این که اشخاص مذکور در صلاحیت های اداری خود مشکلات دارند. حتی سوگمندها گلهی وضع چنان نامید کننده می شود که شخصیت متفکری آن ها را بیگانه خطاب می کند و میراث فرهنگی افغانستان را تنها در جهان بینی مقاومت مطرح می کند (از سخنان دیگرش پرهیزیم).

تعدادی از فرهیختگانی که دوباره به وطن عودت کرده اند میوسانه این طرف و آن طرف می روند و باید هراسان بود که میباید چرخ های سنگین و بیروکراسی بدون بیرکرات ها آن ها را خرد و خمیر سازد. البته عنصر زمان و حرکت جدید را نیز باید در نظر گرفت. درست است که وقت کمی از این تحول می گذرد و به قول معروف باید به ایشان وقت





دادند شود. اما این را نباید بنادیم که لفظانی که می گذرند دویاره بر نمی کشند. این همه حواشی من نیز زاده متنی باقی و متنی گریبی است. به صرف حبه میاددهای داده کرد گردونه های آتش گام زنگنه به سرعت می گذرند. خوشا به سعادت سر نشینان اولین گردونه! لاس اجلس، امریکا

۱ - در بالا از متنی فرهنگی یاد کردیم، باید بدانیم که متنی فرهنگی در معنای عام خویش شامل آموزش و پرورش، صنایع آموزشی، تحصیلات عالی و مسلکی، صنایع آموزشی دانشگاهها، سوادآموزی، آموزش زنان و دختران، نحوه برخورد با زبانهای محلی، بخشهایی از رادیو، تلویزیون و جراید و روزنامهها، ادبیات، تئاتر، سینما، موسیقی، نقاشی و بیکرلاری، حفظ آثار و ابدیات تاریخی، شیوه اداره موزهها و گالریها و بناها و عمارت دیگر می شود. ما تا هنوز از شیوه نگارش اولیه دولت جدید افغانستان به مسائلی که بخشی از آن ها را مشخص ساختیم، آگاهی نداریم. از سوی دیگر تا آن جا که می دانیم دولت آقای کرزی تاکنون حتی قانون موقت معلولان و انتشارات مدون و تسجیل شده ای در دسترس مردم نگذاشته است و بالاتر از این ها نمی دانیم قانون اساسی آینده کشور به مثابه دام القاولین به چه سان تنظیم و تدوین می شود.



○ محمد نبی متقی

ارزیابی کوتاه از کارنامه اداره موقت

کارنامه اداره موقت را باید با توجه به موانع زیاد و مشکلات بسیار گسترده و نیز با فرصت های طلایی و مناسبی که داشت، ارزیابی کنیم که تا چه اندازه به مطالبات و توقعات مردم افغانستان پاسخ گفته و چه مقدار خواسته های جهان را تأمین نموده و در چه کتانی ضعیف و یا کوتاهی از انجام وظیفه کرده است.

محترم حامد کرزی پشتون تبار از خانواده ای نامدار با تحصیلات عالی است که دارای سابقه همکاری با دولت اسلامی ربانی و امارت اسلامی جنبش طالبان بوده و دارای حسن سابقه و روابط حسنه و دوستانه با اغلب احزاب و رهبران قومی افغانستان است. او از جامعه افغانستان آشنایی دقیق دارد و با سیاست های جهان کاملاً هماهنگ و آشناست. حضور محترم کرزی در صحنه سیاسی افغانستان همراه شد با کلمات صلح سراسری، امنیت پایدار، تأمین وحدت ملی، منابع ملی، بازسازی افغانستان نوین، با ساختار دولت نوین و تاریخ نوین و روابط و مناسبات نوین و حامیان نوین و زندگی نوین که این موج ادبیات زیبا و زندگی ساز با حمایت های لحظه به لحظه کشورهای جهان از اداره موقت و سیاست های بازسازی آن، انتظارات و توقعات مردم مایوس و ناامید

افغانستان را بسیار بالا برد. همچنان خواسته های جهانی هم قابل توجه بود که به باور آنان، صلح و امنیت پایدار در افغانستان با صلح و امنیت جهان گره خورده بود و جهان افغانستان را کشوری صادرکننده تروریسم می دانست. لذا جهان خارج هم با حمایت از اداره موقت، انتظاراتی به حق داشت. حالا این سوال را این گونه طرح کنیم که اداره موقت چگونه از این فرصت طلایی استفاده نمود؟

قضاوت بین طرفه و متصفانه از عملکرد اداره موقت، کاری است بسیار مشکل، ولی باز هم با توجه به موانع و فرصت های موجود، بررسی کوتاهی می کنیم، موانع بسیار جدی و زیادی فراروی اداره موقت موجود است که هر کدام به تنهایی یک دولت با ثبات را فرو می باشد، چه رسد به اداره موقت که به قول محترم حامد کرزی حتی دارای دفتر تلفن هم نیست. حال در قدم اول توانم را شمرده و بعد زمینه های مناسب و فرصت های استثنایی را به بررسی می گیریم.

موانع عمده و اساسی زیاد بوده است، از جمله:

- ۱- موفقات بسیار گسترده کشورهای خارجی در امور افغانستان که هر کدام عوامل خودش را دارند.
- ۲- عدم قدرت مرکزی و حضور قدرت های مطلق المغان حزبی و محلی در سراسر افغانستان که جنگ سالاران با توجه به همین نکته، به سادگی حاضر به اطاعت از دولت مرکزی نمی باشند و به قول محترم حامد کرزی مشکل اصلی تفنگداران و جنگ سالاران اند.
- ۳- کشور از بنیاد ویران شده و ملت ناامید از زندگی، گرفتار هزار یک مشکل از جمله فقر و بی خانمانی باقی مانده از میراث مجاهدین است.
- ۴- خواسته ها و توقعات کشورهای خارجی که مدعی کمک به بازسازی افغانستان هستند، ولی بعضاً کوچکترین کمک را به چنین شرط و اگر و مگر مقید می کنند و در پی تأمین منافع خود در افغانستان هستند، البته با شعار حمایت از صلح و امنیت جهانی و مبارزه با تروریسم. به هر حال اداره موقت نان و نمک خورده سازمان ملل متحد است و مسؤول در قبال آن و هر کدام از این موانع، خودش چندین مشکل زنجیره ای دارد که در این مجال، از بیان یک یک آن صرف نظر می کنیم.

فرصت های طلایی

- ۱- اولین عامل موفقیت اداره موقت، عزم جهانی به استواری صلح و تأمین امنیت پایدار و ایجاد دولت دموکراتیک در افغانستان است. در واقع تمام سیاست های اجرایی اداره موقت در جهت استواری صلح و امنیت، پشتوانه جهانی دارد.
- ۲- دومین عامل مثبت و فرصت طلایی که در اختیار اداره موقت قرار دارد، حمایت بی دریغ و گسترده مردم افغانستان، چه در داخل و چه در خارج از کشور است. هیچ حزبی و هیچ قومی به مخالفت با سیاست های اداره موقت برخاست که هیچ، بلکه حمایت رهبران احزاب و اقوام از سیاست های صلح جوانه محترم کرزی مرتب تداوم داشت.
- ۳- فرصت مناسب دیگر، سابقه بسیار بد جنگ سالاران بود. اعمال گذشته جنگ سالاران غیر قابل قبول و غیر قابل توجیه برای عموم مردم افغانستان بود.

اداره موقت و کوتاهی در وظایف

اداره موقت براساس موافقت نامه بین، وظایفی معین و تعیین شده داشت. از جمله ضعف های غیر قابل اغماض اداره موقت، کوتاهی از دو مورد از اصول و ماده هاست.

۱ - در ماده ششم موافقت نامه بین، در بخش وظایف، اداره موقت را موظف می سازند که به کمک سازمان ملل متحد یک کمیسیون مستقل حقوق بشر را تأسیس خواهد نمود که وظایف آن نظارت بر حقوق بشر و تحقیق و تفحص در باره نقض حقوق بشر است. متأسفانه اداره موقت این کمیسیون مهم و ضروری را تاکنون تأسیس نکرده است. این را باید به حساب ضعف و یا کوتاهی این اداره گذاشت. اگر این کمیسیون همزمان با کمیسیون مستقل تقویر لویه جرگه تشکیل می شد، عاملی بسیار مؤثر در مهار جنگ سالاران می بود و با اقلای عده ای به اتهام جنایت علیه بشریت و با نقض حقوق بشر از حضور در اداره موقت محروم می شدند. وجود این کمیسیون، اقل هشدار و خطاری می شد برای عناصر جنگ طلب و یاغی.

۲ - موافقت نامه بین، در ماده پنج اداره موقت را موظف می کند که به کمک سازمان ملل متحد یک کمیسیون مستقل استخدام کشوری را به منظور اطمینان بیشتر از لیاقت و صداقت افراد ایجاد خواهد نمود تا لیست های برگزیده نامزدهای پست های کلیدی در بخش های اداره موقت و والی ها و ولسوالی ها را به حکومت موقت ارائه دهد. این کمیسیون مستقل یکی از نیازهای فوری اداره موقت بود که متأسفانه به موقع تشکیل نشد، لذا در وضعیت موجود، سیستم اداری کشور همچنان نیمه فعال به حیات خود ادامه می دهد و در بسیاری از مسائل، سیاست شفاف و روشی ندارد. هنوز پست های کلیدی و سنت های اداری بر اساس احزاب توزیع و تقسیم می شود که این برخلاف مفاد قرارداد بین است. فقط ایجاد این کمیسیون می توانست مشکل موجود قومی و خانوادگی در وزارت خانه ها را به صورت قانونی و مسالمت آمیز و فوری حل کند و زمینه قانونمند شدن استخدام کشوری را برای همه فراهم سازد.

اما نکات موفقیت آمیز و درخشان در کارنامه اداره موقت، محترم کرزی بعد از پایان جلسه انتقال قدرت در حضور نمایندگان مجامع جهانی و احزاب و اقوام افغانستان اصول اساسی کار خود را اعلام نمود که از جمله این ها بود مبارزه با تروریسم، تشکیل اداره ملی، ایجاد قانونگذاری، اعاده حقوق زنان، تأمین صلح و امنیت در سراسر کشور، سهم گیری افراد در حکومت بر اساس صلاحیت ها، بازسازی، روابط حسنه با همسایگان، برگزاری لویه جرگه اضطراری، آزادی بیان و عقیده و سایر اصولی که نیاز فوری نداشت.

اگر با دید خوش بینانه به کارنامه اداره موقت نگاه کنیم، می توان موفقیت های درخشان و قابل تحسینی را در زمینه های آزادی بیان و تأمین صلح و برگزاری به موقع لویه جرگه اضطراری و روابط حسنه به همسایگان و فراهم نمودن زمینه بازسازی را در کارنامه اداره موقت احساس کرد. مردم افغانستان تا قبل از این شش ماه، اگر شب می خوابیدند، امید نداشتند که فردا زنده باشند. ولی اکنون شور و شوق به زندگی از چهره های مردم موج می زند. همه، افغانستان را سرزمینی امن برای زندگی و خانه مشترک همه افغان ها می دانند که این تحول بزرگ و مثبت جزء افتخارات ماندگار در کارنامه اداره موقت است.

موفقیت های بزرگ اداره موقت

۱ - حل مشکل اساسی افغانستان: بعد انتقال قدرت در کابل، محترم حامد کرزی در مصاحبه با ظاهر طین در پاسخ این سؤال که «بسیار خطرات را در چه می بینید؟» می گوید: «اساساً مشکل افغانستان از طرف مداخلات خارجی است. اگر مداخلات خارجی در افغانستان صورت نگیرد، مردم افغانستان به جنگ نمی افتند.» محترم کرزی واقعاً مشکل اصلی و اساسی را مطرح نمود، چون دخالت های کشورهای خارجی به قدری غریبان و رسوا و غیر قابل توجیه بود که حتی آیه الله محسنی هم به جای دعای جلسه انتقال قدرت، با دعا و التماس عاجزانه از کشورهای خارجی خواست در امور افغانستان مداخله نکنند. لذا می توان گفت مداخلات خارجی مانع اصلی استقرار صلح و تأمین امنیت بود.

حامد کرزی در ایجاد رابطه حسنه و مناسبات احترام آمیز با همسایگان از خود لیاقت و درایت فوق العاده ای نشان داد. باید اعتراف نمود که یکی از موفقیت آمیزترین سیاست های حامد کرزی، همکاری دوستانه و فعالانه با سه کشور ایران، پاکستان و هندوستان بود که موفق شد تغییری اساسی در سیاست های این کشورها از مداخله تا همکاری و مشارکت ایجاد کند.

۲ - کار موفق و درخشان دیگر اداره موقت را می توان در ایجاد فضای صلح و آشتی ملی و فراهم نمودن زمینه مشارکت گسترده و فعال تمام احزاب و اقوام افغانستان در حمایت از پروسه صلح و وحدت ملی دانست. اداره موقت در این زمینه آن چنان موفق بوده که حتی جنگ سالارترین افراد هم امروز به ستایش از صلح و امنیت پرداخته و کلمات آشتی جوانه و تفاهم آمیز را تکرار می کنند.

۳ - یکی دیگر از کارهای موفق اداره موقت، فراهم نمودن زمینه آزادی بیان بود. صدور مجوز نشریات و نشر گسترده مجلات و روزنامه ها بدون کدام کنترل شدید و سانسور، از شاهکارهای اداره موقت حساب می شود که امروز اگر جمعی و فردی مدعی سخنی داشته باشند فضای موجود بسیار مناسب است.

۴ - برگزاری به موقع لویه جرگه اضطراری یکی دیگر از موفقیت های اداره موقت است، چون سنت کشور ما در گذشته چنین بوده که هیچ جلسه ای به موقع تشکیل نمی گردیده است. برگزاری لویه جرگه اضطراری با کیفیت بسیار خوب، نشان از وجود مردان و زنان کاردان باصلاحیت، وطن دوست و دلسوز و متعهد به منافع علبای مردم در افغانستان دارد و پایان نیک و شادی بخش آن، نشانه صلاحیت و شایستگی مردم افغانستان در داشتن دولتی دموکراتیک، مسؤول و پاسخگو در قبال مردم حساب می شود.

با توجه به موانع بسیار جدی و گسترده و فرصت های بسیار نادر و طلایی ای که در اختیار اداره موقت بوده است، مسلماً زمینه های پیروزی و موفقیت اداره موقت بسیار بارزتر است. محترم حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان کاملاً متوجه است که زمان برای این همه حمایت جهانی و عزم داخلی بر حل ریشه ای بحران طولانی افغانستان، بیش از آن محدود است که ما تصور می کنیم و شاید به زودی مانند گذشته مسائل و مشکلات مردم افغانستان از خاطره جهانیان فراموش گردد. لذا از این فرصت کوتاه به دست آمده باید بیشترین بهره برداری را نمود و در انتخاب همکاران در پست های کلیدی بر معیار اصل صلاحیت علمی





و کتابشناسی را در عمل کنند.  
 خاکبوس این که کارنامه‌ی اداره موقت را نسبتاً موفق می‌دانیم. در بعضی  
 روزها هم پیش از حد انتظار، عملکرد مثبت وجود داشته، هرچند  
 ضعف‌ها و غفلت‌ها و کوتاهی‌هایی نیز در میان بوده است.

بی‌نوشته‌ها:

هفته نامه وحدت، شماره ۲۸۸، متن موافقت‌نامه بن.

۲- همان جا

۳- درانیو بی بی سی، ۱/۱۰/۸۰



○ حمزه واعظی

دولت موقت و تولدهای معنی جدید

پرشش از دست آوردها و با کارنامه دولت موقت در دوره کودکی  
 شش ماهه عمرش، پریش زود هنگامی است که به گمان این دور افتاده  
 از یار و دیار، دولت موقت و عمر کوتاهش را می‌باید از منظر تأثیرات  
 ذهنی و باز آورده‌های سیاسی آن در حوزه گفت‌وگو ملی ارزیابی نمود.  
 صرف نظر از ذهنیت‌ها و عوامل صورت بندی دولت موقت، دست  
 یافتن افغان‌ها به یک توافق ناگزیر مبنی بر ایجاد یک ساختار جدید، یک  
 موفقیت تاریخی محسوب می‌شود. ناگفته نماند، تأیید یاری حکومت‌ها در  
 افغانستان به اضافه خصومت‌های تباہ کننده دو دهه میان گروه‌های  
 سیاسی-قومی، افغان‌ها را در یک سرازیری محتمم تاریخی-ملی قرار  
 داده بود. توافق این-مبدأ چرخش سیاسی در رفتار و تحول دستوری در  
 گفتار افغان‌ها بود که با تولیت سازمان ملل و نظارت و مدیریت سیاسی  
 قدرت‌های بین المللی انجام پذیرفت. دولت موقت شش ماهه، نتیجه  
 عینی اجلاس بن به شمار می‌آید. در کشاکش شرایطی که تمام گروه‌های  
 سیاسی و قومی افغان کمر به نابودی هویت و حیثیت ملی افغانستان بسته  
 بودند و خواسته‌ها و خاستگاه‌های سیاسی اجتماعی خویش را با اندیشه  
 و انگیزه تنگ قبیله‌ای، مذهبی و زبانی گروه زده بودند، عزم بر یک  
 هم آمدگی کلان سیاسی و همت بر ایجاد یک سیستم مورد قبول که  
 استعداد ظرفیت جذب و جمع به یاری از گروه‌های جنگ‌اندیش و  
 خویشتن خواه را داشته باشد، یک امید و تغییر مهم در فرایند ذهنی و  
 خصلت فرهنگی-اجتماعی جامعه و سیاست‌گران افغانی تلقی می‌شود.  
 عمر کوتاه دولت موقت و بخت بلند بحران‌های چندلایه در ساخت  
 اجتماعی- فرهنگی و بافت سیاسی-روانی جامعه افغانستان و نیز وهم  
 ویرانه‌های برجای مانده از کردارهای حکومت کابوسی طالبان، مجال  
 برای استقرار کامل این دولت باقی نمی‌گذاشت تا طرح و تأمین وظایف  
 یک دولت مستقر و مطمئن را از آن انتظار داشته باشیم. همت و اهمیت  
 اساسی این دولت، تلنگر جدی بر دستگاه فکری و کردارهای سیاسی-

اجتماعی افغان‌ها بود که تحت شرایط رفتارهای الزام آور بین المللی،  
 ضمیر خردگانه جمعی خود را به ظهور رسانیدند.  
 خستگی و بی‌زاری از جنگ، نفرت از چندپارگی‌های چندش آور و  
 الزجار از همه گیر شدن قوم پرستی‌ها و بدکرداری‌های دولت-شهرهای  
 خرداندیش و عقل گریز، تولد ذهنی‌ای بود که ضمیر خردگانه، جامعه  
 افغانی را صورت داده بود و برپایی دولت موقت در واقع انفجار  
 خواسته‌ها و دریافت‌های اندیشه زندهانی شده جامعه افغانی محسوب  
 می‌گردد. بنابراین، تشکیل دولت موقت و ادامه عمر آن تا شش ماه به  
 تنهایی یک دستاورد عظیم در تاریخ پر آشوب سیاسی اجتماعی معاصر  
 افغانستان باید پنداشته گردد. این گفته ممکن است بسیار خوش بینانه تلقی  
 شود، ولی ما باید وضعیت جامعه افغانستان را نسبت به واقعیت‌های  
 تلخ دیروز این جامعه مقایسه نماییم نه شرایط مطلوب و ذهنی فردا.  
 استقرار دولت موقت، بازگردان و بازندگان سیاسی افغانستان را در آستانه  
 پذیرش یک فرهنگ جدید قرار داد، فرهنگ هم‌نشینی و همگویی،  
 پدیده‌ای که در قاعده تعادل سیاسی-اجتماعی دودنه گذشته غایب بود.  
 دولت موقت مرحله تازه‌ای از زندگی جدید سیاسی را نشان داد  
 زندگی‌ای که در آن بسیاری از حقایق فراموش شده و مبانی مفقوده در  
 تاریخ سیاسی-اجتماعی، مجال بازگویی و فرصت ظهور پیدا کرد.  
 مشارکت اقوام در حاکمیت ملی و هنک میراث شوم استبداد تک‌ساختی  
 و فرهنگ منور انحصار سیاسی نخستین بار در ساختار و حیثیت دولت  
 موقت و مبانی باقاری آن نوید داده شد.

هرچند زود است از باززایی «فرهنگ ملی» سخن گفته شود، اما  
 مشارکت سیاسی، عدالت اجتماعی و اعتماد ملی می‌توانند از فاکتورها  
 و مبانی مهم تولید فرهنگ ملی شمرده شوند و دولت موقت، سنگ بنای  
 مشارکت و اعتبار ملی را گذاشته است. استحکام و رفعت این ساختمان  
 به سازه‌هایی مربوط است که متولیان سیاسی و معماران و سازندگان  
 فرهنگی جدید تألیف می‌کنند.

دولت موقت همچنین در کنار سیاست‌گزاران جنگ‌آور، گروه  
 قابل شمارشی از روشنفکران و دانش‌آموختگان را در کابینه زودگذر خود  
 تحمل کرده بود که خود نشانه و نمایه‌ای از تحول جدید در ذهنیت سیاسی  
 -اجتماعی جامعه افغانی محسوب می‌گردد.

تولد شماری از گروه‌های فرهنگی و فرصت یافتن تعدادی از  
 مطبوعات در پایتخت، بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس، بازگشت  
 گروهی از اصحاب فکر و اندیشه و قلم در کشور و... نمونه‌هایی از این پدیده  
 خوش بینی نسبت به استقرار دولت موقت و پیامدهای فرهنگی، اجتماعی  
 و سیاسی آن باید دانسته شود.

در فرجام، باید یادآوری نمایم که بنده در مطالعه شرایط جدید و به  
 ویژه دولت موقت، یک پنجم پر گیلان را می‌بینم، نه چهار پنجم خالی  
 آن را. معتقدم که حافظه و خصلت روانی ما افغان‌ها همواره آغشته به  
 بی اعتمادی و بدگمانی و آلوده به پسا و بدباوری بوده است و همین  
 پدیده به عنوان بزرگترین عامل در جهت تعمیق واگرایی اجتماعی،  
 بلوغ تباختگی سیاسی و فرسایش فرهنگی و گسستگی هویت تاریخی-  
 ملی ما عمل کرده است.

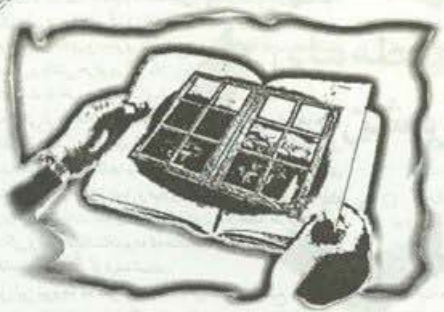
ما به چند کافی بد دیده‌ایم، بد گفته‌ایم و بد کرده‌ایم و ناامیدی  
 کشیده‌ایم. نیاز به نوعی عینک داریم... چشمه‌ها را باید شست، جور  
 دیگر باید دید...!



پدیده‌هایی از این پدیده

...اندیشه‌ها  
 اگر مکتوب  
 شوند

□ فاضل سنگچارکی



تحولات غافلگیرکننده افغانستان تب و تاب‌های جدیدی در ساحات  
 سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی پدید آورده است که طبیعتاً با  
 هم‌چشمی و رقابت همراه است.

در دهه‌های گذشته عمده‌ترین میدان رقابت در افغانستان، میدان  
 نظامی گری و سیاست ناشی از آن بود که همه ابعاد دیگر را تحت الشعاع  
 فراموش می‌داد، اما تحولات ناشی از حادثه فاجعه باز یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱  
 در امریکا، برپید شدن بساط تخریب حاکم در افغانستان و شبکه‌های  
 تروریستی هم‌دست آن و بر سرکار آمدن اداره‌ای که ترانه آزادی  
 می‌سرود، به گونه‌ای نوین میداین رقابت افزود. اکنون بازرترین نمونه‌های  
 این رقابت را می‌توان در اکثر ساحات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و  
 فرهنگی و هنری ملاحظه کرد که در این جا به گونه‌ای گذرا، به رقابت  
 تازه‌ای که در ساحة سیاسی-فرهنگی در گرفته، اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم  
 و دامن کلام را برمی‌چینیم.

تحولات پس از یازدهم سپتامبر، حضور و مشارکت ممالک پیشرفته  
 جهان در امر اعمار نظام جدید سیاسی و اداری افغانستان و دریافت این  
 حقیقت که دوران بی‌اعتنایی نسبت به سرنوشت ملتها و کشورها در هر  
 کجای این کره خاکی که باشند و حوادث ناخوشایندی که در آن‌ها  
 می‌گذرد، سیری شده است، افغانستان را که در جنگ خرمن داخلی و  
 سلطه دهشتبار تروریسم می‌سوخت، با وضع جدیدی روبه رو ساخت  
 و افن‌های تازه‌ای پیش‌روی این کشور گشود و نیروهای گوناگونی را به  
 میدان آورد. برخی از نیروهای نفع‌طلب کرده، فزاینی و یا در خاشنه مانده  
 که اکثر در ممالک غربی به نقد و انتقاد از روند اوضاع در افغانستان  
 پرداخته و بعضاً طرح‌های صلح برای حل پرابلم این کشور ارائه و گاه و  
 بیگاه هم صدای خود را از طریق رسانه‌های بین‌المللی بلند می‌کردند،  
 امیدواری جدیدی یافته و برای حضور و مشارکت در ساختار سیاسی و  
 نهایتاً آحرز نقش رهبری اداره آینده کشور به تب و تلاش تازه‌ای دست  
 زدند. تصور عمومی هم آن بود که این نیروها با توجه به دانش‌های مسلکی  
 و حمایت‌های گسترده بیرونی، بسیار محتمل است که جایگاه رهبری  
 خود را در اداره آینده افغانستان آحرز کنند و در سازندگی و انکشاف آن  
 نقش اصلی و سازنده‌ای ایفا نمایند. اما این حلقه‌ها، علی‌رغم

توانایی‌های علمی و تخصصی به لحاظ خوبی گیری در محیط‌های امن  
 و مرفه و امکانات رفاهی فوق تصور شرق نشینان حاشیه محروم جهان  
 سوم از یک سو و ذهن گریایی و تخریب از توده‌های رنج‌دیده مردم و  
 ابدیه‌الهای غیرواقعی بینانه از دیگر سو که مانع شناخت عینی جامعه  
 دیگرگون شده و زیر و زبر و شدة افغانستان می‌گردید، چانس‌های طلایی  
 خود را سوزاندند و در ساحة رهبری جریان‌ات سیاسی کشور، قسمی که  
 انتظار می‌رفت. کامیابی قابل ملاحظه‌ای به دست نیاوردند.

این گروه‌ها و طیف‌ها که با شعارهای دموکراسی، ترقی، پلورالیزم  
 سیاسی، حکومت قانون، دفاع از نهادهای مدنی حقوق افراد و  
 مطبوعات آزاد و مستقل به میدان آمدند و در درون خود انسجام و اتحاد  
 نظر و عمل چندانی ندارند، تنها وجود مشترکشان مخالفت با جنگ،  
 جنگ سالاری و آناشیزم است و طرح این شعار که:

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر

سخن نو آرز که نور احوالاتی است دگر

اما این مخالفت‌ها و شعارها قسمی بیان شده و می‌شوند که برای  
 اکثریت کم سواد جامعه افغانی گنگ و کلی ناشفاف اند. اینان البته از  
 حمایت بی‌شائبه مؤسسات مدعی دفاع از آزادی حقوق بشر، توسعه و  
 انکشاف، ثبات و امنیت افغانستان برخوردارند و کشورهای پیشرفته نیز  
 با این جماعت احساس هم‌ملی بیشتری می‌کنند تا نیروهای برآمده از  
 دوران سنگ‌های مقاومت...

تحصیل کردگان افغانستانی با به عبارتی افغان‌های تربیت یافته در  
 ممالک غربی، اگرچه یکدست و یکپارچه نیستند و به اقتضای لیبرالیزم  
 حاکم در غرب، گرایش‌ها، ذوق‌ها و پسندهای متفاوتی با یکدیگر دارند  
 و یا خود را به گروه‌های قومی خاصی متعلق می‌دانند و تجارب و  
 آندوخته‌های مسلکی خود را در اختیار گروه‌های معینی قرار می‌دهند،  
 اما با این همه، سرمایه‌ای برای کشور محسوب می‌شوند. اینان دارای  
 کمالات و دانش‌های لازم هستند، وطن خود را دوست دارند تلخی و  
 غلاب غربت را چشیده‌اند. آرزومندند که افغانستان از حکومتی با ثبات،  
 قوی و قانونمند برخوردار شود. ادارات محلی و اداره‌های خودسر  
 جنگ سالار مهار شوند و به نقش آنان به سود مرکزیت واحد اداری و





اقتدار ملی افغانستان حاکم داده شود. اما اشکال کار این حضرات این است که افکار آنان مناسبی در این زمینه ارائه نکرده اند. اندیشه ها، افکار و طرح های خود را برای تحکیم وحدت ملی، ایجاد نظام اداری سالم، انتخابی اجزای ملی و ساختار آن، راه های انکشاف و توسعه کشور و بازسازی زیر بناهای مادی و معنوی آن مطرح ساخته اند. دوست داشتن وطن و تخصص و دانش حرفی اگر ملازم با استفاده از خرد سیاسی در راستای ملت شدن به خروج از تنگنای تعلقات گوناگون نباشد، امری بی ثمر است. یکی از مشکلات جامعه تحصیل کرده ما در تمام دهه های اخیر، فقر اندیشه سیاسی و فقدان یک دستگاه نظری مطابق با الگوهای ارزشی و سنت های ملی افغان ها بوده است. راز بسیاری از ناکامی های جامعه روشنفکری ما در میدان عمل و مبارزه سیاسی و اجتماعی در تقلید و کپی برداری از ابداعات نظری دیگران بدون ملاحظه ظرفیت ها و ساختار فرهنگی و ملی افغانستان بوده که مناسفانه به جای تحول آفرینی، بحران زا و فاجعه آفرین نیز گردیده است.

در مقابل این نیروها که ذکرشان رفت، طیف های وسیع نیروهای برآمده از درون جهاد و از داخل سنگرهای مقاومت و با مرتبط و مستقل با آن ها قرار دارند که به رغم تعلقات گوناگون و جوهر مشترک و خواسته های یکسانی با هم دارند، اینان خود را وارثان خون میلیون ها شهید و معلول و آواره و از هر لحاظ مستحق حکومت و ذیحق و صالح برای اداره کشور می دانند. این نیروها و عناصر اما ویژگی های بارزی دارند:

- در متن حوادث زیسته، رشد کرده و پخته شده اند.
- در برابر سختی ها مقاومت.
- با جامعه، مردم، تحولات و تغییراتی که طی دهه های اخیر پدید آمده آشنایی بیشتر دارند.
- به زبان مردم گپ می زنند.
- با هنر به میدان آوردن و بسج مردم آشنایتند.
- هوشمند، پر تحرک و از تلاش و تقلا و حضور در دهها جلسه

متوالی و چانه زنی خسته نمی شوند. اجلاس بن و لویه جرگه نشان داد که منطق اینان از منطق نیروهای از بیرون آمده به مراتب قوی تر و صدایشان از صدای آنان بلندتر است. اینان در بازی سیاست تاکنون دست بالا را داشته اند. نیروهای سیاسی-فکری نسل دوم جهاد که اکنون به گونه خیزاب امواج دریا یا به میدان نهاده و هبزی جریانات سیاسی درون کشور را به دست گرفته اند، داعیه دار پاسداری از ارزش های ملی، افتخارات جهاد و شهرت جهانی آید، آن ها می گویند با طرح شعارهای نو و ابتکارات تازه، از خود چهرة قابل قبولی ارائه دهند و با صدای بلند اعلام می کنند که:

تازه وارد شد چون تو سن انگیز  
تزد کهنه را گویند که بر خیز  
اینان همچنین می گویند از سیمای جهاد و اسلام شبهه زدایی کنند و از دین که مایه و انگیزه جهاد و نیروبخش مردم در مقاومت و عامل پایداری آنان در مقابل بیگانگان بوده، سببایی انسانی و مداراجوی و نرمش طلب و سازگار با مدنیت امروزی جهان ارائه کنند، سیمایی که نه تنها با پدیده های عصری، نوآوری و نوآندیشی مخالف نیست، بلکه مشوق آن است. اخلاقی و تفکر را ارج می نهند. اما این نیروها - نسل دوم رهبری جهاد - هم با مشکلاتی سخت

مواجهند:

- رهبری سنتی، محافظه کار و پر توقع را در مقابل خود دارند.
- انسجام سیاسی و تشکیلات فراگیر ندارند.
- دچار فقر اندیشه سیاسی و فاقد یک سیستم نظری مناسب و تدوین یافته برای اداره آینده کشورند.
- تعلقات قومی، لسانی و ستمی و تنظیمی گوناگون دارند.
- به لحاظ مشارکت در جنگ های تنظیمی، اعتماد لازم جامعه جهانی را پشت سر خود ندارند.
- افکار عمومی از آن ها اندکی آزاده است.

و...  
اکنون در واقع رقابت اصلی بین همین دو طیف یا دو نیرو است، نیرویی که سالها در حاشیه بوده و در بیرون از حوادث و مهالک و خطرات؛ و نیرویی که از درون حوادث و از میان دریای مقاومت سر برآورده است.

البته هر دو طیف، شعارهای آزادی، مدارا و تحمل سر می دهند، از حقوق فردی، حقوق زنان و مرکزیت واحد سیاسی، اقتدار ملی، استقلال و تمامیت ارضی، ترقی و پیشرفت کشور، وحدت و وفای ملی و بازسازی زیر بناها و زیر ساخت های مادی و معنوی کشوردم می زنند ولی با این همه هر دو طیف در بنیادهای اندیشگی هسته تفکر و باورداشت های اساسی تفاوت ها و با تضادهایی دارند که طبیعتاً در کارکردهای آینده آنان تجلی و تبارز بیشتر خواهد یافت.

و... اما مطبوعات امروز افغانستان که اکثر آن در کابل منتشر می شوند، به رغم برخی شعارهای پراکنده و اشارات کلی و مبهم به پدیده های مدرن و عناصر کلتوری جدید، بیشترین آینه دار جلوه ها و رنگ های جامعه افغانی و ارزش های کلتوری آید و از باورهای عمومی، سنت های ریشه دار ملی و عناصر پدیدآمده در پرتو جهاد نمایندگی می کنند. اگر چه این مطبوعات، روی هم رفته، چندان وزین و اندیشه برانگیز نیستند، تاکنون اما نشریه ای را نمی توان یافت که به تبلیغ لایسزم و یا افکار سکولاریستی در جامعه بپردازد و یا حتی نشریه ای که در ترویج و تبلیغ تمدن غرب و عناصر کلتوری و پدیده های پالیده بر بستر آن کوشش های افراط آمیز نماید. آیا علم وجود چنین نشریاتی به خاطر نامطمئن بودن فضای آزادی در افغانستان و یا ویژگی های ساختاری جامعه آن کشور است که نشر و انتشار چنین اندیشه ها و نشریاتی را بر نمی تابد و دارندگان یک چنین باورها و اندیشه ها را ناخواسته به خودسانسوری و کف نفس واداشته با دلایلی دیگر، بمانند. اما مطمئناً هستند گروه هایی که مخالف نقش دین در سیاست و مخالف حضور و مشارکت عناصر تنظیمی و نیروهای جهادی در ساختار قدرت هستند و دموکراسی را به مفهوم عام و مطلق آن، آن گونه که اکنون در غرب رایج است می خوانند، اما شاید به دلایل و علل گوناگون نمی خواهند و یا نمی توانند افکار خود را نشر کنند.

بهر آن است و فضای باز و دموکراتیک نیز ایجاد می کنند که تمام طرف ها، حقیقت و گرایش های سیاسی-ایدئولوژیک اندیشه های خود را مکتوب نمایند و در قالب جراید، نشریات و کتب منتشر سازند و دیدگاه های خود را در تمام ساحات ملی و بین المللی عرضه نمایند. آنگاه است که رقابت واقعی آغاز و جامعه ما وارد یک مرحله نوین تکاملی و یک دوره تازه تحول خواهد شد و «جامعه باز» و فضای دموکراتیک نیز معنای واقعی خود را باز خواهد یافت.



سفر به افغانستان

# نقطه های روشن و ...

□ علی پیام

اداره موقت افغانستان، به عنوان نخستین ایستگاه فضای جدید سیاسی و اولین تجربه عملی ایجاد نوعی تمرکزگرایی سیاسی و اداری جای خود را به دولت انتقالی ۱۸ ماهه داده است. بسیار جایگو و دلچسپ به نظر می رسد که پس از گذشت اینام اداره، به جستجو برآیم تا نقاط روشن آن را از منظر مردم بدانیم، نظرخواهی ذیل را با عنوان «نقاط روشن اداره موقت شش ماهه، از نظر مردم، آماده می کنم. ابتدا قصد داشتم که فرم نظرخواهی را به افرادی بدهم که در ماه های آخر به افغانستان رفته اند. سپس ترجیح دادم که دایره نظرخواهی را وسیع تر در نظر بگیرم. پس، هدف معلوم و مشخص است. به دنبال این می گردم که نقطه روشنی برای اداره موقت پیدا کنم. فرم نظرخواهی را داخل کیفم می گذارم و می روم داخل اجتماع متفرق مهاجرین افغانی در شهرک گلشهر، شهرکی که از گوشه اش صدای های مهاجری به گوش می رسد. اول سراغ کسلی می روم که پس از تشکیل اداره موقت شش ماهه از افغانستان بازگشته اند. وقتی به هر یک این ها بر می خورم، ابتدا مقدمه چینی می کنم: شما می بینید که اداره شش ماهه جای خود را به دولت انتقالی داده است. آیا فکر می کنید که این اداره چه نقطه روشنی و درخشانی داشته است؟ در مجموع، افرادی اصلاً حاضر به نظردهی نشدند و حتی بعضی با ترش رویی مرا از محل کار و کسب شان بیرون راندند. تعدادی گفتند: «ما چه می دانیم؟ ما که در افغانستان نبودیم، ایم، یک عده هم ابتدا که سر صحبت را باز می کردم از خوبی ها و بدی های اداره شش ماهه چیزهایی می گفتند. اما به محض این که می گفتند همین صحبت ها را در کافه بنویسند، صدایشان لرزش پیدا می کرد و گفته هایشان را از یاد می بردند. افرادی هم بودند که انگار دنیا را آب ببرد و آن ها را خواب، هیچ چیزی نمی دانستند. گویا اصلاً در جریان اخبار و اتفاقات افغانستان نبودند.

دنیا را آب ببرد و آن ها را خواب، هیچ چیزی نمی دانستند. گویا اصلاً در جریان اخبار و اتفاقات افغانستان نبودند. به هر صورت، آنچه ملاحظه می کنید، حاصل نظرات تعدادی از وطن دارانی است که نقطه روشنی اداره شش ماهه را بیان کرده اند.

- محمد حسین انصاری (شغل: گنج کار، میزان سواد: سه کلاس، سفر به افغانستان نداشته).
- «صلح و آرامش در کشور آورد و مردم از دولت جدید راضی بودند».
- «مجاهد (شغل: طلیه حوزه علمیه، میزان سواد: دروس خارج حوزه، به سفر به افغانستان داشته است).
- «دولت موقت موفقیت نسبتاً خوبی طی شش ماهه داشته است. مهم ترین دست آوردش امنیت و ایجاد امید برای مردم است».
- غلام حسن محقق (شغل: کاسب، میزان سواد: بی سواد، به ناژگی به داخل کشور سفر داشته است).
- «دولت شش ماهه موقت پایه گذار امنیت و آرامی و پایه گذار دولت انتقالی ۱۸ ماهه بوده است».
- «ناظمه سجادی (شغل: فرهنگی، میزان سواد: دبیرم تجربی، چند

- مدت پیش سفری به کابل داشته است.
- «ایجاد امنیت کامل در کابل و دیگری مشخص شدن افراد صلاحیت مند برای پست های دولتی و کم رنگ شدن احزاب که بانی جنگ داخلی بوده اند».
- حسین مظفری روسی (شغل: بنگاه دار معاملات، میزان سواد: دبیرم تجربی پوهنزی کابل، سفر به افغانستان نداشته است).
- «عملکرد رئیس دولت موقت، برقراری آرامش نسبی در شهرهای افغانستان می باشد».
- غلامرضا جهادی (شغل: آزاد، میزان سواد: دبیرم انسانی، سفر به افغانستان نداشته است).
- «شاید بتوان گفت: تنها نقطه روشنی در این دولت، آرامش نسبی حاکم شده در افغانستان است. اما نکات منفی: تزلزل حکومت،





مبارزه نکردن عینی با عوامل خشونت را، ارائه نکردن یک راهکار روشن برای حکومت آینده.

● **ابراهیم جوادی (شغل) :** مغازه دار لوازم خانگی، میزان سواد... سکر به افغانستان نداشته است.

● **مردم ما نسبت به دولت شش ماهه بسیار خوشبین بودند، زیرا یک آرامش نسبی نسبت به گذشته به وجود آمده بود.**

● **معصومه خاوری (شغل) :** دانشجو، میزان سواد: لیسانس علوم آزمایشگاهی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **آرامش نسبی دوره شش ماهه موقت نقطه ای روشن بوده است.**

● **تربانعلی صالحی (شغل) :** طلبه حوزه علمیه، میزان سواد: دروس خارج فقه و اصول، سفر به افغانستان نداشته است.

● **تأمین امنیت نسبی و امیدواری برای آینده نسبتاً روشنی که خیلی تاریک می نمود.**

● **محمد حسن احسانی (شغل) :** خیاط، میزان سواد: ابتدایی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **یک امنیت نسبی به وجود آورد.**

● **علی حسین جعفری (شغل) :** طلبه، میزان سواد: دروس خارج، سفر به افغانستان داشته است.

● **برقراری امنیت نسبی و اعاده حیثیت برادر فتنه افغانستان.**

● **غلام نساء خاوری (شغل) :** معلم مدارس خودگردان مهاجرین، میزان سواد: دیپلم انسانی، سفر به داخل نداشته است.

● **برگشتن آرامش نسبی که زمینه را فراهم کرده است برای بازگشایی مدارس و نقطه امید است برای سازندگی کشور و این که برای اولین بار ما هم در دنیا قدر و ارزشی پیدا کرده ایم و دارای دولتی هماهنگ و مرکزی شده ایم و برقراری همسانی بین زنان و مردان در جامعه.**

● **محمد صالحی (شغل) :** طلبه حوزه علمیه، میزان سواد: دروس خارج فقه، سفر به افغانستان داشته است.

● **به نظر بنده دولت موقت در زمینه ارتباطات بین المللی موفق بوده و در ایجاد امنیت تا حدودی پیشرفت داشته است.**

● **حسین حسینی (شغل) :** روفوگری فرش، میزان سواد: دیپلم صنایع شیمیایی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **مردم را امیدوار کرد که ما بعد از سال ها صاحب دولتی مستقل شده ایم.**

● **ناظر حسین حلیمی (شغل) :** معلم، میزان سواد: فوق لیسانس ریاضی محض، تازه از افغانستان بازگشته است.

● **همنین که یک دولت به وجود آمد، خیلی توفیق برای افغانستان است.**

● **جواد محقق (شغل) :** فعلاً مغازه لباس دارد، میزان سواد: لیسانس جامعه شناسی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **ایجاد یک دولت با حضور تقریبی نمایندگان طیف ها و اقوام مختلف افغان.**

● **رحیمه میرزایی (شغل) :** ...، میزان سواد: دیپلم انسانی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **به نظر من ایجاد یک دولت فراگیر که همه احزاب تا حدودی در آن شرکت داشتند و نیز شرکت زنان در صحنه سیاسی یکی از درجه های روشن این دولت شش ماهه می باشد.**



● **علی خاوری (شغل) :** مترجم، میزان سواد: لیسان زبان فرانسوی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **نقطه روشن این اداره را می توان در آن دانست که چتر حکومت، کمی وسیع تر شده است.**

● **کبری حبیبری (شغل) :** دانشجو، میزان سواد: سال چهارم دکترای پزشکی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **به نظر بنده سیاست های لازم را در زمینه برقراری یک دولت مرکزی قدرتمند آغاز کرد.**

● **نیلولفر مهدی زاده کابلی (شغل) :** دانشجو، میزان سواد: دانشجوی کار دانی مامایی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **ایجاد وحدت ملی بعد از کلی جنگ و برادر کشی و در نتیجه ایجاد یک دولت انتقالی در افغانستان.**

● **سید ابراهیم حسینی (شغل) :** مساری، میزان سواد: پایه هشتم در افغانستان، سفر به افغانستان نداشته است.

● **از نظر این جانب نقطه روشنی نداشت.**

● **ناظمه طاهری (شغل) :** شاعر، میزان سواد: دیپلم، سفر به افغانستان نداشته است.

● **همچ نقطه روشنی نمی بینم. متشکرم.**

● **سید حسین حسینی (شغل) :** مغازه دار، میزان سواد: بیسواد، سفر به افغانستان نداشته است.

● **کدام روشنی نداشته و اگر نه ما به وطن برمی گشیم.**

● **آقای ... (اسم محفوظ) (شغل) :** آئینز، میزان سواد: بیسواد، سفر به افغانستان نداشته است.

● **والله هیچ نقطه روشنی نداشته، شعار زیاد، عمل نه. کدام گفتار خود را عمل کرده؟**

● **محمد علی واعظی (شغل) :** ...، میزان سواد: لیسانس مهندسی کشاورزی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **به نظر من دولت موقت اگر نقطه روشنی در کارنامه اش داشته باشد، آن فقط گشودن روزنه امیدی برای بازگشت صلح است و دیگر هیچ.**

● **محمد واحدی (شغل) :** طلبه حوزه علمیه، میزان سواد: لیسانس حقوق و دروس خارج فقه حوزه، سفر به افغانستان نداشته است.

● **مهمترین دستاوردهای اداره موقت ایجاد روزنه امید به مردم و مخصوصاً قشر تحصیل کرده به آینده شان و مشارکت و سهم گیری اقوام در حاکمیت و نظام کشور است.**

● **محمد خدادادی (شغل) :** گچباز، میزان سواد: لیسانس زمین شناسی، عضو لویه جرگه اضطراری.

● **بازسازی روابط سیاسی افغانستان با سایر دول جهان بر اساس احترام متقابل و پیگیری سیاست تشنج زدایی با همسایگان و کشورهای دخیل در امور افغانستان که نتیجه آن اعاده حیثیت سیاسی کشور در جامعه**



نمایان آندیشده

جهانی بود از اهم دستاوردهای دولت موقت در بعد خارجی می باشد. اما در ساحه داخلی تدام روند صلح در راستای موافقت نامه بن، تلاش در جهت وفاق و وحدت ملی، تدویر لویه جرگه اضطراری.

● **داوود حسینی (شغل) :** تولیدی جوراب، میزان سواد: لیسانس علوم سیاسی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **به نظر این جانب تنها نقطه روشنی که می توان ذکر نمود، این است حداقل جوی را به وجود آورد که مردم بتوانند باز دیگر سیاسی شوند، درباره آینده خود نگران شوند زیرا متأسفانه جو گذشته نوعی سیاست زدگی ایجاد نموده بود.**

● **بلیس جعفری علوی (شغل) :** دانشجو، میزان سواد: کارشناسی زبان خارجی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **تنها نقطه روشنی به نظر من در زمینه سیاست خارجی بود که مهم ترین وجه آن سفرهای آقای کرزی به کشورهای مختلف و بعضاً متضاد بود.**

● **علی اکبر فیاض (شغل) :** معلم تاریخ، میزان سواد: لیسانس جامعه شناسی، سفر به افغانستان داشته است.

● **در خوش بینی مردم از این اداره. در این سه قرن، مردم افغانستان نسبت به این اداره از تمام اداره های دیگر خوشبین تر بوده اند.**

● **علیدوست غلامیان (میزان سواد) :** دیپلم کامپیوتر، سفر به افغانستان نداشته است.

● **برپایه و حمایت دولت مردان غرب استوار شده و الحصار طالبان از بین خواهد رفت.**

● **سید مقصود خوشبخت (شغل) :** هنرمند، میزان سواد: دیپلم زراعت، سفر به افغانستان نداشته است.

● **دولت شش ماهه موقت نقاط روشنی زیادی را دارا بوده که از آن جمله می توان به روشن نمودن حقوق زن در افغانستان اشاره کرد.**

● **حسن عزیز (شغل) :** کارگر، میزان سواد: بی سواد، سفر به افغانستان نداشته است.

● **جمع کردن و سرهم کردن مردم.**

● **حسن غلامپور (میزان سواد) :** دانشجوی کارشناسی اقتصاد بازرگانی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **به نظر من تحولات اقتصادی و مشخصاً فرارود عبور خط لوله گاز و نفت می تواند مهم ترین نقطه قوت این دولت شش ماهه باشد.**

● **رسول غلامی (شغل) :** سوداگر دست فروش، میزان سواد: بیسواد، سفر به افغانستان نداشته است.

● **دست مردم شیعہ باز شد.**

● **محمد ابراهیمی (شغل) :** مغازه دار لوازم خانگی، میزان سواد: بیسواد، سفر به افغانستان نداشته است.

● **برای ملت و دولت خود خدمت کرد.**

● **اسماعیل غلامی (شغل) :** بیکار، میزان سواد: لیسانس علوم سیاسی (نایبنا)، سفر به افغانستان نداشته است.

● **از نظر من تقریباً اعتماد مردم را جلب کرد.**

● **محمد علی رحیمی (شغل) :** طلبه حوزه علمیه، میزان سواد: دروس خارج حوزه، سفر به افغانستان داشته است.

● **حرکت به سوی فضای باز سیاسی و اجتماعی.**

● **سید حکیم پیش (شغل) :** بیکار، میزان سواد: لیسانس شیمی، سفر به افغانستان نداشته است.



● **در یک کلمه مستعد کردن ذهن جهان برای یک در افغانستان و جلب امکانات برای بازسازی افغانستان.**

● **حسمنعلی غلامی (میزان سواد) :** دانشجوی فوق لیسانس زمین شناسی، سفر به افغانستان داشته است.

● **نقطه شروعی برای رسیدن به افغانستان بدون جنگ و کورسوس برای افغانستان فردا.**

● **زیه نظری (میزان سواد) :** دانشجوی کارشناسی حسابداری، سفر به افغانستان نداشته است.

● **بعد از آن همه جنگ و خونریزی مهم نقطه روشنی برای کشورمان ایجاد شد.**

● **علی کریمی (شغل) :** دانشجوی دوره تخصصی پزشکی، میزان سواد: دکترای پزشکی، سفر به افغانستان نداشته است.

● **فقط تشکیل لویه جرگه.**

● **طالب حسین موحد (شغل) :** طلبه حوزه علمیه، سفر به افغانستان داشته است.

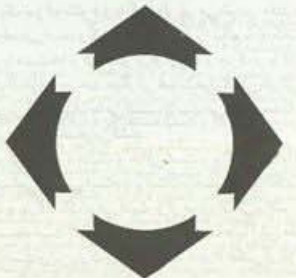
● **تدویر لویه جرگه اضطراری در فضای بیست سال جنگ و خشونت قومی افغانستان و شعارهای بسیار آرمانی کرزی در سخنرانی هایش در سفر تهران و بامیان و معامله ننگین ایشان پس از کسب قدرت و مشروعت با شورای نظار.**

● **جواد حلیمی (شغل) :** مغازه تاپب و تکثیر، میزان سواد: ...، سفر به افغانستان نداشته است.

● **همه اقشار جامعه در جهت پیشرفت کارهای فرهنگی گام برداشته اند.**

نتیجه:

از مجموع ۴۶ نفر، سیزده نفر (۲۸٪) گفته اند که نقطه روشنی اداره موقت شش ماهه ایجاد امنیت نسبی بوده است. هفت نفر (۱۵٪) نقطه روشنی اداره شش ماهه را در تشکیل یک نهاد حکومتی با قاعده وسیع تر دانسته اند. چهار نفر (۸٪) به طور کلی اداره شش ماهه را تاریک اعلام کرده اند و بقیه نظرات متفاوت و مختلفی ارائه نموده اند. بدین ترتیب، از دید افرادی که نظر خواهی شده اند، نسبتاً نقطه مثبت و روشنی اداره موقت شش ماهه افغانستان، ایجاد امنیت و آرامش نسبی در افغانستان می باشد. به طور قطع همین نقطه یکی از قوت های اداره شش ماهه بوده است و در ذات خود کاری است درخشان و روشنی.





# کابل، شهر زخمی

□ سید اسحاق شجاعی



شنبه ۱۳۸۰/۱۲/۱۱

روز زیبایی است، روزی که می‌خواهم پایتخت کشورم و قلب تپنده آن را از نزدیک ببینم. آفتاب کم‌رنگی شهر کابل را چون پرده سفیدی پوشانده است. اول صبح، همه چیز دیدنی و لمس کردنی است و من سخت تشنه این دیدارم و کوشش می‌کنم کسی و چیزی را نادیده نبرنم.

اول از همه صف بایسکل سواراست که به فراوانی در هر کوچه و سرک دیده می‌شود، پیر و جوان و خرد و کلان، دوم موترهای مدل بالا و پشترفته و همگی هم جاپانی است. تاکسی‌ها با رنگ زرد و سرخ و بیشتر فرمان به چپ هستند، اما موترهای دیگر مانند کروالا، توتس، فلاین کوچ، سراجچه، صلف و... همگی فرمان به راست دارند و این خود نشانه بی‌نظمی و نبودن حساب و کتاب در کشور است که نمونه آن را در ناهماهنگی فرمان موترها مشاهده می‌کنیم.

موترهای سفارت خانه‌ها و مؤسسات خارجی بی‌آرم‌ها و نشانه‌های خود به تعداد زیادی در سرک‌ها در توده اند و حکایت از حضور انبوه خارجی‌ها در افغانستان دارند و هر بیننده‌ای را به یاد گذشته نه چندان دور حاکمیت طالبان، حمله آمریکا و کشورهای دیگر غربی و نقش ملل متحد در برقراری صلح و امنیت و آوردن اداره موقت می‌اندازند. البته نیروهای ISAF که نظامیان حافظ صلح ملل متحد هستند و از ۱۹ کشور تشکیل شده‌اند، جای خود دارند و در شهر دائماً در گشت و گذار می‌باشند.

ابتدا از یک سرک شلوغ و با گیرودار تیر می‌شویم. دکان‌های دو طرف سرک قصابی است و گوشت‌فرو و گاو را سالم به چنگ زده‌اند و قصاب‌ها با دست‌ها و کالاهای پر از چربی و چرک و با کاردی در دست اطراف آن‌ها می‌چرخند. دیگرانی هم مشغول کشتن حیوانی هستند در کنار جوی بی‌آب. همان‌جا می‌کشند، پوست می‌کنند و بعد به چنگک می‌زنند و در نهایت به سیخ می‌کشند.

پارک مرکزی شهر، خشک و خاکی است و پر از آشغال با درختان برهنه که احساس می‌کنی ایستادن برایشان زحمتی است کلان. مابین پارک، گنبد و پارک باشکوهی است و از موتروان می‌پرسم: «خلیفه جان! این مسجد است؟» جواب می‌دهد: «نه صاحب! این مقبره امیر عبدالرحمان است و این پارک زرنگار است.» دو تا عکس از پارک امیر

می‌اندام و بس، خلاص.

لوحة ریاست کتابخانه‌های عامه را می‌خوانم و به «لیسه استقلال» می‌رسم که پس از لیسه حبیب از معروف ترین مدارس قدیمی کابل است و هر کدام گذشته‌ای پر از قصه و غصه دارند و چقدر در تحولات فرهنگی و اجتماعی کشور مؤثر بوده‌اند. لیسه استقلال در اصل توسط کشور فرانسه ساخته شده بوده، اما در جریان جنگ‌های نیروهای متخاصم در شهر کابل، از شور و نشاط و ذوق واقع از نفس افتاده، شیشه‌ها شکسته ریخته، درها و پنجره‌ها به غارت رفته، کورج‌ها، چوکی‌ها و میزها تکه و پاره و زیر خرده شیشه‌ها و خاک‌ها و آجرها گم و ناپیدا هستند. در حال حاضر یک مؤسسه غیره فرانسوی کار بازسازی لیسه استقلال و لیسه ملالی را شروع کرده و بسیار هم فزونی کار می‌کند تا برای سال تحصیلی جدید که زیاد هم نمانده آماده کند.

اول باغ عمومی، بیش از هر جای دیگر شهر کابل گیرودار و شلوغی دارد. رفت و آمدها، موترهای بسیار و دست فروش‌ها و بی‌سظمی‌ها که در اطراف پل‌ها و رودخانه به عرضه متاع خویش مشغول می‌باشند. در یک گوشه می‌بینم که دو تا پلیس، مرد پیری را همراه بساط ناپیش که چند بسته نامی یا چند تکه کپته کالای خارجی یا جوراب کپته است به سمت می‌کشند تا او را از مسیر عبور و مرور مردم دور کنند. پیرمرد به زمین چسبیده و با چنگ و دندان زمین را محکم گرفته است. یکی از پلیس‌ها سیلی محکمی حواله صورت پیرمرد می‌کند و او را مانند کپته پلیسی از جایش می‌کند و به جای دیگری پرتاب می‌کند.

تو قلیت از جایش کنده می‌شود و بر خود می‌لرزی و آن پیرمرد با آن متاعش می‌خواهد شب برای بچه‌هایش نان بخرد، تانی که سه لقمه بیشتر نمی‌شود و دوهزار افغانی قیمت دارد. یک دانه تخم مرغ خرد دوهزار و پانصد...

از جانب دیگر، شاید چند سالی است که دو این شهر نه شازوایی فعال بوده و نه پلیس، هر کسی، هر کاری که ضرورت بوده می‌کرده به همین دلیل دوره کردها، دستفروش‌ها، گداها، دیورها، و... در همه جا می‌لوند و مزاحم همگی هستند. سرک‌ها و کوچه‌ها و بازارها پر از آشغال، خاک و بوی گند است. حالا آرام آرام پلیس در شهر دیده می‌شود و برای بقراری نظم تلاش می‌کند. شازوایی به پاکستانی سرک‌ها و گلرگاه‌ها مشغول شده، یعنی که زندگی از سر گرفته شده، البته پس از یک خواب طولانی و همگانی و این همان چیزی است که لحظه به لحظه

در ذهن آدم خطور می‌کند.

سه شنبه ۱۳۸۰/۱۲/۱۴

از پل باغ عمومی به سمت غرب کابل می‌روم. از کنار مسجد باشکوه «شاه دو شمشیره» تیر می‌شوم، دو طرف کوه است و پایین دره‌ای که یک جاده و یک رودخانه دارد که سابق آب داشته است. این گلرگاه دهم‌زنگ است، با این توضیح که یک رشته کوه شهر کابل را به دو قسمت شرق و غرب تقسیم کرده و دو گلرگاه دهم‌زنگ و کوتل باغ بالا این دو پاره از شهر را به هم وصل می‌کنند.

نام دهم‌زنگ مرا به یاد زندان مخوف دهم‌زنگ می‌اندازد که در زمان رژیم‌های گذشته قفس مردان مبارز و آزادیخواه بوده است. به یاد علامه شهید سید اسماعیل بلخی که پانزده سال در دهم‌زنگ در بند بود. از دیور می‌پرسم: «زندان دهم‌زنگ در کجاست؟» جواب می‌دهد: «نا چند لحظه دیگر می‌رسیم.»

به یک چوک می‌رسیم. دست راست ساختمانی است که اسکلتی از



کابل، ساختمان وزارت مخابرات

آن بر جای مانده و آثار زخم‌های بسیار و عمیقی بر تن دارد. دیور با انگشت آن را نشان می‌دهد و می‌گوید: «این در سابق ریاست ترافیک کابل بود و پشت آن، زندان دهم‌زنگ است. از نگاه می‌کنم چیزی از آن سلولهای افرادی، نازکخانه‌های مخوف و زیرزمین‌های نامر باقی نمانده. در اثر جنگ‌ها از زندان دهم‌زنگ فقط نشانه‌هایی باقی مانده و دیگر تبدیل به تل خاک شده است.»

می‌خواهم پیاده شده نزدیکتر بروم و عکس بگیرم، اما دیور می‌گوید: «ماین دارد، خطرناک است. نروید.» بسیار خوب نمی‌روم. به سمت چپ و جاده دارالامان می‌چرخیم و می‌خواهیم به کازته سه و پل سرخ برویم...

پنجشنبه ۸۰/۱۲/۱۶

دکتر اتحادیه فرهنگیان افغانستان در شرق شهر است و امروز آقای رفعت رئیس اتحادیه موتر کروالی اتحادیه را در اختیار ما گذاشته که برویم و بوتهون یا دانشگاه کابل را بازدید کنیم. از قسمتی از تابلوی و کارته پروان می‌گذریم و به گونده باغ بالا می‌رویم. سر گردنه که می‌رسیم، هم شرق شهر زیر پایمان است و هم غرب شهر. دست چپ

در کم‌رکش کوه تا جایی که ممکن بوده خانه ساخته‌اند و بیشتر درخت و آمد و آوردن نان و آب مشکلات دارند. دست راست یک تپه به گفته افغانی‌ها یک تعمیر بزرگ و زیبا چشم را نوازش می‌دهد. این هوئل معروف اتنی کانتینتال است، یکی از هوئل‌های زنجیره‌ای در جهان و به گفته آگاهان بهترین آنها در خاورمیانه در عصر خودش. اما اکنون خاک گرفته، تکیه و توسری خورده مانند پیرزنی افتاده در یک گوشه. از کنار پولی تختیک و سیلوی کابل می‌گذریم و اندکی پیشتر وارد محوطه دانشگاه کابل می‌شویم. زیبا، پر درخت، و وسیع و رهاش و واژه‌هایی است که فورا به ذهنم می‌آیند.

بوتهون زیر کافرکوه قرار گرفته و در یک فضای بزرگ ساخته شده است. همه جا درخت‌های کاج تازه و سرک‌هایی است که هر کدام به یک بوتهون یا دانشکده می‌رسد. باغ‌ها و باغچه‌های زیادی دیده می‌شود، اما همگی دست نخورده و آرایش و پیرایش ندیده با برگهای خشک و خاشاک و سنگ و چوب‌اند. با خود می‌گویم: «لابد روزی رنگ و روغن داشته‌اند و زرق و برق و حالا پس از سال‌ها جنگ و در این هوای زمستانی ماه حوت البته که از نفس افتاده است.»

... دیدن مقبره سیدجمال الدین افغانی از آرزوهای دیرینه است، عکس‌هایی از آن دیده‌ام و حالا می‌خواهم هم از نزدیک ببینم و لمس کنم و هم خودم از آن عکس بگیرم. مقبره سید در محوطه‌ای باز و در میان درختان ناخوش از دور دیده می‌شود و سنگ‌های سیاهی در تابش آفتاب زمستانی برق می‌زنند. خودم را می‌رسانم. بزرگ و زیبا و باشکوه است، مانند خود سید، اما از دیدن آن، از افغانی بودن خود شرم‌منده و بیزار می‌شوم و از انسان بودن نیز. مقبره در جنگهای چندین ساله بین گروه‌های متخاصم از چهار جانب هدف سلاح‌های سبک و سنگین قرار گرفته و چون دیگر ساختمان‌ها و تأسیسات بوتهون زخمی و خونین و تکه تکه شده است. یک گروه بوتهون را تسخیر کرده بود و گروه دیگر بر سر کافرکوه مستقر بود که کاملاً بر بوتهون مشرف و مسلط است...

تعدادی خارج اینجا و آن‌جا در گشت و گذار و مشغول گرفتن عکس و فیلم هستند و یک لحظه به این فکر می‌کنم که این خارجی‌ها که این همه ویرانه‌های شهر، خزانه‌های دانشگاه و بیکر پاره پاره مقبره سید جمال را می‌بینند، به ما افغانها چه خواهند گفت؟ چه صفتی را مناسب برای ما پیدا خواهند کرد؟ و آیا باور خواهند کرد که ما افغانها با دست خود شهر و کشور خود را نابود کرده‌ایم و سرمایه‌های خود را از بین برده و خود را به خاک سپاه نشاندیم؟

پنجشنبه ۱۳۸۱/۱۲/۲۵

شهر یلخمری - مرکز ولایت بغلان - در زیر باران نرم بهاری لحظه به لحظه تر و تازه تر می‌شود. مردم در زیر باران در حال رفت و آمد و خرید و فروش و کار و کسب هستند. من و میلاد جان در طبقه دوم جنزان هوئل، پشت پنجره نشسته‌ایم و شهر غرق در باران را تماشا می‌کنیم.

یلخمری یکی از بهترین شهرهای افغانستان است. کوه و دریا و طبیعت بی نظیری و نعمت‌های فراوان، همگی یکجا در این شهر جمع شده‌اند. از خنجان دانسته شمالی هندوکش و سالنگ است تا شهر یلخمری بلکه تا مزار شریف، یک جلگه هموار و سرسبز با دریای خروشان افتاده. جاده پخته، هموار و آباد و بیش از سه ساعت راه و





داکتر در کنار کوه و در این فصل و این روزها چقدر خروشان و مست است دریا و جنگل سبز و گلزار آن است کوه‌های دو طرف جلگه. بهترین چیزی که در طبیعت تماشایش مانهوش می‌کند، دریاست و همین لحظه هم از تماشای دریا آمده‌ایم. دریا در کنار شهر باهتر است و چون در میانه شهر جاری است، دریای آرام، خاموش اما وسیع و حقیق، طوری که اگر دقت نکنی، در جاهایی متوجه نمی‌شوی که از کجا می‌آید و به کدام سمت می‌رود. این حاشیه دریا، شهر بلخمری است و آن طرفش کوه‌های بلند زیبا و پوشیده از درخت و جنگل و غلب. در کمرکش کوه، خانه‌های ساخته اند مشرف بر دریا و روی دریا و وقتی در حویلی خانه ات نشسته‌ای، انگار روی دریا سواری یا در کشی نشسته و با دریا همراهی هستی.

بلخمری شهری سنتی اما زیباتر و چشم نوازتر از هر شهر دیگری در افغانستان است. زن‌ها همگی چادری دارند، اما از حرکاتشان در بازار پنداست که از آن ناراضی هستند و از روزنه‌های آن به بیرون زندان دقیق خیره می‌شوند یا می‌خواهند دیگران خیره شوند.

در دو روزی که در بلخمری می‌مانیم، م از مراکز و نهادهای شهر بازدید می‌کنیم مانند اطلاعات، فرهنگ، مطبوعه دولتی، جریده اتحاد، رادیو و تلویزیون، مسوولین فرهنگی به گرمی از ما استقبال می‌کنند. خبر حضور ما و دیدارمان از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود. رئیس اطلاعات و فرهنگ جوانی است تحصیل کرده و با تجربه عضو جمعیت اسلامی به نام نجیب‌الله احرار، از نشریه اندیشه نو که ما در اتحادیه فرهنگی در کابل نشر کرده‌ایم بسیار استقبال می‌کنند و پیشنهاد همکاری‌های متقابل و غیر ذلك.

امکانات فرهنگی بسیار ناچیز است. اتحادیه جریده‌ای است که در سال ۱۳۰۰ شمسی شروع به کار کرده، اما هنوز از نظر امکانات چاپ در همان آغاز فعالیت خود قرار دارد و در مطبوعه‌ای سنگی حرف‌چینی و چاپ می‌شود که خود همین قدمت را دارد و هر دو در یک تاریخ به وجود آمده‌اند. رادیو و تلویزیون روزانه چهار ساعت برنامه دارد، با وسایل ابتدایی در یک اتاق کوچک و یک دستگاه ویدیو و هر برنامه را در یک کاست تهیه و با همدان ویدیو پخش می‌کنند. با تمام شدن آن برنامه، کاست را از ویدیو می‌کشند و کاست دیگر می‌گذارند که در واقع برنامه بعدی است. رئیس رادیو و تلویزیون آقا صاحب سید عبدالله است و تهیه کننده و گوینده برنامه‌ها نصیرجان است که خود رئیس ژانرس باختر نیز می‌باشد...

**سرپل، شهر یک‌های مست**  
دوشنبه ۱۳۸۱/۲/۲

دیروز به همراه هیأت انتخابات لویه جرگه به شهر سرپل مرکز ولایت سرپل آمده‌ام. شب، مهمان والی تاج محمد خان کوهی بوده‌ایم و قرار شده انتخابات روز پنج‌شنبه در مرکز ولایت برگزار شود. این چند روز وقت دارم که شهر سرپل را بگردم. به ویژه که از کودکی و نوجوانی در این شهر خاطراتی دارم. توضیحاً باید بگویم که از تاریخ ۲۷ حمل ۱۳۸۱ عضو کمیسیون انتخابات لویه جرگه - هفتم مرکزی مزار شریف - در پنج ولایت بلخ، جوزجان، سرپل، هارپاب و مستغان هفتم و به عنوان ژورنالیست هیأت و مسوول کمیسیون تبلیغات هسته مرکزی وظیفه دارم برنامه‌های تبلیغاتی و فرهنگی و اخبار رادیو و تلویزیون و مطبوعات را

در رابطه با انتخابات لویه جرگه هماهنگ نمایم و به همراه هیأت‌های نظارت پنج ولایت در صحنه‌های انتخاباتی حضور یابم. چهار سال پشت سرهم در کشور ما خشکسالی بوده‌است. خشکسالی مانند یک هیولا همه چیز را خورده و از بین برده. پایه‌های اصلی اقتصاد مردم افغانستان یکی زراعت است و دیگری مانداری و خشکسالی دقیقاً همین دو را هدف گرفته و نابود کرده‌است. اما اسامال تا دلت بخواهد، برف و باران از آسمان بر سر کشور ریخته و مردم آن را به فال نیک گرفته به آمدن دولت جدید مربوط می‌دانند، چنان که خشک آبی چهارساله را با حضور چهار ساله طالبان قرین و مرتبط می‌پندارند. به ویژه شمال افغانستان اسامال و در این فصل لاله باران است. اطراف مزار شریف، دره‌های مارمل، کوه‌های چهار کنت، البرز، دشت‌های بلخ، دولت‌آباد، چهار بولک، چمنال، شولگره، اندخوی، حریان و... پوشیده از علف و گل‌های رنگارنگ به ویژه گل‌لاله است. حتی سنگ‌ها و کوه‌ها چادر سبز به سر دارند.

این سبزیپوشی در سرپل به اوج خود رسیده، به طوری که وقتی سرپل



کابل، سینما بهارستان

را از سمت شیرخان یا از سیدآباد ببینی، تمام دشت‌ها و کوه‌های آن را سیاه می‌بینی، سیاه تیره و قیرگون.

گادی‌ای پیدا کرده سوار می‌شوم و به سمت شرق شهر و با قصد زیارت حضرت یحیی بن زید بن زین العابدین (ع) حرکت می‌کنم. از روی پل تاریخی و دریای سرپل می‌گذرم. دریای خروشان و گل‌آلود و سیاه آلوده مست از زیر پایم تیر می‌شود. دریا شهر را به دو قسمت شرق و غرب تقسیم می‌کند، شرق، بخش قدیمی شهر است و غرب، شهر نو. در سرپل دو امامزاده است، یکی حضرت یحیی که معروف به امام خرد است در شرق و دیگری امام کلان که در غرب شهر موقعیت دارد و هر دو از امام زادگان بزرگ گوراند و زیارتگاه خاص و عام، شیعه و سنی. سرپل از شهرهای شلوغ و زیارتی افغانستان است که در فصل‌های خاصی از دور و نزدیک مردم برای زیارت به آن سرازیر می‌شوند.

از کوه‌های تنگ و پیچ‌پیچ و خاکی می‌گذرم، همه جا بل است و جوی‌های لریز از آب و بارانی که همیشه از آسمان سرازیر است. سرپل از پیش از انقلاب و تقریباً از ۳۰ سال به این طرف هیچ تغییری نکرده همه چیز سرچاش است و شاید به ندرت خانه‌ای ساخته شده باشد و کز آن خاطر جمعی و امنیت و اقتصاد که خانه ساخته شود؟ کوه‌های تنگ

و دیوارهای کاهگلی و بام‌های پست را به خوبی می‌شناسم. همگی همان است که بوده، تنها موثرتر، کهنه‌تر و ریخته‌تر شده و رنگ و بوی کهنگی را بیشتر به نمایش می‌گذارند و این سرنوشته افغانستان در ۲۲ سال جنگ بوده است.

خرد که بودیم، پدر ما را برای زیارت با خود می‌آورد و معمولاً کاروانی می‌آمدیم. نزدیک امام خرد سرائی بود که بالاخانه داشت و ما یک اتاق می‌گرفتم و چند شبی می‌ماندیم و از پنجره‌هایش رفت و آمد و خرید و فروش و زوارهای امام را تماشا می‌کردیم و غریب لذت می‌شدیم و بعد یکی از گادی‌های گل پوش و آراسته به زنگها و قابله‌ها را انتخاب می‌کردیم و صد افغانی می‌دادیم و سوار می‌شدیم و برای زیارت امام کلان می‌رفتم به غرب شهر. آن وقت‌ها بخش اصلی شهر همین شرق شهر بود و شهر نو تازه تأسیس شده و هنوز فعال نشده بود. حالا مرکز شهر، شهر نو و اطراف آن و اطراف پارک شهر است. اکنون بازار شهر نو به کهرلت رسیده و جنب و جوش و رفت و آمد بسیاری دارد، مدارس و پارک شهر، ادارات دولتی و بخش اعیان نشین شهر محسوب می‌شود. شرق شهر که در آن مقبره امام یحیی موقعیت دارد، از رونق افتاده و از نفس افتاده و متروک است. حضرت یحیی در دل تپه‌ای که در آن قبرستانی است و در محاصره درختان تاجو غریب، تنها و بیرنگ و رونق است، اکنون این امام زاده شهید گرفتار همان بیکی و غریبی شده است که در زندگی بدان مبتلا بود و این سرنوشته همه مردان حق است.

**اندخوی، بونده‌یازی و...**  
شنبه ۱۳۸۱/۲/۷

برای برگزاری انتخابات لویه جرگه اضطراری به شهر اندخوی از ولایت فلاریاب آمده‌ایم. دیشب را در مهمانخانه شهرداری اندخوی گذرانیدیم. امروز انتخابات در ولسوالی‌های قرغان و قرم قل است و فردا در خورآندخوی.

نازه آفتاب بر سر شهر خیمه زده، از مهمانخانه خارج می‌شوم. دم در مهمانخانه ایستاد شده و اطرافم را تماشا می‌کنم. ساخت شهر اندخوی مدرن و به اصطلاح عصری است و بر اساس نقشه پخته و آینده دار ساخته شده. سرک‌ها عرض اند و کوجه‌ها راست و بزرگ. اما باران فراوان تمام سرک‌ها و راه‌های خاکی را گل‌آلود کرده و ماشین‌های بسیاری به ویژه ماشین‌های ۱۸ چرخ و تریلی‌های ایرانی و ترکمنستانی در میان گل‌ها فرو رفته و برخی از آن‌ها بیست روز و یک ماه جابه‌جا مانده‌اند با بارهایی که برای شمال افغانستان با خود به همراه آورده‌اند.

اندخوی به مرز ترکمنستان نزدیک است. در مرز، بنلو آق کینه است که تا اندخوی سی کیلومتر فاصله دارد و برای ایرانی و ترکمنستان از شمال افغانستان نزدیکترین مسیر انتقال اجناس است. به همین دلیل اندخوی آینده بسیار خوبی در پیش دارد.

مابین شهر یک چوک یا میدان بزرگ است و تعمیر بزرگ در دو طبقه در وسط این میدان ساخته شده و در و پنجره‌هایش انگار که مسجد باشد. آنچه جالب است این است که در چهار گوشه این تعمیر چهار لاسیکر یا بلندگو گذاشته شده که پر شور و قوی موسیقی ترکمنی و ازبکی پخش می‌کند، چنان که تمام شهر را زیر نفس گرفته است. اطراف آن را دور می‌زنم و به داخلش می‌روم. مسجدی است بزرگ و اساسی که طبقه اول آن تکمیل شده و طبقه دوم آن ناقص مانده است.

می‌خواهم اطلاعات بیشتری به دست بیاورم. اطراف مسجد چند گروه دور هم جمع هستند. نزدیک‌تر می‌روم. همگی مشغول بوده بازی یا بوده جنگ هستند. پیر و جوان، خرد و کلان هر کدام یک دانه بازی دانه بونده دارند و آن‌ها را با شرایطی و به نحو خاصی به میان چنگ می‌فرستند و شرط را می‌برند یا می‌بازند. یک مرد میانسال را کنار می‌کنم و می‌پرسم: «این تعمیر چیست و کی درست کرده‌ه؟ او اول خیره نگاهم



(عکس تزئینی است)

کرده و بعد جوابم را مفصل می‌دهد که خلاصه اش این است: «این مسجد است. طالبان که آمدند در مابین این چوک همین مسجد را ساختند، هر چه مردم التماس کردند که در اینجا چوک شهر است، اینجا درخت و باغ می‌شود قبول نکردند و این مسجد را ساختند و از نماز صبح تا نازک شدن هوا از همین چهار لاسیکر بدون وقفه تلاوت قرآن پخش می‌شد و مردم یک لحظه آرامش نداشتند. پس از طالبان و آمدن دوباره حاکمیت جنبش، این تعمیر همین گونه به حال خودش رها شده و معلوم نیست که خراب می‌شود یا غیر از مسجد چیز دیگری خواهد شد. اما از آن زمان از صبح زود تا تاریکی شب بدون وقفه از این چهار لاسیکر موسیقی ترکمنی و ازبکی پخش می‌شود...»







## از اسلام قلعه تا ارزگان

محمد علی رحیمی

### آن جا رنگ آسمان آبی نیست

از نقطه سفر مرزی، با کوله باری پر دوش در میان موجی از گرد و خاک، از جاده‌ای که در دو طرف آن ده‌های فرسوده چوبی، فلزی، کلبه‌های گلی، آهن پاره و آشغال به چشم می‌خورد، به سوی ترمینال در حرکتیم!

گردها و دودها و ورزش‌های تند فصلی هر چند لحظه یک‌بار بساط دستفروشان، صرافان و کامیابان را برهم می‌زند و ستون‌های غلیظی از خاک و آشغال در فضا می‌پیچد... آن جا رنگ آسمان آبی نیست، کسی از فضای سبز سخن نمی‌گوید.

در میان جمعیتی از تاجران، مسافران، رانندگان و کامیابان مرزی، در دو طرف مسیر بچه‌های خردسال و زنان نکیده در زیر برقع رنگ و روغنه، نظر انسان را به خود جلب می‌کنند که در پی کسب روزی از راه تکدی، این محیط سخت را تحمل می‌کنند. با دیدن این صحنه، تازه باورم می‌شود که وارد کشور چنگ‌زده‌ای شده‌ای و حس می‌کنی ۲۳ سال جنگ چه خاکستری بر جان نهاده و مدعیان چه تیری به سیزه و پوته گل‌زده و چه سنگی بر رخ آینه خاطر هاشم افکنده‌اند!

بالاخره به ترمینال نزدیک شلمیم. میدان وسیعی از موتورهایی جاپایی، نفر برهائی نظامی که با از جنگ شوروی در دست مردم باقی مانده و با از جنگ ایران و عراق جان سالم به در برده و اکنون از بازارهای مصرف افغانستان سر در آورده‌اند، جلب توجه می‌کنند. با موتوری به نام فلکوکج با کرایه هر نفر یکصد و سی هزار افغانی، ده‌سپار هرات می‌شویم، راه خیلی خراب است. در مسیر راه، ماشین آلات راهسازی ایران نظر ما را به خود جلب می‌کنند که قرار است راه اسلام قلعه-هرات را نوسازی و اسفالت کنند. در اول دهه هفتاد، هنگامی که مجاهدین به پیروزی رسیدند، نیز، ایران به نوسازی و اسفالت این مسیر همت گمارده بود، اما اکنون که کمتر از ده سال از آن موقع می‌گذرد، در بسیاری از مسافت‌ها، اثری از آن باقی نیست و مقداری هم که باقی است، به هیچ وجه قابل استفاده نمی‌باشد. اما این بار، به بخلاف دفعه قبل، گویا جدی‌تر مشغول زیرسازی آن و احداث پلچک و آب‌ریز طبق استاندارد راه‌سازی هستند.

**شوخی تلخ:**  
از هونل سفید کسی گذشته بودیم که یک سراجی به پنج سرشین مسلح، در حالی که صدای موسیقی از آن بلند بود، به موازات ما سبز شد و سرنشینان آن از همسفران ما ژانته ایرانی خواستند، اما کسی چنین کاستی در اختیار نداشت. آن‌ها با عجله زیاد از ما سبقت گرفتند. چند کیلومتر جلوتر، وقتی از دعاغ‌های گلشیم با راه بسته و چند نفر تفنگدار در دو طرف راه مواجه شدیم، راننده ما که آن‌ها را شناخته بود، خواست که دست از این کار بردارد و راه را باز کنند، اما آن‌ها با خنده‌های تلخ و

آزاردهنده‌ای به ما نزدیک می‌شدند. در این میان لحظه به لحظه از دو طرف به تعداد موتورها افزوده می‌شد. با این وضعیت، آن‌ها نمی‌توانستند به نیت خود جامعه عمل ببوشانند. در حالی که ناچار شده بودند راه را باز کنند، و انمود می‌کردند که قصد شوخی داشته‌اند.

### هرات بعد از طالبان:

هرات یکی از شهرهای مهم افغانستان است. اولین چیزی که در بدو ورود به این شهر نظر انسان را به خود جلب می‌کند، به ساری و نوسازی با امکانات و مصالح پیشرفته است که در دهه هفتاد به آن پرداخته‌اند. مناطق مسکونی شهر، به طور مشهودی توسعه یافته، اکثر خیابان‌های اصلی شهر اسفالت شده اما آوار و ویرانه‌های ناشی از جنگ در هر گوشه‌ای به حال خود باقی است.

امینت و حضور حکومت که عمدتاً از نیروهای محلی اسماعیل خان و حزب وحدت اسلامی تشکیل شده، به خوبی قابل احساس است. مردم نظر مساعدی نسبت به شرکت و سهم مشارکت اطراف در اداره شهر، نسبت به رعایت حقوق شهروندان بومی و غیر بومی از خود نشان می‌دهند، گرچند که بعضی به برخی از رفتارهای یک سویه، با مابه‌های قومی و جناحی نیز اشاره‌ای می‌نمایند.

بر سر در زیادی از معازنه‌های شهر، پارچه‌های سیاه آفتاب‌زده و فرسوده به چشم می‌خورد. علت را می‌پرسم: می‌گویند در سال ۸۰ هنگامی که طالبان طرح کودتایی را کشف و خشک کردند، تصمیم به جسی، تبعید و اخراج شهروندان شیعی هرات گرفتند. در پی چنین تصمیمی، از سوی آقای ولیدی، امام جمعه، عزای عمومی اعلام گردید. به دنبال آن در یک حرکت وسیع و هماهنگ، سحرگاه مردم چهره شهر را با آویختن این پارچه‌ها تغییر دادند. وقتی طالبان با این حرکت اجتماعی رو‌برو شدند، ناچار از تصمیم پاد شده دست برداشتند.

### قصه گرگ کشمیر:

در ادامه سفر از هرات به قندهار، باید از ولایات فراه و هلمند گذشت. شایعاتی هست که در این مسیر افرادی متسوب به طالبان به ربودن مسافران هزاره و یا سرتقت از آن‌ها دست می‌زنند، مگر این که نقاط پرخطر را در ساعات پر رفت و آمد پشت سر بگذاریم. سحرگاهی با موتور تیزروفتار از هرات حرکت می‌کنیم، اما سنگینی بار و خرابی راه موجب می‌شود که چندبار موتور دچار عوارض شود و در نتیجه نتوانیم در ساعات پر رفت و آمد از نقطه خطر عبور کنیم.

از فراه رود گذشته و به سیلگهای که اثری از آبادی در آن نبود رسیدیم بودیم که ناگهان مردی مسلح با زت و چهره طالب سر راه می‌رسد و دستور توقف داد. در حالی که در دهانش جوهر پخش ریخته بود و زیر لب چیزی با خود زمزمه می‌کرد، با نگاهی منشاانه چهار نفر از شش نفر سرشین را که هزاره بودیم، پیاده کرد و دستور داد که پشت تپه نزد قوماندان برویم!

در حالی که از تپه بالا می‌رفتم، قصه گرگ کشمیر را در ذهنم مرور نمودم. با مرور این قصه ندهیمیم که چگونه از تپه بالا رفتم! آن جا مردی میانسال با ریش بلند و جوگندی، تیره و مجذبه با کلاش به روی زانو بر پتوی پهن شده‌اش آرام نشسته، مسلسل در سمت چپ، دو مرد مسلح در چند قدمی او، یکی پشت دیوار مخروبه و دیگری کنار اسکلت نفریز سوخته در جایی که سلاح خود را به سوی ما نشانه گرفته بودند، به چشم می‌خورد. سلام گفتیم. دستور داد بنشینیم، اما قبل از نشستن علی‌رغم بی میلی او یا او مصافحه کردیم و نشینیم. در حالی که هر یک از چهار نفر را به نوبت زیر ذره بین نگاه آزاردهنده‌اش قرار می‌داد و یا بالا و پایین

کردن سرش گویا چیزی را در ذهنش تأیید می‌نمود، گفت: «شبهه هستید و هزاره؟» گفتیم: «بلی!» در همین هنگام هشت نفر هزاره دیگر نیز از موتوری دیگر به جمع ما افزوده شد. از آن‌ها نیز همین سوال تکرار شد. آنگاه به همه دستور داد: «ساک و وسایل خود را بردارید که شما را به قوماندانی بفرستیم تا به سزای اعمال خود برسید!» گفتیم: «قوماندان صاحب! گناه ما چیست؟» گفت: «شما گناه ندارید... هزاره‌اید، شیعه‌اید! شما در بامیان... این جا خانه‌ای نیست که یک طالب شهید نداشته باشد.» گفتیم: «ما که در بامیان نبوده‌ایم. از مهاجرینیم در ایران که تازه به وطن بازگشته‌ایم!» گفت: «ها! تا هنوز در ایران بوده‌اید. حال که طالبان رفته‌اند بر می‌گردید؟ بعد از کسی سکوت، با تندی گفت: «تصمیم بگیرید و وسایل خود را بر زمین دارید یا بدون وسایل شما را بفرستیم؟ بار دیگر تکرار نمی‌کنم!»

من که از همه نزدیکتر به او نشسته بودم، در حالی که حسابی ترسیده و به عوالم حرف او می‌اندیشیدم، به آرامی و دلخواه به او پیشنهاد نمودم که پول بگیرد و ما را رها کند!

به پیش از رفیق پرسید که «او چه می‌گوید؟» رفیق گفت: «او می‌گوید شما برای اسلام و امنیت مردم جهاد و خدمت می‌کنید و بر ما عزیز و محترم هستید. پس بر ما حق دارید که به شما کمک مالی بدهیم!» سکوت مرگباری همه را فراگرفته بود و منتظر عکس‌العمل این پیشنهاد بودیم. در حالی که دست به ریش بلند و بیخ‌پیش می‌کشید، تأملی کرد و گفت: «شما مردم غربی هستید! چند کمک می‌کنید؟» با شنیدن این سخن، همه نفس راحتی کشیدیم و رنگ به رخ همه برگشت. چون او را مجاهد و خادم اسلام خوانده بودیم، در تعیین مبلغ دچار مشخصه شده بود، تا این که بالاخره مبلغی را تعیین کرد و ما آن را پرداخت کردیم. هنگامی که با اجازه رخصت داد، با ملاحظت افرازش مواجه شدیم، لکن او به آن‌ها پرخاش کرد و گفت: «روی تصمیم می‌کنی سخن نگوی!»

### بگذارید چند صیاحی نفسی آرام بکشیم!

در ادامه سفر، در لشکرگاه مرکز و ولایت هلمند اقامت گزیدیم. در این حال از حضور آمریکا در افغانستان و برقراری حکومت حامد کرزی با شعور دید باز، حدود سه ماه سپری شده بود. در روایات مردم عادی نوعی از شادی و خوش بینی به فضای سیاسی موجود به خوبی احساس می‌شد. شبی در خانه یکی از همدستان آن شهر مهمان بودیم. تعدادی از



کودکان در حال بازگشت از مکتب (ارزگان-جوی نو)



میان آیدیشه



متفکین و موسیقیدان محلی نیز آن جا دعوت بودند. از ادوار و رفتار مهمانان پیدا بود که مار به آن‌ها معرفی کرده است. مدعین کمال کرده بودند که شاید ما سخن داریم علیه حضور امریکا و وضعیت سیاسی خاک و با حامل پیامی هستیم از سوی محافل سیاسی و تصمیم گیری کور ایران و با وارد فعالیت‌های سیاسی حزبی که سابقه‌ای نفرت انگیز و سخت‌نار دارد، می‌شویم، لذا یکی از مهمانان در حالی که من کوشید جندی، بدون حس و ژواید سخن بگوید گفت: «دو دهه است که در میان خاک و خون زندگی کرده‌ایم، اما مقاومت در برابر نامردمان را از یاد نبرده و پرچم هویت خود را ازنده نگه داشته‌ایم، بی آن که کسی سراغ ما را گرفته باشد.» گفت: «شاید تو قوی بیجا باشی، چون ممکن است اصلاً از این همه رنج کسی خبر نداشته باشی و همان به که کسی خبردار نشود، زیرا آن گاه که نتوانسته‌ای بی خبر بماتنظر از دلسوزی‌ها و پر مهری هایشان صورت‌مان کنی و برآمیده، زخم‌هامان چرکین و سوزناک و صدای دادخواهی‌مان در گلو خفه شده است. سال‌هاست که دیگر این سرنوشت را باور کرده‌ایم، مرگ ترمیمی خود را انتظار کشیده و بر مصیبت آن صبر نموده‌ایم. دیگر نه در ما توان ناله کردن باقی است و نه چشم امیدی به سوی کسی و نه کسی را طرخی و انگیزه‌ای! اکنون که فروپوشن برج این گوشه از عالم در یک جامعه متروک، فراموش شده و بحران زده چند صیاحی نفس آرامی بکشیم و غباری از چهره خود برداریم، بگذارید بار دیگر آسمان خانه ما ابری و سیاه نشود. ما که طعم نازیخانه خویش را چشیده‌ایم و سخن روشنفکران بی دین و دیندار را شنیده‌ایم، ما که دین گریبان مطلق اندیش را دیده و ضرب شصت‌شان را تحمل کرده‌ایم، اکنون که فکر ما خسته و روح ما رنجور است، بگذارید این مدعیان را هم تجربه کنیم!»

در حالی که بی‌الشکوائی او ادامه داشت و سخنانش توسط بقیه تأیید می‌شد، کوشید که آن را به پایان برساند.

به دنبال این اظهارات پر از احساسات و درد آن‌ها، گرچه از مشی معتدل و رفتار سنجیده سیاسی بر محور منافع و بر اساس حفظ هویت دینی، تاریخی، فرهنگی و ملی سخن به میان آمد و تبادل نظر شد، اما این گونه اظهارات که به هر حال بیانگر یک واقعیت و برخاسته از متن احساسات افراد و روان خودآگاه جامعه است و در واقع یازتایی است از ۲۳ سال تجربه فعالیت‌های سیاسی و مدیریت اجتماعی! نباید به طور ساده‌لوحانه‌ای از کنارش گذشت بلکه باید؛ اولاً این سخنان را خوب شنید و درست فهمید و ثانیاً ایجاب می‌کند که متن و رفتار سیاستمداران و مدیران محافل سیاسی در برابر این واقعیتها به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد و ثالثاً می‌تواند که احزاب و فعالان سیاسی - اجتماعی در برابر عرصه‌های جدید سیاسی به دور از گرایشهای مقطعی، حزبی و شخصی با تدبیر جدید، در مقیاس وسیعتری از گذشته متناسب با وضعیت جدید جاری وارد میدان شوند. در غیر این صورت، جامعه در مجرای سیر طبیعی جوشش افروخته‌نگی - سیاسی قرار گرفته و عرصه مناسبی خواهد شد برای سازمانهای خارجی موجود در کشور که با استفاده از خلاء حاکمیت متمرکز و مقتدر و زمینه‌های فراوان اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با افراد و اجتماع اس گرفته‌اند.

لازم به ذکر است که در طول سفر مکرراً از سوی نوعی از مخاطبان با چنین گمانه‌زنی‌هایی که به دنبال آن در موضع قرار گرفته‌اند مواجه بوده و یا آنها در این باب گفتگو کرده‌ایم.

### چهره قندهار بعد از طالبان

قندهار از بزرگترین شهرهای کشور است که در فاصله ۳۰۰ کیلومتری هلمند قرار دارد. ساخت و ساز گسترده به صورت بتون آرمه، جزیره قلمی شهر را دگرگون نموده و بیشتر خیابان‌های شهر آسفالت است که در زمان طالبان مرمت و بازسازی شده است. در کوچه و بازار آنکی‌های پفکی باج به شیوه مخصوص طالبان که حدود ۱۰ متر پارچه به صورت دو نیم خربوزه‌ای در دو طرف سر، روی هم پیچیده می‌شود، دیگری خیری نیست. اکثر آبا سر برهنه، یا کلاه، یا اسپیشل خاکستری و بعضاً با ریش اصلاح شده و با تراشیده هستند. خانم‌ها با برقع و دختر خانم‌ها اکثر با نیم چادری در خیابان‌ها به چشم می‌خورند. امنیت شهر تأمین است، اما نه مثل شهر هرات یا نیروهای وطنی، بلکه عمدتاً با گارد ویژه امنیتی آمریکا و انگلیس که با اندام‌های برجسته، قد بلند، موهای بور، چهره‌های گلابی‌تونی، لباس پانگی، آستین‌های برزده، مسلسل‌های خودکار دستی و سایر ابزار نظامی به‌طور پیوسته و به صورت چند نفری در سطح شهر گشت می‌زنند و این در حالی است که نیروهای محلی به ندرت دیده می‌شوند. چنین به نظر می‌رسد که حکومت محلی گل آقا شیرزی غیرمقتدر اما بیشتر پوششی و مصلحتی است برای نجات پشتون‌های جنوب و طالبان از تیررس جنگنده‌های غرب، زیرا هم اکنون برخی از سران و اشخاص طالبان که تحت تعقیب اند، در مناطقی از حوزه قندهار (شامل ولایات ارزگان، هلمند، غور و قندهار) در امنیت به سر می‌برند، با این‌که حتی گاهی افرادی منسوب به طالبان، در مسیرهای منتهی به این حوزه راه بر مسافران می‌گیرند و چنگ و دندان نشان می‌دهند، که این مسأله جزء خبرهای داغ و مایه نگرانی مسافران این مسیرهاست.

صدای موسیقی از مغازه‌های این شهر شنیده می‌شود. انواع کاست، ویدئو سی‌دی و پوستر خوانندگان و هنریشان در نوآفرینی‌ها به فروش می‌رسد، هتل‌ها با بخش موسیقی و نصب تلویزیون مجهز به دیش آنتن به کار و کاسی خود رونق داده و مسافران را سرگرم نگه می‌دارند. مدارس دینی از رونق افتاده و به جای آن مکاتب دولتی پسرانه از رونق بالایی برخوردار است. اما از مکاتب دخترانه مثل خیل از مناطق پشتون نشین خبری نیست. روحیه پشتون‌های این شهر به شدت آسیب دیده و به هیچ وجه علاقه‌ای ندارند که از مسائل سیاسی و وضعیت جاری سخنی به میان آید. به زعم آن‌ها فارسی زبان‌ها مسؤول وضعیت فعلی بوده‌اند و لذا تحمل هم سخن شدن با یک فارسی زبان برای آن‌ها دشوار است.

### لاشه‌های سوخته سخن می‌گویند

به سوی ارزگان، شهری که در ۲۶۰ کیلومتری قندهار واقع است، و هسپار می‌شویم. در مسیر راه، شهر تریز کورت قرار دارد، که هم‌زمان با حملات آمریکا علیه طالبان در زمستان ۸۰، پایگاه حامد کرزی بود. چند کیلومتر مانده به تریز کورت، لاشه‌های سوخته، قطعات پراکنده سلاح‌های سنگین و نفربرهای تانبرو طالبان در دو طرف جاده، نظر هر رهگذری را به خود جلب می‌کنند. در کنار هر لاشه سوخته، چندین پرچم به یادبود جان‌باختگان نصب شده است.

می‌گویند قطاری شامل حدود صد دستگاه نفربر حامل جنگجویان طالبان و عرب‌ها با تجهیزات نظامی از قندهار به قصد انهدام پایگاه کرزی در حرکت بوده‌اند که ناگهان جنگنده‌های آمریکا و انگلیس مثل صاعقه‌ای فرامی‌رسند و هر موتوری را به‌طور دقیق در جای خودش حذف

قرار می‌دهند، بی آن‌که کسی بتواند از صحنه جان سالم بدر برد. غافل از همین جا ختم می‌شود، اما این لاشه‌های سوخته و متلاشی شده با مسافران این مسیر با هزار زبان در سخن‌اند. وقتی به شهر نزدیک می‌شویم، قبرستان جدیدی در سمت راست جاده، با نصب پرچمهای سفید و سبز جلب توجه می‌کند که متعلق به همین کشته‌شدگان است. مردم گروه گروه به قصد زیارت و قرائت فاتحه برای آن جان‌باختگان می‌آیند. قبر کشته شده‌های عرب از بقیه متمایز است. بعضی معتقدند که از آن‌ها کراماتی صادر شد و مریض‌هایی را شفا داده‌اند.

### شبی در چنارتو

از ترین کورت تا ارزگان راهی نیست، اما چون طی مسافت بعد از غروب مشغول است، ناچار باید شب را در چنارتو می‌مانیم. چنارتو منطقه‌ای است پشتون‌نشین و متعلق به اهل سنت. جای مناسبی برای اقامه نماز مغرب و عشاء نماند. تصمیم گرفتیم به مسجد برویم. آن‌جا تعدادی از طالبان جوان در حال خواندن نماز بودند. ما نیز به اقامه نماز پرداختیم. اما وقتی که آنان از نماز فارغ شدند، جوانان گروگی که شکارش را ببیند و به او طمع بتلد، نظرشان به ما جلب شد، با همدیگر رایج به ما چیزی گفتند و به دنبال آن در حالی که مشغول نماز بودیم، با پوز خنده‌های آتچنایی ما را مورد تمسخر قرار داده و به سوی ما سنگ‌ریزه پرتاب کردند! در میان نماز مغرب و عشاء تذکر همسفرم که تنها سودی نخیشد، بلکه بر رفتار ملاموشان گستاخ‌تر و پر هنگ ما مصمم تر شدند! هر دو نماز را به همین کیفیت ادا نمود، هنگام بیرون رفتن از مسجد با فحش و پرتاب سنگ ریزه‌های کف مسجد از سوی آن‌ها بدرقه شدیم! وقتی به هتل محل اقامت مسافران وارد شدیم، مسافران که همه پشتون بودند، ما را از ریزه بین نگاه‌های آزار دهنده و مورد پرسش‌های متجسسانه قرار دادند. همه شک داشتند که از ارزگان باشیم، چون به قول آن‌ها نه رنگ ما به مردم آن سامان می‌خورد و نه گفتار ما با اقیامت منطقه مطابق درمی‌آید.

چندین ساعت این وضعیت مفتشانه و زجر دهنده ادامه پیدا کرد، تا این‌که سرانجام با مداخله شخصی از آن‌ها پرونده مظلونی ما به‌طور مشکوکی بسته شد. اما آن شب، شب پر اضرابی بود و به سختی سحر شد.

### ارزگان، پناهگاه طالبان

ارزگان شهر زیبا و خوش آب و هوایی است. بعضی از سران طالبان به این شهر پناه آورده‌اند. آمریکایی‌ها در تعقیب آن‌ها عملیات هوایی را به این شهر کشانده، قسمت‌هایی از ساختمان لیس و بخش‌هایی از ساختمان‌ها و لوسوالی را طی عملیاتی تخریب کرده و تعدادی وسایط نقلیه موجود در دو محل و تجهیزات نظامی را از بین برده‌اند.

حاصل این حمله، ۱۹ کشته و ۳۰ اسیر است که بعد از تفحص، به قربانیان و اسیران بی‌گناه مبلغ ۱۵۰۰ دلار می‌پردازند. ارزگان برخلاف قندهار محلی امن است برای طالبان. بعضی از آن‌ها تا هنوز با همان لباسهای ویژه، چشم‌های سرمه کشیده و... به سر می‌زنند. اما از تفوق طبیی‌ها و خود شریف پنداری‌ها خبری نیست.

۱- می‌گویند در دوره عبدالرحمان موجودی به نام کرگ کشمیر و هزاره‌های مسافر را در خواب می‌بود و جگر آن‌ها را بیرون می‌آورد. آوازه‌اندازنده بودند که کرگ کشمیر را خدا بر هزاره‌ها مسلماً نموده و این کرگ می‌نواشد به هزاره‌ها در میان چندین نفر شناسایی کند.

## روزشمار اداره موقت

□ سید نادر احمدی



### ابشاره:

وقتی می‌خواستیم روزشمار وقایع مربوط به شش ماه حکمیت اداره موقت افغانستان را گردآوری کنیم، نکته مهم برایم این بود که از کجا باید شروع کرد و مبدأ این روزشمار را از کدام مقطع زمانی برگزید. آیا اول جدی که نقطه شروع عملی کار اداره موقت است، مناسب‌ترین مقطع خواهد بود؟ آن‌گاه این پرسش به ذهن رسید که بالاخره شش ماه حکمیت اداره موقت بدون مقدمه و تمهیدی از بیخ بوته سبز نشده تا مبدأ این روزشمار قرار بگیرد لاجرم کسی به گذشته برگشتم و با غور و بررسی تحولات پیش از آن به این نتیجه رسیدم که یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ سنبله ۱۳۸۰) مناسب‌ترین زمان برای بررسی رویدادها و تهیه روزشمار وقایع شش‌ماهه اداره موقت و تحولات کشور در این مقطع زمانی و تاریخی است. هرچند از ۲۰ سنبله تا اول جدی زمان بلندی برای یک کار بزرگ و تاریخی یعنی ایجاد یک نظام اداری متمرکز و فراگیر نیست اما تحولات و رویدادهای این مقطع، تصمیم‌گیری‌ها، اقدامات، برداشتن گام‌های بلند و فیصله‌هایی که در این مدت کوتاه انجام پذیرفت، در طول بیست سال گذشته تاریخ ملت ما صورت نیست.

بخش عظیمی از اقدامات انجام‌یافته پیش از اول جدی مربوط است به حملات نظامی و خشونت‌های فراوان، اما ناگفته پیداست که تمامی این اقدامات و حملات برای پشتیبانی اقدامات سیاسی است که در حال جریان و پیگیری بود و سازمان‌مندی متحد نقش اول را در این موضوع بر عهده داشت. شعاری که از اقدامات سیاسی انجام‌یافته در طی سه ماه پیش از آغاز به کار اداره موقت به دست آمد، در کنفرانس صلح بن خلاصه شده است.

این است که آوردن روزشمار وقایع شش‌ماهه با تمهیدات و مقدمات آن جهت درک و بررسی دقیق این مقطع زمانی در مجموع لازم و ضروری است. یادآوری چند نکته

- ۱- معیار گزینش رویدادها، ارزش و نقش آن‌ها در به وجود آوردن حکمیت شش‌ماهه اداره موقت و هم‌چنین نقش‌شان در اعمال حکمیت اداره موقت و اعتبار دادن به این دوره بوده است.
- ۲- خبرها حتی الامکان از تشریحاتی گرد آورده شده که مستقیماً رویدادهای مقطع مورد نظر را از شبکه‌های خبری جهانی نقل قول کرده‌اند.
- ۳- در منابع، هر جا تمهید دولت موقت، بوده، آن را به اداره موقت، تغییر داده‌ایم. زیرا تمهید توافقنامه بن هم اداره موقت، است.
- ۴- برخی از خبرها و رویدادها کوتاه‌تر شده و بسیاری از آن‌ها نیز ویراستاری شده تا به لحن خنثی نزدیک شود.



پیشانی آید





افغانستان به سر می برد، برای محاکمه تحویل بدهد. گفته می شود که برای این خواسته و درخواست های دیگر، امریکا به طالبان سه روز مهلت داده که یک روز آن سپری شده است. شایان یادآوری است که جنرال محمود احمد هفت گشته را در واشنگتن بود.

۸۰/۶/۲۸: شرایط برای تشکیل دولت مورد قبول مردم افغانستان به وجود آمده است. یک مقام ارشد در سازمان ملل متحد از ایالات متحده امریکا و متحدانش خواسته است تا افغان ها را نیز وارد ائتلاف شان علیه اسامه بن لادن کند.

فرانسیس وندلر، نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد در امور افغانستان گفت: بحران اخیر، موقعیتی تاریخی را برای پایان دادن به جنگ های داخلی در افغانستان و تشکیل یک دولت مورد قبول مردم به وجود آورده است. وی گفت: بسیاری از افغان ها از جمله بسیاری از طالبان از افراط گرایی فزاینده دولت این کشور ناراضی بوده و خواستار تغییرات هستند.

۸۰/۶/۲۳: مجلس سنای امریکا قطعنامه ای را تصویب کرد که بر اساس آن جرج بوش رئیس جمهور امریکا مجاز خواهد بود علیه عاملان حملات روز سه شنبه از نیروی نظامی استفاده کند. در همین حال کالین پاول با جدیت تمام برای ایجاد ائتلاف بین المللی برای مقابله با تروریسم تلاش می کند.

۸۰/۶/۲۲: جرج دبلیو بوش رسماً اسامه بن لادن را عامل تهاجم تروریستی به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون معرفی کرد. بوش گفت: زمان آن فرا رسیده که تروریست ها را از لانه های شان بیرون کشیده و محاکمه کنیم.

۸۰/۶/۲۵: مطابق آخرین گزارش ها، مقامات امریکا به طالبان سه روز مهلت داده اند تا اسامه بن لادن مظنون اصلی حوادث اخیر را به امریکا تحویل دهند. یک هیأت پاکستانی قرار است به افغانستان برود و التیمات امریکا را به اطلاع مقامات طالبان برساند. رهبر طالبان بارها اعلام کرده که بن لادن بی گناه است و هرگز او را تحویل نخواهد داد.

۸۰/۶/۲۶: یک هیأت عالی رتبه پاکستانی به ریاست جنرال محمود احمد ریس سازمان اطلاعاتی آن کشور، امروز برای گفت و گو با ملا عمر رهبر طالبان به قندهار رفت پاکستانی ها امیدوارند بتوانند ملا محمد عمر را قانع سازند که اسامه بن لادن رهبر گروه های تروریستی را که در



خشدوم، شمار وید / ۱۵۳

افغانستان به سر می برد، برای محاکمه تحویل بدهد. گفته می شود که برای این خواسته و درخواست های دیگر، امریکا به طالبان سه روز مهلت داده که یک روز آن سپری شده است. شایان یادآوری است که جنرال محمود احمد هفت گشته را در واشنگتن بود.

۸۰/۶/۲۸: شرایط برای تشکیل دولت مورد قبول مردم افغانستان به وجود آمده است. یک مقام ارشد در سازمان ملل متحد از ایالات متحده امریکا و متحدانش خواسته است تا افغان ها را نیز وارد ائتلاف شان علیه اسامه بن لادن کند.

فرانسیس وندلر، نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد در امور افغانستان گفت: بحران اخیر، موقعیتی تاریخی را برای پایان دادن به جنگ های داخلی در افغانستان و تشکیل یک دولت مورد قبول مردم به وجود آورده است. وی گفت: بسیاری از افغان ها از جمله بسیاری از طالبان از افراط گرایی فزاینده دولت این کشور ناراضی بوده و خواستار تغییرات هستند.

۸۰/۶/۳۱: امارات متحده عربی - یکی از سه کشوری که تشکیلات طالبان را در افغانستان به رسمیت شناخته بود - روابط دیپلماتیک خود را با طالبان قطع کرد. دولت امارات متحده عربی گفته است این تصمیم را پس از آن گرفته که نتوانست طالبان را متقاعد کند که از پناه دادن به بن لادن دست بردارند.

**میزان**

۸۰/۷/۱: به گزارش روزنامه واشنگتن پست، «محمد ظاهر شاه» پادشاه سابق افغانستان در ویلای خود در شمال رم در حالت بیم و امید نسبت به افغانستان و آینده خود قرار دارد.

وی هم اکنون در صدد ایجاد ائتلافی از مخالفان طالبان با هدف برگزاری استعابات آزاد در افغانستان است. در همین ارتباط، برخی از اعضای ائتلاف شمال به ایتالیا رفته اند تا با او دیدار و مذاکره کنند. جمله این افراد می توان به یونس قانونی اشاره کرد.



۸۰/۷/۲: دولت امریکا متصم است برای هرگونه خبری که به دستگیری اسامه بن لادن منجر شود، مبلغ ۲۵ میلیون دلار جایزه اختصاص دهد. به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، جنرال کالین پاول وزیر خارجه امریکا در شبکه ان. بی. سی گفت: ۲۵ میلیون دلار مبلغ بالایی است و گمان می کنم این مبلغ برای آن که انگیزه فردی را در افغانستان برای دادن اطلاعات تحریک کند، کافی باشد.

پلیس فدرال امریکا (اف. بی. آی) تاکنون مبلغ پنج میلیون دلار برای کسب هرگونه خبری که به دستگیری اسامه بن لادن کمک کند، اختصاص داده است.

۸۰/۷/۱۱: منابع ائتلاف مخالف طالبان می گویند: صلحا نفر از نیروهایی که در ولایت های بادغیس و لغمان با طالبان همکاری داشته اند، به این ائتلاف پیوسته و عده زیادی از فرماندهان طالبان نیز با آن ها تماس برقرار کرده اند.

۸۰/۷/۱۳: پاکستان - تنها کشوری که هنوز طالبان را به رسمیت می شناسد - اجازه استفاده از حرم هوایی و اطلاعاتی را در زمینه حمله امریکا به اهدافی در افغانستان، در اختیار امریکا قرار داده است.

۸۰/۷/۳: عربستان سعودی اعلام کرده است روابط دیپلماتیک خود را با حکومت طالبان در افغانستان قطع می کند. عربستان سعودی پس از امارات دومین کشور از جمله سه کشوری است که با طالبان رابطه سیاسی داشتند و حالا قطع روابط کرده اند. فقط پاکستان است که فعلاً با طالبان روابط دیپلماتیک داشته و آن ها را به رسمیت می شناسد.

۸۰/۷/۷: دولت امریکا تأیید کرده است که نیروهای ویژه اش در داخل افغانستان مشغول عملیات اند. سخنگوی کاخ سفید گفته است هدف از این عملیات جمع آوری اطلاعات برای تدارک حملات نظامی به افغانستان است.

۸۰/۷/۹: محمد ظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان، و ائتلاف شمال در زمینه تشکیل یک دولت جدید در افغانستان به توافق رسیده اند. هر دو طرف در بیانیه ای گفته اند: لویه جرگه یا شورای بزرگ رهبران قومی و قبایل افغانستان تشکیل خواهد شد. این شورا یک رئیس کشور و یک دولت انتقالی را برای افغانستان انتخاب خواهد کرد. این تصمیم پس از چند روز گفت و گو در محل اقامت محمد ظاهر شاه اتخاذ شده است. هیاتی از کنگره امریکا نیز در این نشست ها حضور داشت.

محمد یونس قانونی رئیس هیأت ائتلاف شمال در این مذاکرات به بی بی سی گفت: به منظور ایجاد فضای اعتماد بین طرفین و با هدف حل سیاسی قضیه افغانستان شورای عالی وحدت ملی افغانستان تشکیل می شود. قانونی گفت: تعداد اعضای این شورا ۱۲۰ نفر خواهد بود و افزود که این شورا برای تشکیل لویه جرگه اضطراری افغانستان، زعامت آینده افغانستان و مکانیزم یک دولت تصمیم خواهد گرفت. او گفت که مذاکرات هیأت ائتلاف شمال با هیاتی از اعضای کنگره امریکا مفید بوده است و افزود که این هیأت در رابطه با حمایت از مردم افغانستان وعده هایی نیز داده است.

۸۰/۷/۱۰: محمد کریم خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان (شاخه خلیلی) و یکی از رهبران ائتلاف نیروهای مخالف طالبان، از تشکیل شورای وحدت ملی حمایت می کند، ولی بریک نکته تأکید دارد: ما هم این را یک کار مثبت می دانیم. امیدوار هستیم در انتخاب اعضای شورای عالی وحدت ملی دقت بیشتری شود. نمایندگان واقعی همه بخش ها، همه سمت ها و همه اقوام افغانستان را شامل باشد. یافت اجتماعی و اقوام افغانستان، نمایندگان شان سهم داشته و در رابطه با سرنوشت شان تصمیم بگیرند نه این که کسان و افرادی به عنوان نمایندگان مردم تحمیل شوند.

۸۰/۷/۱۱: منابع ائتلاف مخالف طالبان می گویند: صلحا نفر از نیروهایی که در ولایت های بادغیس و لغمان با طالبان همکاری داشته اند، به این ائتلاف پیوسته و عده زیادی از فرماندهان طالبان نیز با آن ها تماس برقرار کرده اند.

۸۰/۷/۱۳: پاکستان - تنها کشوری که هنوز طالبان را به رسمیت می شناسد - اجازه استفاده از حرم هوایی و اطلاعاتی را در زمینه حمله امریکا به اهدافی در افغانستان، در اختیار امریکا قرار داده است.



۸۰/۷/۱۳: جنرال استراو وزیر خارجه بریتانیا به دوحه گفته است بریتانیا با مردم افغانستان جنگی ندارد، بلکه تنها با رژیم طالبان که اسامه بن لادن و سازمان او موسوم به القاعده پناه داده، سر جنگ دارد. جنرال استراو که در بخش جهانی بی بی سی صحبت می کرد، گفت: هوگو بن عملیات نظامی با هدف گیری قبلی و متناسب صورت خواهد گرفت. وی علاوه کرد: همیشه می شود رژیم ها را از مردم عادی یک کشور جدا کرد و این خیلی مهم است که این تفاوت ها را رعایت کنیم. توجه بسیار زیادی شده که حتماً در صورت عملیات نظامی، با هدف های مشخص و دامنه محدود انجام می شود. هدف این اقدامات نظامی شبکه القاعده و جنبش طالبان است که تا هنوز تصمیم دارد به اسامه بن لادن پناه بدهد.

وزیر خارجه بریتانیا گفت: غرب تلاش خواهد کرد تا تصمیم دهد که تلفات غیر نظامیان در حداقل ممکن خواهد بود، ولی افزود که این امر تا حد زیادی به طالبان بستگی دارد. وی قول داد که کشورهای متحد مردم افغان را به حال خود رها نکنند.

۸۰/۷/۱۴: دولت های کمک کننده به افغانستان وعده داده اند که بیش از شصده میلیون دلار برای مقابله با بحران انسانی در افغانستان بپردازند. این توافق به دنبال نشستی در ژنو با شرکت دولت ها و اژانس های امداد و شامل مبالغ تخصیص داده شده از سوی امریکا و جاپان نیز هست.

۸۰/۷/۱۶: حملات هوایی امریکا به افغانستان یک شبه شب (۱۵/۷) از ساعت ۹ شب آغاز گردید و فرودگاه ها و ساختمان وزارت دفاع و ساختمان های دولتی طالبان را نابود کردند. در کل اهداف امریکا نظامی و از قبل تعیین شده است و قطع امکانات ارتباطی طالبان، کاخ ریاست جمهوری و منزل مسکونی ملا محمد عمر از جمله اهداف امریکا به شمار می رود.

امریکا و بریتانیا حملات هوایی خود را در طول یک شبه شب به هدف هایی در افغانستان بسیار موفقیت آمیز توصیف کرده اند. آن ها می گویند: وزارت دفاع، فرودگاه کابل، فرودگاه طالبان در قندهار و اردوگاه هایی که ظن آن می رود اردوگاه تعلیمات تروریستی بوده، از جمله هدف هایی اند که مورد حمله قرار گرفته اند.

۸۰/۷/۱۶: اتحادیه اروپا می گوید: جای مقامات طالبان را در افغانستان باید دولتی که واقعاً نماینده مردم افغانستان است، بگیرد. در جلسه وزیران خارجه اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ گفته شد که سازمان ملل متحد در این جریان باید نقش رهبری را داشته باشد.

۸۰/۷/۲۰: علی رقم حملات هوایی امریکا به افغانستان طرفداران محمد ظاهر شاه - شاه سابق افغانستان - فعالیت های شان در شهر های هرات و کابل تشدید بخشیده اند. قرار گزارشات به دست آمده نمایندگان ظاهر شاه در این شهرها سرگرم مذاکره و گفت و گو با فرماندهان طالبان می باشند که تعدادی از آن ها حمایت شان را از شاه سابق اعلام داشته اند.



خشدوم، شمار وید / ۱۵۵



۸۰/۷/۲۲: طالبان اقدام به رهایی بشیر بغلانی فرمانده حزب اسلامی حکمتیار کردند. وی که از یک سال قبل به اتهام همکاری با جبهه متحد در مرکز بجلان و از سوی طالبان دستگیر شده بود، تاکنون در زندان طالبان دیده نشده به سر می برد.

طالبان این فرمانده در پی نزدیک شدن حکمتیار به طالبان صورت گرفته است. در همین حال گزارش شده که حزب اسلامی حکمتیار موشک های استگری را که در اسبیل بولدک تاکنون در اختیار داشته، در اختیار طالبان قرار داده است. حکمتیار که خود در ایران به سر می برد نیز آمادگی اش را برای ایجاد با امریکا اعلام داشته است.

۸۰/۷/۲۳: هیأتی از طرف محمد ظاهر شاه - پادشاه سابق افغانستان - به دعوت دولت پاکستان وارد اسلام آباد شده است. این هیأت مأموریت دارد تا نظریات و پیشنهادات مقامات پاکستانی را به شاه سابق افغانستان برساند.

محمد ظاهر شاه طی نامه ای از کوفی عنان سرمنشی ملل متحد درخواست نمود که نیروهای حافظ صلح به کابل اعزام دارد تا پس از سقوط طالبان کشور با خلافت قدرت رو به رو نشود. کوفی عنان نامه را به شورای امنیت ارسال داشت تا در این باره تصمیم مقتضی گرفته شود.



**عقب**

۸۰/۷/۱۷: فرستاده ویژه سازمان ملل باردیگر به منطقه سفر می کند تا تلاش های خود را برای صلح از سر بگیرد. اخضر ابراهیمی در گفت و گویی که با رویتر داشت اظهار کرد که او خواهد کوشید افغان ها را گرد هم آورد، آن ها را در تشکیل دولتی فراگیر یاری رساند و با کشورهای همسایه به گفت و گو بپردازد.

ابراهیمی در پاسخ به این پرسش که نیروی پاسدار صلح سازمان ملل در صورت سقوط طالبان مورد نیاز است یا خیر، گفت: «بسیار زود است که بتوان در این مورد ابراز نظر کرد». وی افزود: هرگونه ترسیمی اتخاذ شود نیازمند آن است تا از سوی خود مردم افغانستان تأیید شود. در غیر این صورت کاربرد نخواهد داشت. همچنان در یک مرحله زودرس هستیم و نمی شود گفت چه نوع فرمولی مناسب تر خواهد بود.

در مورد این سؤال که آیا او با طالبان نیز دیدار خواهد داشت، گفت: «تردید دارم که با طالبان دیدار داشته باشم چرا که آنان این سازمان را از افغانستان بیرون انداخته اند.»

احتمالاً او در اولین دیدار، پاکستان و ایران را برای ریزینی و گفت و گو بر خواهد گزید تا نظرات این دو کشور را در مورد افغانستان به همدیگر نزدیک کند.

۸۰/۸/۷: سومین نشست کمیسیون تدویر شورای بزرگ ملی اجلاس قیوم برای ایجاد و تأمین صلح در افغانستان به روزهای ۲۸ و ۲۹ میزان ۱۳۸۰ مطابق ۲۰ و ۲۱ اکتبر ۲۰۰۱ در حضور نمایندگان ملل متحد، نمایندگی EU نمایندگان فرانسه و ایران و دو تن از امریکایی های ذی علاقه به قضیه افغانستان افتتاح و در جلسات کار خود، تحولات مربوط به افغانستان را بعد از حوادث ماه سپتامبر ۲۰۰۱، به دقت و جنیت مورد غور قرار داد، بعد از بحث مفصل، فیصله کرد تا مطالب عمده آتی را به اطلاع هموطنان گرامی و جامعه جهانی برساند.

۱- اجلاس قیوم عملیات تروریستی و دهشت افکنی را، اعمال غیر انسانی، غیر اسلامی و غیر افغانی دانست، در عین حالی که آن را به شدت محکوم می کند، به جهانیان خاطر نشان می سازد که افغانان در طول تاریخ مبارزات و جهاد خویش برای آزادی و نجات از تسلط بیگانگان، هرگز به چنین اعمالی دست نزده اند.

۲- اجلاس قیوم اقدامات مناسب، همه جانبه و پیگیر را برای ریشه کن کردن تروریسم بین المللی و بانیان و حامیان آن، حق و وجوبی همه کشورهای و ملت های آزادی دوست می داند.

۳- اجلاس قیوم در عین حالی که هرگونه حمله نظامی به حریم ملی افغانستان را که قربانی آن باز هم بی گناهان خواهند بود که خود در گور ظلم و دهشت بانیان و حامیان تروریسم قرار دارند، برای هیچ افغانی قابل تحمل نمی داند و آن را اقدامی ناعادلانه برای از میان برداشتن تروریسم می شناسد.

۴- اجلاس قیوم از ایالات متحده امریکا و جامعه جهانی، توقع دارد با دقت و جنیت هر چه بیشتر در صدد تشخیص عوامل اصلی تروریسم و تثبیت بانیان و حامیان واقعی آن درآمده و در رابطه با افغانستان، اشتباه گذشته را تکرار نکند.

۵- اجلاس قیوم معتقد است که ریشه کن کردن تروریسم و از میان برداشتن بانیان و حامیان آن در افغانستان، تنها از خود افغانان ساخته است و پس اگر ایالات متحده امریکا و جامعه جهانی خواهان ابحای واقعی تروریسم در افغانستان باشند، باید بدون مداخله مستقیم، از راه پشتیبانی مادی و معنوی، افغانان را صاف و صمیمانه یاری و همکاری کنند تا خود، صلح را در افغانستان حاکم ساخته و ریشه های تروریسم را در کشور نابود سازند.

۶- اجلاس قیوم از جامعه جهانی و سازمان ملل مجدداً تقاضا می کند تا در شرایط فعلی مردم افغانستان را برای تأمین صلح و امنیت و تشکیل یک دولت فراگیر و آزاد از نفوذ خارجی، هر چه بیشتر همکاری کنند.

۷- اجلاس از نامه برهان الدین ربانی که حاکی از پشتیبانی از جریان و تأیید از مشارکت ملی در تعیین سرنوشت سیاسی افغانستان از مجرای یک شورای بزرگ ملی است، با کمال قدردانی، حسن استقبال کرده، هیأتی را موظف ساخت تا در مورد چگونگی رسیدن به این مأمول با وی و جبهه متحد اسلامی مذاکره و مقابله کند.

۸- اجلاس قیوم همان طوری که در گذشته همواره بر ضرورت

هماهنگی و همکاری جریانات صلح مخصوصاً جریان رم و اجلاس قیوم تأکید و ترویج داده، در شرایط حساس فعلی ایجاد هر چه زودتر این همکاری و هماهنگی را وظیفه ملی هر دو جریان می داند.

۹- اجلاس از مساعی سازمان ملل متحد و کشورهای عضو، کنفرانس جنوا و فرانسیس و لندن در مورد حل مسالمت آمیز قضیه افغانستان، قدردانی کرده و از مذاکراتی که قرار است تحت نظر فرانسیس و لندن بین جریان رم و اجلاس قیوم، هر چه زودتر برقرار گردد، حسن استقبال می کند.

۱۰- اجلاس هیأت هایی را موظف ساخت تا با طرف های افغانی قضیه، همسایگان افغانستان، سازمان ملل متحد، ایالات متحده امریکا، جامعه اروپایی و کشورهای ذی دخل و ذی علاقه اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، ملاقات نموده، نقاط مهم اجلاس قیوم را در پرتو شرایط فعلی به اطلاع شان برساند.

۱۱- اجلاس در پرتو شرایط جاری، موضوع چگونگی تطبیق استراتژی اجلاس قیوم را برای رسیدن به اهدافی که در طرح پیشنهادی آن تذکر یافته، مورد غور و بررسی عمیق قرار داد و یک سلسله مفکوره ها را ابتزاز داد که هیأت های موظف در مذاکرات خود با اطراف ذی دخل در نظر داشته باشند.

۱۲- اجلاس با در نظر داشت وجیع رفت باز مردم افغانستان و مهاجرین در داخل و خارج کشور در شرایط فعلی، از جامعه جهانی، سازمان ملل متحد و مؤسسات خیریه مصورانه تقاضا می کند تا از بلذ هرگونه مساعی ممکن در راه رسانیدن کمک های بشری به این کتله مظلوم شریع نورزدند.

۸۰/۸/۸: جبهه متحد اسلامی خواهان متمرکز شدن حملات هوایی بیشتری از سوی امریکا بر خط مقدم جبهات طالبان شده است.

۸۰/۸/۹: اخضر ابراهیمی فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در افغانستان یادآور شد: تشکیل دولت سیاسی در افغانستان روندی دراز مدت دارد. ابراهیمی که در حال حاضر از پاکستان دیدن می کند در مصاحبه ای با بی بی سی گفت که سعی دارد بین افغانستان و همسایگان آن اتفاق نظر به وجود آورد اما مسایل دیرینه در یک هفته قابل حل نیست. ابراهیمی گفت، باید ساختاری به وجود آورد تا جبهه متحد مخالف طالبان با پشتون ها که طالبان به آن ها متکی اند، با یکدیگر گفت و گو کنند اما علاوه بر آن که در این مرحله نیاز به گفت و گو با طالبان نیست، گفت می شود رهبری طالبان به سفیر خود در پاکستان دستور داده است با اخضر ابراهیمی ملاقات نکند.

ترکیه اعلام کرده است هیأتی متشکل از ۹۰ نیروی ویژه را برای کمک به عملیات نظامی امریکا در افغانستان اعزام می دارد.

۸۰/۸/۱۰: مطبوعات انگلیس از حمله قریب الوقوع زمینی به افغانستان خبر دادند. خبرگزاری فرانسه از لندن گزارش داد به نوشته روزنامه «سندلی لنگراف» اجرای این عملیات نزدیک است. هدف از این حملات تشکیل دولت موقتی است که جامعه بین المللی از آن حمایت می کند و محور آن محمد ظاهر، شاه سابق افغانستان است. از سوی دیگر دونالد رامسفلد از ورود بیشتر نیروهای امریکایی به افغانستان خبر داد.



سیان ایندایشه



به گزارش خبرگزاری آسوشینتد پرس، وزیر دفاع امریکا اعلام کرد شماری از نیروهای ویژه امریکایی آماده ورود به افغانستان هستند. وی ابراز امیدواری کرد شمار نیروهای ویژه افغانستان که مجبور به عبور از ۲۰۰ نفر می شود، سه یا چهار برابر شود. وزیر دفاع امریکا اعلام کرد این نیروها را نشان دادن دقیق مواضع طالبان برای بمباران طالبان امریکایی اعلام کرد.

۸۰/۸/۱۱: امروز در مسکو اعلام شد که سرانجام امریکا علی رغم تمایل پاکستان، سیاست قبلی خود مبنی بر مشارکت دادن جناح میانه و طالبان در دولت آینده افغانستان را کنار گذاشته و باروسیه در مورد حذف کامل طالبان از صحنه سیاسی افغانستان به توافق رسیده است. در بیانیه ای که امروز در مسکو انتشار یافت، تأکید شده است روسیه و امریکا در این که طالبان در دولت آینده افغانستان نباید سهیم باشند، دارای دیدگاه مشترکی هستند.

۸۰/۸/۱۲: نماینده ویژه دیر کل سازمان ملل متحد پس از دیدار و ملاقات با مقامات پاکستانی وارد ایران شد.

سفر اخضر ابراهیمی به کشورهای همسایه افغانستان با غرض اطلاع از نظر آنان در مورد حکومت آینده افغانستان و به دست آوردن همکاری با سازمان ملل متحد در جهت کمک به حل بحران افغانستان صورت می گیرد. نماینده ویژه دیر کل ملل متحد در گفت و گوهایش تأکید کرد که همسایگان افغانستان ضمن حمایت از تلاش مردم آن کشور برای اعاده صلح در افغانستان از دخالت در امور داخلی این کشور پرهیز کنند و به نقش مردم افغانستان احترام بگذارند.

از سوی دیگر اشرف غنی احمدزی مشاور اخضر ابراهیمی مذاکرات ابراهیمی با مقامات پاکستانی را که پیش از سفر به ایران صورت گرفت، مثبت ارزیابی کرد و گفت مقامات پاکستانی به طور واضح گفتند از شرکت اتحاد شمال در حکومت آینده افغانستان هیچ اهمه ای ندارد و برای شاه سابق افغانستان نیز هر نقشی که مردم افغانستان بخواهند، قبول دارند.

۸۰/۸/۱۴: گرهزاد شودر صدرانظم آلمان اعلام کرده است کشورش حدود ۳۹۰۰ سرباز آلمانی را در اختیار اقدامات نظامی امریکا در افغانستان خواهد گذاشت.

۸۰/۸/۱۷: دولت پاکستان به طالبان دستور داده تا کنسولگری خود را در شهر کراچی تعطیل کنند.

۸۰/۸/۱۹: پس از تصرف وزارت شریف، جنرال عبدالرشید دوستم از فرماندهان جبهه متحد در شمال در مصاحبه ای با بی بی سی گفت که زنان اجازه کار و تحصیل در دانشگاه ها را دارند، ولی افزود که در نظر دارد ایستگاه تلویزیونی شهر را مجدداً فعال کند و مراکز تفریحی شهر را بگشاید. وی گفت که امیدوار است یک شبکه ملی رادیویی را نیز از همین شهر به راه بیاورد، اما جزئیات بیشتری را ارائه نکرد.

۸۰/۸/۲۲: به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی از شمال کابل



خط سوم، شمار وید / ۱۵۷



خط سوم، شمار وید / ۱۵۶



نیروهای جبهه متحد اپرل صبح سه شنبه ۸۰/۸/۲۲ وارد کابل شدند. در پی ورود نیروهای دولت اسلامی افغانستان به کابل، جز تعداد محدودی از نیروهای طالبان که به دست نیروهای عمل کننده دولت اسیر شده اند، هیچ یک از نیروهای این گروه در کابل به چشم نمی خورد. گزارش های واصله از کابل حاکی از آن است که اوضاع در سطح شهر آرام بوده و تا لحظه دریافت خبر هیچ گونه تحرکی که خالی از تنش و بای نظمی در پایتخت کشور تلقی گردد، گزارش نشده است. نیروهای دولت هم اکنون در کمر بندهای اطراف شهر کابل مستقر شده اند. در همین حال سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان گفته است موضع پاکستان از قبل این بوده که هر گروهی که کابل و بیشترین قسمت خاک افغانستان را به تصرف خود در بیاورد، ما آن ها را به رسمیت می شناسیم.

۸۰/۸/۲۳: شورای امنیت سازمان ملل متحد با اکثریت آراء قطعنامه ای را در حمایت از تلاش های اخضر ابراهیمی فرستاده ویژه سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان، برای تشکیل حکومت فراگیر چند قومی در افغانستان تصویب کرده است. شورای امنیت از کلیه اعراب و گروه های افغان که سرگرم تشکیل دولت هستند، خواسته است در کنفرانس که سازمان ملل متحد به این منظور در شهر بن آلمان دایر خواهد کرد، شرکت کنند.

۸۰/۸/۲۴: گروه ۲+۶ متشکل از شش کشور همسایه افغانستان، روسیه و امریکای بیابانه ای نسبت به کنار گذاردن رژیم طالبان و یافتن یک راه حل سیاسی برای بحران کنونی افغانستان تأکید کردند. در پیش نویس این بیانیه که مورد قبول همه اعضای گروه ۲+۶ است، از ایجاد یک دولت فراگیر که شامل همه گروه های متعادل سیاسی و قومی موجود در افغانستان باشد، حمایت شده است. بر اساس این بیانیه دولت آبی افغانستان باید با احترام به حقوق بشر و تأمین نیازها، بنامه به تعهدات بین المللی این کشور از جمله مبارزه با قاچاق مواد مخدر جامعه عمل پوشانده و صلح و ثبات ملی و منطقه ای را تأمین کند.

۸۰/۸/۲۶: پیش از یک ماه قبل نمایندگان پادشاه سابق افغانستان و ائتلاف مخالف طالبان در مورد تشکیل شورای وحدت ملی افغانستان به عنوان هسته دولت جانشین طالبان و نهادی که بتواند لویه جرگه را برای انتخاب دولت آینده دعوت کند، به توافق رسیدند. قرار است در روزهای نزدیک، هیأت های دو طرف در شهر آنکارا در ترکیه دیدار داشته و فهرست نمایندگان هر دو طرف در شورای وحدت ملی را مبادله کنند. توافق شده بود که این شورا ۱۲۰ عضو داشته باشد و هر طرف پنجاه عضو به این شورا معرفی کنند و بعداً درباره یست نفر دیگر مشترکاً تصمیم گرفته می شود.

۸۰/۸/۲۶: بعد از ورود نیروهای جبهه متحد به کابل، یک کمیسیون امنیتی برای حفظ نظم و امنیت به سرپرستی جنرال فهیم تشکیل و کنترل شهر به همین کمیسیون سپرده شد. اما گزارش ها حاکی از آن است که قبل از ورود نیروهای امنیتی، یک سلسله بی نظمی ها و چور چپاول ها توسط افرادی بنادوبار صورت گرفته است. فعلاً وضع شهر آرام و امنیت برقرار است.

۸۰/۸/۲۸: تنها فرستاده تلویزیونی کابل که در دوران حکومت طالبان تعطیل شده بود، پس از پنج سال تعطیلی از دیروز کار خود را آغاز کرد. هم چنین رادیو افغانستان روزانه سه ساعت برنامه پخش خواهد کرد.

**قوس**

۸۰/۸/۲۶: کنفرانس بن برای دست یافتن به یک ساختار مناسب سیاسی در افغانستان امروز سه شنبه با حضور نمایندگان از سوی جبهه متحد، پروسه رم، نمایندگان محمد ظاهر شاه و جلسه قیوم با نظارت سازمان ملل متحد و هیأت هایی از امریکا، روسیه و برخی از کشورهای اروپایی در شهر بن آلمان تأیید گردید.

در این کنفرانس، یوشکا فیشر وزیر امور خارجه آلمان از حضور اخضر ابراهیمی نماینده ویژه کل سازمان ملل و فرانسیس ونفرل و سایر شرکت کنندگان در اجلاس تشکر کرد و گفت: «ما همه کارهای مثبت لازم را برای دسترسی به یک نتیجه مثبت در این کنفرانس انجام خواهیم داد». به گفته وزیر خارجه آلمان، افغانستان هم اکنون شانس بزرگی برای بازسازی به دست آورده است.

عبدالتبار سیرت نماینده محمد ظاهر شاه نیز طی سخنانی در این کنفرانس ضمن تشکر از سازمان ملل متحد و آلمان برای برگزاری این کنفرانس، با اشاره به دخالت کشورهای خارجی در افغانستان گفت: «طی این مدت زیر ساخت اقتصاد افغانستان به طور کلی ویران شده و افغان ها در اثر جنگ های داخلی و هرج و مرج تپاه شده اند». یونس قانونی نماینده جبهه متحد در اجلاس گفت: «افغانستان در ابتدای مسیر دشوار صلح و آشتی قرار دارد و این امر مستلزم همبستگی گروه های موجود می باشد». قانونی تأکید کرد: «ساختار سیاسی آینده افغانستان باید به دست مردم ساخته شود تا دنیا شاهد حیاتی سیاسی و باثبات باشد».

۸۰/۹/۱۰: یک طرح پنج ساله برای بازسازی افغانستان در آینده نزدیک تهیه خواهد شد. مارک لوج براون رئیس دفتر توسعه ملل متحد که در حال دیدار از شهر کابل است، گفت: «باید از شرایط بحرانی فعلی از توجه و تمایلات کشورهای اهداکننده مالی به افغانستان حداکثر استفاده را بکنیم».



کابل- زمستان ۸۰

۸۰/۹/۱۴: در ادامه طرح صلح سازمان ملل متحد با حضور چهار گروه عمده (جبهه متحد، گروه رم، گروه قیوم و گروه پیشاور) و پس از نه روز گفت و گوهای فشرده در شهر بن آلمان، سرانجام یک قرار داد دو مرحله ای برای تأمین صلح و ایجاد یک نظام با ثبات اداری در افغانستان بین مذاکره کنندگان به امضا رسید.

مرحله اول قرار داد تشکیل اداره شش شش ماهه است که ۳۰ نفر عضو خواهد داشت که در آن پانزده نفر از پشتون ها، هشت نفر از تاجیک ها، پنج نفر از هزاره ها و سه نفر از ازبک ها و بقیه از دیگر اقلیت های کشور خواهند بود.

مرحله دوم پس از اتمام دوره شش ماهه اداره موقت است که لویه جرگه تشکیل می گردد تا به انتخاب دولت انتقالی مبادرت ورزد. این دولت به مدت دو سال بر سر کار خواهد بود تا قانون اساسی کشور را تدوین و انتخابات عمومی را برگزار کند. حامد کرزی به عنوان رئیس اداره موقت با پنج معاون و ۲۱ وزیر معرفی گردید.

۸۰/۹/۲۳: تمامی پانزده عضو اتحادیه اروپا موافقت کردند که نیروهای حافظ صلح اتحادیه اروپا با نیروهای حافظ صلح بین المللی در افغانستان حاضر شوند. این تصمیم در اجلاس پایان سال اعضای این اتحادیه که در بروکسل بلژیک برگزار گردیده، گرفته شده است. در همین حال نمایندگان نظامی برخی از کشورهای جهان به ویژه کشورهای اروپایی آمده اند تا درباره تشکیل یک نیروی حافظ صلح در افغانستان به بحث بپردازند.

۸۰/۹/۲۵: اسماعیل جم وزیر امور خارجه ترکیه برای بازگشایی سفارت این کشور در کابل، به افغانستان سفر کرد. ترکیه اولین کشوری است که پس از سقوط طالبان بازگشایی سفارتخانه اش را اعلام کرده است.

انتظار می رود اسماعیل جم، فرمانده عبدالرشید دوستم را به پذیرش کامل دولت انتقالی افغانستان تشویق کند. جنرال دوستم که کنترل شهر مزار شریف را بر عهده دارد، گفته است در کوشش های صلح افغانستان مداخله نخواهد کرد. احتمال می رود اسماعیل جم پیش از سفر به کابل از پاکستان بازدید کند.

دونالد رامسفلد نماینده وزیر دفاع ایالات متحده امریکا در افغانستان با حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان گفت و گو کرد. رامسفلد به کرزی گفته است: «ایالات متحده طمعی به افغانستان ندارد و نیروهای امریکایی تنها با هدف تروریسم در این منطقه حضور دارند».

۸۰/۹/۲۷: سفارتخانه امریکا که از ۱۲ سال پیش در کابل تعطیل شده بود، بازگشایی شد.

۸۰/۹/۲۸: حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان با محمد ظاهر شاه در رم دیدار و پیرامون مسایل افغانستان گفت و گو کرد. آقای کرزی گفت: «اولی حضرت نصیاح پدرا نه و راه تپایی برای آینده داشت و گفت به هیچ وجه خواهان قدرت نیست. البته لویه جرگه را افتتاح خواهد کرد».

۸۰/۹/۲۹: نمایندگان یکصد مؤسسه و نهاد اجتماعی غیردولتی جهان در بروکسل گرد هم آمده و درباره بازسازی افغانستان به رأی نرسیدند. کریس یاتن رئیس این جرگه و مسوول امور خارجه اتحادیه اروپا یادآور شد: «بازسازی افغانستان امر مشکلی است، زیرا تمام زیرساختی اقتصادی و اجتماعی آن کشور از بین رفته است و یکی از مشکلات عملی وجود تفنگداران غیرمسوول است که همیشه امکانات نهادهای خیریه را به غارت می برند».

شورای امنیت سازمان ملل متحد مجوز ورود نیروهای چند ملیتی حافظ صلح را به افغانستان تصویب کرد. در پیش نویس این قطعنامه آمده است در صورت پیش آمد، آن ها متوسل به قوه قهریه خواهد شد و پشتیبان شان قوای هوایی ایالات متحده امریکا خواهد بود.

**ترکیب اداره موقت**

رئیس: حامد کرزی  
معاونان رئیس:

معاون رئیس و سرپرست امور زنان: دکتر سیمنا نمر  
معاون رئیس و سرپرست دفاع: محمد قاسم فهیم



معاون رئیس و سرپرست پلان: حاجی محمد محقق  
معاون رئیس و سرپرست آب و برق، شاکر کارگر  
معاون رئیس و سرپرست مالیه: هدایت امین ارسلان  
اعضاء

بخش امور خارجه: دکتر عبدالله عبدالله  
بخش داخله: محمد یونس قانونی  
بخش تجارت: سید مصطفی کاظمی  
بخش معادن و صنایع: محمد عالم رزم  
بخش اطلاعات و فرهنگ: سید مخلوم رهین

بخش ارتباطات: انجنیر عبدالرحیم  
بخش کار و امور اجتماعی: میرویس صادق  
بخش حج و اوقاف: محمد حنیف حنیف بلخی  
بخش شهداء و معلولین: عبدالله وردک

بخش تعلیم و تربیت: رسول امین  
بخش تحصیلات عالی: دکتر شریف فایض  
بخش صحت عامه: دکتر سهیلا صدیق  
بخش نوایند عامه: دکتر خالق فضل





بخش توسعه شهری، حاجی عبدالقدیر  
بخش بازاریابی، امین فرهنگ  
بخش حمل و نقل، سلطان حمید سلطان  
بخش عودت مهاجرین، عنایت الله ناطری  
بخش زراعت، سید حسین انوری  
بخش آبیاری، حاجی منگل حسین  
بخش عدلیه، عبدالرحیم کریمی  
بخش حمل و نقل هوایی و توریسم، عبدالرحمان  
بخش امور سرحدات، امان الله زدران



**مهر اول:**

۸۰/۱۰/۱۱: طبق توافقنامه بین، مراسم انتقال قدرت از دولت ریانی به اداره موقت افغانستان به مسؤولیت حامد کرزی در تالار وزارت داخله افغانستان با حضور اخضر ابراهیمی، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور افغانستان، لویی میشل وزیر خارجه بلژیک به نمایندگی از اتحادیه اروپا، کمال خرازی وزیر خارجه ایران و حامد کرزی رئیس اداره موقت به همراه معاونان و مسؤلان وزارتخانه های تحت امرش و نیز سفیران و نمایندگان بسیاری از کشورهای ذی علاقه در افغانستان و خبرنگاران داخلی و خارجی و هم چنین برهان الدین ربانی رئیس دولت اسلامی افغانستان و بسیاری از شخصیت های سیاسی و فرهنگی افغانستان انجام یافت. پس از سخنان آقایان اخضر ابراهیمی، کمال خرازی و لویی میشل، حامد کرزی ضمن تقدیر و سپاس از شخصیت های سیاسی و نهادهایی که از خارج و داخل افغانستان به پرسمه صلح افغانستان کمک و یاری رسانده اند، بر نامه های خود را چنین بیان داشت:

- پیروی از اساسات دین مبین اسلام و شؤون اسلامی  
- حفظ استقلال و تمامیت ارضی افغانستان  
- مبارزه با تروریسم  
- احترام به آزادی بیان و عقیده  
- ایجاد قانون سالیاری به جای تفنگ سالیاری  
- اعاده حقوق زنان  
- تأمین صلح و امنیت در کشور.  
- سهم گیری و سهم دادن افراد کشور بر اساس صلاحیت ها.

- تقواسالاری جهت ایجاد اداره سالم و حذف موارد خلاف قانون.  
- ایجاد و تشکیل آزادی ملی  
- احیای مجدد تعلیم و تربیه  
- ارتباط نیک و حسنه با همسایگان  
- بازسازی و رسیدگی به امور آبادانی و رشد اقتصادی کشور  
- برگزاری لویه جرگه جهت ایجاد حکومت عبوری  
کرزی پس از فراغت اصول کاری اداره موقت به همراه کابینه اش سوگندنامه ای را که از سوی اداره عدلیه افغانستان ترتیب یافته بود، قرائت و سوگند یاد کرد.

۸۰/۱۰/۱۲: مکاتب دخترانه کابل باز شده، دختران برای ثبت نام به مکاتب رفتند. تحصیل دختران پس از ۵ سال در افغانستان آزادی می شود.

۸۰/۱۰/۱۲: نخستین نشست اداره موقت افغانستان به ریاست حامد کرزی تشکیل شد.  
در این نشست، بازسازی افغانستان و فعالیت در بخش کمک رسانی به مردم و تأمین امنیت در کشور از اولویات های کاری حکومت موقت پرشمرده شده است.

۸۰/۱۰/۱۹: اداره موقت افغانستان اعلام کرده در صدد ترمیم مجسمه های بودا در بامیان است.

۸۰/۱۰/۱۲: هیاتی از افسران بلند پایه ۱۷ کشوری که در چارچوب نیروهای حافظ صلح در افغانستان شرکت دارند، وارد کابل شده اند تا مقدمات ورود ۲۵۰۰ نفر از نیروهای حافظ صلح را فراهم آورند.

۸۰/۱۰/۱۳: وزیر دفاع فرانسه وارد شمال افغانستان شده و در مزار شریف گفته است کشورش از روند صلح در افغانستان حمایت کرد و در بازسازی افغانستان شرکت خواهد کرد.

خبرگزاری کی، یو، یو، بدو، گزارش داده که دولت جاپان در نظر دارد کمک های مالی را به افغانستان به جمع آوری سلاح مرتبط کرده و طرح کمک در برابر تحویل سلاح را به اجرا در آورد.

۸۰/۱۰/۱۶: کمیسیون امنیتی شهر کابل با همکاری نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد، اقدام به خلع سلاح افراد غیرمسؤل و بیگانه کرد.

جنرال فهیم وزیر دفاع موقت افغانستان در رأس هیاتی برای دیداری دوستانه وارد امارات متحده عربی شد.  
ژنرال خلیل زاد نماینده امریکا در امور افغانستان، به کابل آمده و با حامد کرزی رئیس اداره موقت و دکتر عبدالله وزیر خارجه دیدار کرده و در مورد بازسازی افغانستان، همکاری دولت ایالات متحده امریکارا اعلام داشته است.

همایش توسعه و نوسازی افغانستان در دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه ایران برگزار شد. در این همایش نمایندگان هیاتی از سازمان ملل متحد و دوازده کشور جهان شرکت داشتند.  
ژنرال بلر صدراعظم انگلستان روز دوشنبه همراه با همسر خود



وارد فرودگاه بگرام شده و با حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان و هم چنین نیروهای حافظ صلح انگلیس مستقر در کابل دیدار و گفت و گو کرد.

۸۰/۱۰/۱۶: حامد کرزی به زودی به امریکا می رود. این سفر به دنبال دعوت رسمی رئیس جمهور امریکا از آقای کرزی صورت می گیرد. ژنرال خلیل زاد مشاور رئیس جمهور امریکا در امور افغانستان روز یکشنبه به حضور در مقر حامد کرزی، دعوت رسمی جرج بوش را امینت بر یک دیدار رسمی از واشنگتن تسلیم وی کرد.

۸۰/۱۰/۱۹: وزارت داخله افغانستان به تمام واحدهای نظامی افغانستان سه روز مهلت داده تا به پادگان های خود در خارج کابل بازگردند.

۸۰/۱۰/۲۰: خانم ساداکا اوگاتا نماینده ویژه جاپان برای بازسازی افغانستان و هم چنین کنفرانس بازسازی افغانستان وارد کابل شد و با حامد کرزی رئیس اداره موقت دیدار و گفت و گو کرد.

۸۰/۱۰/۲۱: اداره موقت افغانستان ارزیابی کرده که برای بازسازی کشور به ۴۵ میلیارد دلار ظرف ده سال آینده نیاز دارد.  
حاجی محمد محقق وزیر پلان گفت: افغانستان حداقل ۱۵ میلیارد دلار برای انجام بازسازی های ضروری و مقدماتی در دو سال آینده احتیاج خواهد داشت و در نظر دارد که طرح پیشنهادی خود را برای این مبلغ به کنفرانس مربوط به کمک های بین المللی به افغانستان که ماه جاری میلادی در توکیو برگزار خواهد شد، ارائه کند.  
انتظار می رود جاپان حدود ۲۰ درصد از کل مخارج بازسازی افغانستان را تأمین کند.

۸۰/۱۰/۲۳: یک سیاستمدار بلند پایه امریکا در سفری به افغانستان از کشورهای غربی خواسته تا با آزاد کردن یک صد میلیون دلار از دارایی های منسود شده طالبان به حکومت موقت افغانستان کمک کنند.

۸۰/۱۰/۲۴: سید محمد خاتمی در یک تماس تلفنی با حامد کرزی اطمینان داد که ایران از اداره موقت و ثبات افغانستان و ملت آن پشتیبانی خواهد کرد.

۸۰/۱۰/۲۵: جنرال فهیم وزیر دفاع افغانستان وارد تهران شد.

۸۰/۱۰/۲۶: میدان هوایی کابل پس از حملات اخیر و مرمت و پاکسازی از بین وین و مهمات منفجر نشده، رسماً بازگشایی شد.  
اداره موقت افغانستان با صدور اعلامیه ای کشت خشخاش، تولید، استفاده و قاچاق مواد مخدر را ممنوع اعلام کرد.  
هیاتی مرکب از پنج تن از اعضای سنا و یک تن از مجلس نمایندگان امریکا در دیداری با حامد کرزی حمایت واشنگتن را از اداره موقت و نماینده امریکا به ابغای نقش در از مدت در افغانستان مورد تأکید مجدد قرار دادند.



۸۰/۱۰/۲۷: کالین یاول وزیر خارجه ایالات متحده امریکا در بازدید از کابل پایتخت افغانستان با حامد کرزی گفت و گو کرد. وی یادآور شد که ایالات متحده در نظر دارد مشارکت برجسته ای در بازسازی افغانستان داشته باشد.

۸۰/۱۰/۲۸: دولت ترکیه یک واحد ۲۰۰ نفره از سربازان خود را به کابل فرستاده تا مقدمات اعزام سائرنیروهای آن کشور را در چارچوب نیروهای پاسدار صلح بین المللی در افغانستان فراهم کند. ترکیه موافقت کرده تا ۲۶۰ نیروی نظامی به افغانستان بفرستد.

۸۰/۱۰/۲۹: حامد کرزی به عربستان سعودی سفر کرده تا با ملک فهد پادشاه و امیر عبدالله و لیعهد این کشور دیدار و مذاکره کند. قرار است عربستان سعودی مبلغ بیست میلیون دلار به افغانستان کمک کند.

۸۰/۱۰/۳۰: حامد کرزی وارد توکیو شده تا در کنفرانس بازسازی افغانستان شرکت کند.

**مهر دوم:**

۸۰/۱۱/۱: کنفرانس بین المللی بازسازی افغانستان در توکیو جاپان با شرکت بیش از شصت کشور جهان و بیست نهاد و مؤسسه خیریه بین المللی برگزار شد.  
خانم اوگاتا نماینده سازمان ملل متحد و جاپان در امور بازسازی افغانستان با سخنرانی خود کنفرانس را افتتاح کرد. وی مشکلات و نیازهای مردم افغانستان را بر شمرد و خواستار کمک های بین المللی برای بازسازی و کمک به مردم افغانستان شد.  
نخست وزیر جاپان نیز که سخنان خود را با «سلام علیکم» آغاز کرد، نوید داد که جاپان در بازسازی افغانستان سهم فعال، جدی و همه جانبه خواهد گرفت و مردم این کشور را یاری خواهد کرد.  
کوفی عنان سرمنشی ملل متحد نیز راجع به رویدادهای جاری به تفصیل سخن گفت و نسبت به آنچه که بر سر مردم افغانستان آمد و زنج ها و زجرهایی که کشیدند، اظهار تأسف کرد. وی نسبت به ادامه تعهد بین المللی و مشارکت جدی مردم افغانستان اظهار امیدواری کرد و از جامعه جهانی خواست تا در کنار مردم افغانستان باشد.  
کالین یاول وزیر خارجه امریکا نیز ضمن تشریح تحولات اخیر، از تعهد بلدمدت امریکا در بازسازی افغانستان اطمینان داد و گفت: امریکا افغانستان را رها نخواهد کرد. وی اعلام کرد که امریکا برای سال اول بازسازی افغانستان ۲۹۶ میلیون دلار اختصاص خواهد داد. وزیر مایه امریکا نیز در سخنان خود بر تعهدات امریکا در قبال افغانستان تأکید کرد.  
سیس حامد کرزی سخنرانی خود را آغاز کرد که با استقبال حاضران مواجه شد. آقای کرزی پس از برشمردن وضعیت ناگوار، اسفبار و دردناک کشور، تلاش کرد تا وضع مردم افغانستان را برای جهانیان ملموس تر و محسوس تر سازد. از همین رو اظهار داشت: شما شرایط مردم ما را با مظهر آراسته هیأت اعزامی مقایسه نکنید. مردم افغانستان نان، پوشاک و مدرسه ندارند و در بر آوردن نیازمندی های اولیه و احتیاج مبرم به مساعدت و کمک های بین المللی دارند.



ری هیئت بر سر عهد اولویت های کاری دولت در امور آموزشی، بهداشتی، ایجاد زیر بنای اقتصادی، مشارکت دادن زنان، وضع بنهادهای کان، مواد مخدر و امنیت گفت: «کارمندان دولت مدتی است معطل شان را دریافت نکرده اند. باید کشورهای صلح دوست جهان و سازمان ملل متحد در این امور کمک کنند و طرح های بازسازی را عملی سازند، زیرا اگر این تعهدات عملی نشود، ممکن است وضع فعلی پایدار نماند.»

از سخنان شرکت کنندگان در کنفرانس دریافت می شد که همه کشورهای علاقه دارند از نحوه اجرای کمک ها مطمئن شوند و بر آن نظارت داشته باشند.

۸۰/۱۱/۲: کنفرانس بازسازی افغانستان با قبول کمک بیش از چهار و نیم میلیارد دالر به افغانستان، در توکیو پایان یافت. بالاترین میبالغ از طرف اتحادیه اروپا، جاپان و امریکا اعلام شده است.

شایان گفت است که ایران نیز مبلغ ۵۶۰ میلیون دالر را برای بازسازی افغانستان طی پنج سال آینده اختصاص داده است.

بانک جهانی تخمین زده که افغانستان طی ۱۰ سال آینده به پانزده میلیارد دالر کمک مالی احتیاج خواهد داشت.

۸۰/۱۱/۲: حامد کرزی فردا از توکیو عازم پکن پایتخت چین خواهد شد. وزارت امور خارجه چین اعلام کرد بازسازی افغانستان در کانون گفت و گوهای کرزی با مقامات پکن قرار خواهد داشت. دیدار کرزی از چین در روز به طول خواهد انجامید.

۸۰/۱۱/۲: طیاره آریانا شرکت هواپیمایی ملی افغانستان برای اولین بار پس از یک سال و نیم، در یک پرواز بین المللی از کابل به مقصد دهلی به پرواز درآمد.

۸۰/۱۱/۸: حاجی محمد محقق وزیر پلان و شاکر کارگر وزیر آب و برق اداره موقت در رأس هیاتی بلند پایه به منظور جلب حمایت کمک های از پاکستان و گسترش همکاری های میان دو کشور از جمله گمرک، ترانزیت کالا، زراعت و شرکت نفت و گاز و دیدار با مقامات آن کشور وارد تاشکند شدند.

هدایت امین ارسال وزیر دارایی افغانستان در اسلام آباد با مقامات رسمی پاکستان دیدار و گفت و گو کرد. مقامات پاکستان ابراز آمادگی کردند تا روابط سیاسی و اقتصادی با افغانستان را تجدید کنند و در بازسازی افغانستان سهم بگیرند. امین ارسال پیش از ترک پاکستان گفت که در راه بازگشایی سفارت پاکستان در کابل هنوز موانع و مشکلات بسیاری وجود دارد.

۸۰/۱۱/۹: صندوق بین المللی پول گفته است امکان این که افغانستان دلار را موقتاً به عنوان پول رایج داخلی خود مورد استفاده قرار دهد، مورد بررسی مقامات صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و مقامات اداره موقت قرار گرفته است.

والن کرت معاون صندوق بین المللی پول که به افغانستان سفر کرده، گفته است: دولت افغانستان در نظر دارد در آینده پول جدیدی را به جریان

ببندازد. وی گفته است: وجود انواع مختلف افغانی (واحد پول افغانستان) مشکلاتی را ایجاد کرده است.

قادر فطرت رئیس بانک مرکزی افغانستان نیز گفته است اداره موقت در مورد پول رایج، در آینده نزدیک تصمیم نهایی را خواهد گرفت.

۸۰/۱۱/۶: حامد کرزی طی یک سفر رسمی وارد ایالات متحده امریکا شد و با جرج بوش و شمار دیگری از مقامات بلند پایه امریکا دیدار و درباره امنیت، بازسازی افغانستان و ادامه مبارزه با تروریسم گفت و گو کرد.

ملاقات و سخنرانی در جمع ۴۵۰۰ تن از افغانستانی های مقیم امریکا، دیدار و سخنرانی در سازمان ملل متحد، بازدید از خرابه های مرکز تجارت جهانی و ابراز هم دردی با بازماندگان فاجعه یازدهم سپتامبر در نیویورک از دیگر برنامه های آقای کرزی بوده است.

۸۰/۱۱/۱۰: حامد کرزی از سازمان ملل متحد خواسته است تا دوره استقرار و همین طور مأموریت نیروهای بین المللی حافظ امنیت در کابل و حومه را تمدید کند. وی گفت: توسعه محدود فعالیت این نیروها به شهرها و مناطق دیگر افغانستان بیانگر ادامه تعهد سازمان ملل متحد به حفظ امنیت در کشور خواهد بود.

۸۰/۱۱/۱۰: حامد کرزی طی سفری به بریتانیا با تونی بلر صدراعظم و شماری دیگر از مقامات بلند پایه این کشور دیدار و پیرامون کمک بریتانیا به گسترش یک نیروی امنیت بین المللی در افغانستان گفت و گو کرد.

۸۰/۱۱/۱۲: ترکیه گفته است برای کمک به تشکیل یک ارتش ملی جدید در افغانستان، افسران ارتش و تجهیزات لازم را به افغانستان اعزام می دارد.



بنیامان آندیس

۸۰/۱۱/۱۴: در کابل وزارت عدلیه اداره موقت افغانستان، فعالیت حزب اسلامی حکمتیار را ممنوع اعلام کرده است. کریمی وزیر عدلیه گفته است به کسانی که از طالبان حمایت کرده و با آنان همکاری داشته اند، اجازه فعالیت داده نخواهد شد.

افراد بلند پایه حزب کمونیست سابق نیز اجازه طرح ریزی حزب جدید را نخواهند داشت.

۸۰/۱۱/۱۵: ایگور ایوانوف وزیر امور خارجه روسیه طی توقف کوتاهی در کابل، با حامد کرزی رئیس اداره موقت، جنرال فهیم وزیر دفاع که تازه از لندن بازگشته و دکتر عبدالله وزیر امور خارجه افغانستان دیدار و گفت و گو کرد.

۸۰/۱۱/۱۶: پرچم جدید افغانستان توسط رئیس اداره موقت بر فراز قصر ریاست جمهوری در کابل برافراشته شد. کرزی گفته است امروز آغاز دوران جدیدی در تاریخ کشور است.

۸۰/۱۱/۱۷: معاون وزیر خارجه چین سفارت این کشور در



افغانستان را رسماً بازگشایی کرد.

□ حامد کرزی برای گفت و گو با اسماعیل خان والی هرات و دیدار با مردم این شهر به هرات رفته است. این نخستین سفر داخلی کرزی از هنگام به دست گرفتن قدرت در افغانستان است.

□ امروز ۵۰۰ دانشجوی زن افغان به همراه ۳۵۰۰ دانشجوی مرد در محوطه پوشیده از برف دانشگاه کابل حاضر شدند تا در آزمون ورودی دانشگاه شرکت کنند.

رسول امین وزیر معارف اداره موقت گفته است: هفته پنج ساله در تحصیل زنان و دختران افغان در دوره طالبان با کلاس های تقویتی چیران خواهد شد و برای داوطلبان زن برای ورود به دانشگاه ۱۵ فی صد نمره اضافی در نظر گرفته شده است.

حامد کرزی تصمیم گرفته است تا موشک های استیگر را از گروه های مسلح جمع آوری کرده و در اختیار امریکا قرار دهد. امریکا تعداد زیادی موشک استیگر را در اختیار مجاهدین قرار داده بود تا علیه قوای شوروی سابق به کار گیرند.

۸۰/۱۱/۱۹: رئیس اداره موقت افغانستان در رأس هیاتی بلند پایه به پاکستان سفر کرده است. این نخستین سفر رسمی کرزی به پاکستان پس از سقوط طالبان است.

پرویز مشرف به کرزی تضمین داده که به طور کامل از دولت او حمایت خواهد کرد و افزود که برقراری صلح و ثبات در افغانستان به نفع پاکستان نیز خواهد بود.

کرزی نیز در این دیدار یادآور شده است که اختلافات قدیمی را اکنون می توان پشت سر گذاشت و مبارزه با تروریسم در افغانستان بدون کمک های مؤثر پاکستان مسلماً عملی نبود.

دولت پاکستان حامی اصلی رژیم طالبان بود و در دهه اخیر به خصوص متهم شده بود که همراه با سایر دولت های همسایه همیشه در امور داخلی افغانستان دخالت کرده است.

۸۰/۱۱/۲۰: بر اساس اعلامیه ای که مقامات امریکا منتشر کرده اند، وکیل احمد متوکل وزیر خارجه رژیم طالبان، خود را در قندهار به مقامات افغانستان تسلیم کرده است. در حال حاضر متوکل توسط نیروهای امریکایی تحت بازجویی قرار دارد.

□ حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان با امضای یک لایحه

قانونی، آزادی مطبوعات را تضمین کرده است. کرزی گفت: «قانون جدید به روزنامه نگاران امکان آن را می دهد تا آزادانه از دولت انتقاد کنند.»

قانون جدید مطبوعات به سال ها سانسور در افغانستان خاتمه می دهد که سابقه آن به دوره قبل از تسلط طالبان بازمی گردد.

۸۰/۱۱/۲۱: حامد کرزی برای انجام یک دیدار رسمی وارد امارات متحده عربی شد و در این سفر یک روزه شخصاً سفارتخانه جدید افغانستان را در این کشور افتتاح کرد.

□ محمد قاسم فهیم وزیر دفاع برای سفری پنج روزه راهی مسکو شد تا حمایت روسیه را هم در جهت بازسازی ارتش افغانستان جلب کند.

۸۰/۱۱/۲۳: وزیر دفاع آلمان با حامد کرزی در شهر کابل دیدار و گفت و گو کرد. موضوع گفت و گوها توسعه نیروی بین المللی و کمک امنیتی در افغانستان بوده است.

۸۰/۱۱/۲۵: حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان به جلال آباد رفت تا در مراسم یادبود عبدالحق فرمانده مخالف طالبان که در ماه اکتبر گذشته توسط طالبان کشته شد، شرکت جوید.

یک سخنگوی دفتر کرزی گفت: وی هم چنین با مقامات محلی درباره وضعیت جلال آباد مذاکره خواهد کرد.

۸۰/۱۱/۲۵: راه اندازی سیستم تلفن های همراه در کابل پایتخت افغانستان آغاز شده است. شرکت مخابرات افغانستان انتظار دارد نخستین تماس آزمایشی در طی سه هفته آینده صورت گیرد. شرکت مخابرات هم چنین ارتباطات بین المللی این کشور را که دو سال پیش راه اندازی شده، فعال کرده و شروع به نصب تدریجی خطوط تلفن شهری و بین المللی در شهرهای بزرگ کرده است.

۸۰/۱۱/۲۶: دکتر عبدالرحمان وزیر هواوردی افغانستان در فرودگاه کابل توسط عده ای که گفته می شود از افراد وابسته جمعیت اسلامی بوده اند، به قتل رسید. ابتدا گزارش شده بود که وی بر اثر لنت و کوب زائریتی که عازم حج بودند و از تأخیر در پرواز شان به خشم آمده بودند، کشته شده است، ولی بعداً مشخص شد که این قتل توسط عده ای توطئه گر طرح ریزی شده بود و هیچ ربطی به زائریتی ندارد.

۸۰/۱۱/۲۶: چک استراو وزیر خارجه بریتانیا که برای مذاکره با مقامات افغانستان به این کشور آمده بود، با دکتر عبدالله همتای افغانی خود ملاقات کرده و درباره توسعه نیروی بین المللی امنیتی (ایساف) در کابل گفت و گوهایی انجام داده است.

مهر سوم:

۸۰/۱۲/۴: اداره موقت برای اولین بار پس از سقوط طالبان، پرداخت حقوق عقب افتاده کارمندان دولت را آغاز کرده است.

۸۰/۱۲/۵: حامد کرزی در رأس هیاتی بلند پایه برای سفر رسمی



سه روزه وارد تهران شد. استقبال از کرزی در تهران از سوی خاتمی رئیس جمهور و در سطح فراسی در خور یک رئیس جمهور بوده است. مهمترین موضوعاتی که میان طرفین مورد بررسی و گفت و گو قرار خواهد گرفت، عبارت است از: راه های گسترش همکاری های ایران و افغانستان، چگونگی شرکت ایران در بازسازی افغانستان، نحوه بازگشت دو میلیون پناهنده افغانی به کشورشان و راه های برقراری امنیت در منطقه.

۸۰/۱۲/۶: یک جمع ۶۰۰ نفری از گروه های قومی مختلف در افغانستان تحت هدایت مشاوران نظامی غربی، تمهین هایی را برای تشکیل یک ارتش ملی آغاز کرده اند. برای اولین بار، بخش برنامه جدید صبحگاهی رادیویی در افغانستان شروع شد. این برنامه زنده که واضح به غیر افغانستان نام دارد، به زبان های فارسی و پشتو پخش می شود.

۸۰/۱۲/۸: حامد کرزی که برای انجام یک دیدار رسمی کوتاه وارد دهلی شده بود، با رئیس جمهوری و نخست وزیر هند ملاقات و گفت و شنود کرد. موضوع دیدارها مشارکت هند در بازسازی افغانستان بوده است. مسکن کرزی در دهلی نو اعلام کرد که محمد ظاهر شاه پادشاه پیشین افغانستان روز اول فروردین سال نو به کشور باز خواهد گشت.

۸۰/۱۲/۹: حامد کرزی به فرانسه سفر کرده و با مقامات بلندیای آن کشور درباره مشارکت پاریس در بازسازی افغانستان و روابط دو جانبه گفت و گو کرد. رئیس اداره موقت افغانستان و ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه به اتفاق از نمایشگاه هزار سال ختر افغانستان در موزیم در پاریس دیدن کردند. در این نمایشگاه چندین قطعه از گنجینه بگرام متعلق به موزیم کابل که از ویرانگری طالبان نجات داده شده، به نمایش گذاشته شده است.

۸۰/۱۲/۱۲: حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان برای سفری دوازده روزه به تاشکند رفته است تا به مقامات ارشد دولت ازبکستان درباره مسایلی از قبیل برقراری امنیت در منطقه و تلاش برای بازسازی افغانستان گفت و گو کند.

۸۰/۱۲/۱۴: حامد کرزی برای دیدار و گفت و گو با مقامات کشور ترکمنستان به عشق آباد رفت.

۸۰/۱۲/۱۷: مری و اینسون کبیر عالی ملل متحد در مورد حقوق بشر در کابل با حامد کرزی دیدار و گفت و شنود کرده است. آقای کرزی گفته است: تمایل دارد یک کمیته حقیقت یاب تشکیل شود تا در مورد نقض حقوق بشر در گذشته در این کشور تحقیق کند.

۸۰/۱۲/۲۰: حزب اسلامی حکمتیار اعلام آمادگی کرده تا با رئیس اداره موقت افغانستان همکاری کند.

۸۰/۱۲/۲۱: رئیس اداره موقت افغانستان برای مذاکره با ویلادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه به مسکو رفته و در مورد بازسازی افغانستان و مبارزه با قاچاق مواد مخدر با وی گفت و گو کرده است.

۸۰/۱۲/۲۲: حامد کرزی طی سفر به آلمان دیدار و گفت و گو با مقامات آن کشور موافقنامه ای را به امضاء رساند که طی آن آلمان ایجاد یک آکادمی پلیس در کابل و آموزش و مجهز ساختن نیروی تازه پلیس را بر عهده گرفته است.

۸۰/۱۲/۲۷: سفارت عربستان سعودی در کابل به طور رسمی گشایش یافت و سفیر آن کشور از سوی حامد کرزی پذیرفته شد.

### مهر چهارم:

۸۱/۱/۱: دهه چهارم از تن از مردم کابل و مزار شریف برای برگزاری جشن نوروز و میله گل سرخ گرد آمدند. پیش از این طالبان برگزاری جشن نوروز را به عنوان عملی غیراسلامی ممنوع کرده بودند. در پنج سال اخیر افغان ها آغاز سال را به طور مخفیانه جشن می گرفتند. ده ها هزار تن از مردم در محل مزار و تپه های اطراف تجمع کردند تا برافراشتن بیرق علی (ع) امام اول شیعیان را نظاره کنند. بیرق به سادگی بالا رفت و این برای مردم نشان از سالی نیکو خواهد بود.



۸۰/۱/۳: کودکان سراسر افغانستان در آغاز سال تحصیلی جلیبیان آیدایشه به مدارس بازگشتند. این نخستین سال تحصیلی جدید پس از سقوط حکومت طالبان در افغانستان است. امسال حدود دو میلیون کودک به مدارس بازمی گردند و از جمله تعداد زیادی از دخترانی که در حکومت طالبان حق تحصیل نداشتند.

معلمان زن هم که در رژیم طالبان از رفتن به مدرسه و تدریس بازدشته شده بودند به سرکار خود بازگشته اند. حامد کرزی در جشن های ویژه به همین مناسبت شرکت کرد.

۸۰/۱/۴: حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان در مراسم سوگواری عاشورا در کابل شرکت کرد. وی در این مراسم گفت: «حسین (ع) برای حمایت از حق و عدالت جان خود را از دست داد. او شهادت را بر زندگی با شرم و سرافکنندگی ترجیح داد.»

در دوره طالبان برگزاری مراسم عاشورا ممنوع بود، اما امسال مراسم سوگواری محرم در کابل و جاهای دیگر به شایستگی برگزار شد.

۸۰/۱/۱۰: رئیس اداره موقت افغانستان از نیروهای بریتانیایی و امریکایی در پایگاه هوایی بگرام در نزدیکی کابل بازدید کرد تا از طرف مردم افغانستان از آن ها تشکر کند.

۸۰/۱/۱۱: عبدالشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان به عنوان نماینده ویژه حامد کرزی رئیس دولت موقت در شمال افغانستان انتخاب شده است. جنرال دوستم در عین حال به وظایف خود به عنوان معاونت وزارت دفاع در اداره موقت افغانستان و فرمانده کل نظامی در شمال کشور ادامه خواهد داد.

کمیسیون لویه جرگه در کابل اعلام کرده است که لویه جرگه اضطراری در افغانستان از تاریخ دهم تا شانزدهم ماه جون ۲۰۰۲ تا ۲۶ جوزا در کابل دایر خواهد شد.

۸۱/۱/۱۳: جنرال پرویز مشرف رئیس جمهوری پاکستان در نخستین سفر خود به کابل قول گشایش دور جدیدی را در روابط پاکستان و افغانستان داده است. او گفت کشورش دیگر هیچ گاه در امور داخلی افغانستان دخالت نخواهد کرد و دو کشور باید گذشته را فراموش کرده و آینده ای مشترک را بنا سازند. وی این اظهارات را در مصاحبه خبری مشترک با حامد کرزی، رئیس اداره موقت افغانستان اظهار داشت. کرزی گفت: وی و جنرال مشرف توافق کرده اند که با هم برای مبارزه با تروریسم تلاش کنند تا اطمینان یابند که خاک دو کشور مورد استفاده تروریست ها قرار نمی گیرد. پاکستان برای مدت هشت سال از طالبان در افغانستان حمایت و آن ها را تغذیه کرده بود.

۸۰/۱/۱۵: مقامات امنیتی اداره موقت افغانستان می گویند تعداد زیادی از افراد وابسته به حزب اسلامی از فرماندهان و رهبران سابق مجاهدین را بازداشت کرده اند. دین محمد جرأت فرمانده پلیس کابل گفته است: بازداشت شدگان قصد داشتند در شهر کابل بمب گذاری کرده و خرابکاری های دیگری علیه دولت جدید افغانستان انجام دهند.

حامد کرزی برای گفت و گو با مقامات ترکیه به آنکارا سفر خواهد کرد. انتظار می رود موضوع اصلی ملاقات، پیشنهاد دولت ترکیه برای به عهده گرفتن فرماندهی نیروهای بین المللی و کمک به امنیت در افغانستان باشد.

جنرال پاکیزولو از فرماندهان ارشد ارتش ترکیه، برای گفت و گو با جنرال جان مک کول فرمانده بریتانیایی نیروهای بین المللی و ارضیای دقیق از اوضاع امنیتی در کابل، به افغانستان رفته است.

دولت ترکیه در ابتدا تمایلی به پذیرش این مسؤلیت نداشت و علی رغم تقاضای کلی در اصول و کلیات آن، در مورد جزئیات این مأموریت و نقش ترکیه هنوز بحث و گفت و گو ادامه دارد.

ارتش ترکیه هم اکنون حدود ۲۵۰ نیرو در افغانستان دارد و قرار است تا اواخر ماه میلادی جاری این رقم به حدود ۱۰۰۰ نفر برسد.

۸۰/۱/۱۶: اداره موقت افغانستان کشت خشخاش را در سراسر افغانستان ممنوع اعلام کرد. حامد کرزی فرمان منع کشت خشخاش و برداشت مواد مخدر را در کشور صادر کرده است.

۸۱/۱/۱۹: در انفجار بمبی در نزدیکی یک کاروان نظامی حامل جنرال فهیم وزیر دفاع اداره موقت، ۲ تن کشته و ۱۸ تن دیگر زخمی شدند. جنرال فهیم در این انفجار آسیب ندید. انفجار در جلال آباد در شرق افغانستان و قلعه نظامی پیشین القاعده و طالبان صورت گرفت. نشانی از هویت کسی یا کسانی که این بمب را کار گذاشته اند، نیست. جنرال فهیم در راه ملاقات با زارعین و گفت و گو درباره برنامه پاکسازی کشت خشخاش و تریاک در افغانستان که از امروز آغاز می شود، بود.

نیروی پلیس افغانستان در نزدیکی یکی از پایگاه های بین المللی کیمک به برقراری امنیت در افغانستان چهار موشک را یافته است. روز گذشته از همین مکان دو موشک به سوی پایگاه آتش شده بود. یک سخنگو از جانب نیروهای پاسدار صلح گفت از چهار موشک یافت شده، سه موشک برای آتش آماده شده بودند. اخیراً نیروهای ایساف در هنگام گشت زنی در اطراف شهر کابل مورد تهاجم های متعددی قرار گرفته اند.

۸۱/۱/۲۰: صدعا نفر از مردم شهر بامیان از ورود حامد کرزی رئیس اداره موقت و گروهی از وزیران بلندیایه به شهر خود استقبال کردند. کرزی در سفر به بامیان به علاوه دیدار با مردم این شهر، گفت و گو هایی با مقامات بلندیایه این ولایت و بازدید از محسمه های تخریب شده بود و در برنامه خود دارد.

در این سفر حاج محمد محقق معاون رئیس و وزیر پلان، سیمنا لمر معاون رئیس و وزیر زنان، دکتر عبدالله وزیر خارجه، محمد امین فرهنگ وزیر بازاری، دکتر سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ و تعدادی دیگر از شخصیت های کشوری، کرزی را همراهی می کردند.

۸۱/۱/۲۱: حامد کرزی از جامعه بین المللی خواسته است به وعده های خود برای کمک به افغانستان عمل کنند. او این مطلب را در جریان گشایش کنفرانس مهم کیمک به افغانستان که در شهر کابل برگزار شد، اعلام کرد.

۸۱/۱/۲۲: مقامات نیروهای حافظ صلح بین المللی در افغانستان می گویند: در یک عملیات مشترک با نیروهای امنیتی افغان ۱۵۱ موشک ساخت چین را مصادره کرده اند. تصور می شود این موشک ها از همان نوعی باشند که دو عدد از آن ها در هفته گذشته به سمت یک مجتمع نیروهای بین المللی شلیک شد.

۸۱/۱/۲۶: انجمن ابراهیمی بلندیایه ترین نماینده سازمان ملل متحد در افغانستان به ناحیه روستایی دورافتاده مروان در شمال افغانستان رفته تا مردم محفل را تشویق به شرکت در انتخابات لویه جرگه کند. عبدالشید دوستم یکی دیگر از شخصیت های قدرتمند افغانستان نیز در محفل رای گیری حاضر است.





۸۱/۱/۲۶: برای گیری برای انتخابات نمایندگان لویه جرگه آغاز شده است. به حرکت اضطراری از دهم تا شانزدهم ماه جون آینده با شرکت ۱۵۰ عضو در کابل تشکیل می شود تا دولت انتقالی افغانستان را تشکیل کند.

۸۱/۱/۲۷: حامد کرزی وارد رم شد تا محمد ظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان را که حدود ۳۰ سال در ایتالیا زندگی می کرد، در بازگشت به افغانستان همراهی کند.

۸۱/۱/۲۹: محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان پس از نزدیک به ۳۰ سال زندگی در تبعید به کشورش بازگشته است. او همراه حامد کرزی با یک هواپیمای نظامی ایتالیا از رم به کابل پرواز کرد. پادشاه سابق افغانستان که ۸۷ ساله است، هنگام ورود توسط گارد احترام و هیأت هایی از سراسر کشور مورد استقبال قرار گرفت.

پادشاه سابق می گوید به فکر بازگرداندن سلطنت نیست، اما بسیاری از افغان ها معتقدند که او صلح و ثبات را به افغانستان باز خواهد گرداند. حدود دو ماه دیگر در ماه جون او ریاست مجمع ملی متشکل از رهبران و قبایل یا لویه جرگه را به عهده خواهد گرفت که قرار است حکومت جدید افغانستان را تعیین کند. ظاهر شاه در نخستین پیامش به ملت افغانستان، این روز را خوش ترین روز زندگی اش نامید.

۸۱/۱/۳۱: اداره موقت افغانستان می گوید: تاکنون بیش از ۹ تن تریاک را در جریان مبارزه برای نابودی محصول مواد مخدر امسال نابود کرده است.

**مهر پنجم:**

۸۱/۲/۱: محمد ظاهر شاه در نخستین بیانیه خود گفته است قصد ندارد نظام پادشاهی را در افغانستان احیا کند. او هم چنین حمایت خود را از اداره موقت، مخصوصاً شخصی حامد کرزی اعلام کرده است.

۸۱/۲/۶: بر اساس توافقات قلبی میان مقامات اداره موقت



مسابقه فوتبال میان تیم منتخب کابل و تیم نیروهای حافظه صلح (کابل- بهار ۸۱)

افغانستان و جمهوری ترکمنستان ارسال انرژی برقی از ترکمنستان به ولایات جوزجان و بلخ از دیروز آغاز شده است.

۸۱/۲/۷: دونالد رامسفیلد وزیر دفاع امریکا به افغانستان سفر کرده تا با حامد کرزی و دیگر مقامات کشور دیدار و گفت و گو کند. قرار است وزیر دفاع امریکا وارد هرات شده و با اسماعیل خان نیز گفت و گوهایی داشته باشد.

۸۱/۲/۸: در افغانستان هزاران تن از افرادی که در صفوف مجاهدین جنگیده اند، در بزرگترین رژه نظامی سال های اخیر این کشور شرکت کرده اند تا دهمین سالگرد شکست رژیم کمونیستی را جشن بگیرند.

۸۱/۲/۹: ترکیه موافقت کرده است پس از بریتانیا فرماندهی نیروهای ایساف را به مدت شش ماه به عهده بگیرد.

۸۱/۲/۱۱: پوری کواکچی وزیر خارجه جاپان وارد کابل شده و با حامد کرزی رئیس اداره موقت، هدایت امین امین امین و وزیر مالیه و دکتر عبدالله وزیر خارجه دیدار و گفت و گو کرده است. در این دیدارها بر همکاری جاپان در بازسازی افغانستان تأکید شده است.

وی در تاریخ ۸۱/۲/۱۳ با احضر ابراهیمی نماینده ویژه سرمشقی ملل متحد در افغانستان، محمد ظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان و سیمیا شم وزیر زنان اداره موقت افغانستان نیز ملاقات و گفت و گوهایی داشته است.

□ با افزایش تشنجات، حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان امروز در گفت و گویی با خبرنگاران خارجی اظهار داشت در صورتی که اوضاع در کشور بهبود نیابد، احتمال استعفاء حکومت وی موجود می باشد. کرزی از ایالات متحده امریکا و کشورهای غربی خواست تا به منظور استقرار ثبات در کشور کمک های بیشتری نمایند.

۸۱/۲/۱۳: حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان از جرج بوش رئیس جمهور امریکا خواست به افغانستان سفر کند. این درخواست روز گذشته طی تماس تلفنی از جانب حامد کرزی صورت گرفت. در این



گفت و گوی تلفنی جرج بوش ضمن دادن وعده کمک های مالی به افغانستان اظهار داشت امریکا قصد دارد طرح مارشال را در افغانستان به اجرا گذارد. خاطر نشان می شود طرح مارشال پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای اروپایی که دچار حالت جنگی و رکود اقتصادی شده بودند، توسط امریکا و هم پیمانانش به مورد اجرا گذاشته شد.

۸۱/۲/۱۴: جرج بوش رئیس جمهور امریکا فرمان داد تا روابط تجاری عادی با افغانستان پس از ۱۶ سال از سر گرفته شود. در پی کسب اعتبار این فرمان پس از حدود یک ماه امتیازی موسوم به (N.C.R) یا روابط تجاری عادی، شامل حمل کالاهای وارداتی از افغانستان نیز خواهد شد. کالاهای افغانی با پرداخت عوارض کمی وارد بازارهای ایالات متحده امریکا خواهد شد. تنها تعداد اندکی از کشورهای جهان از این امتیاز برخوردار هستند.

بوش گفت: امریکا قصد دارد با عادی سازی روابط تجاری با افغانستان به بازسازی اقتصاد در هم شکسته این کشور کمک کند. برپایه این تصمیم دولت امریکا، هر امتیازی که واشنگتن در زمینه بازار گانی به هر کشور جهان اعطا کند، خود به خود شامل افغانستان هم می شود.

۸۱/۲/۱۵: عبدالرشید دوستم معاون وزیر دفاع اداره موقت گفته است چند صد جنگجوی دیگر پاکستانی دیگر نیز قرار است به زودی از زندانی در شمال افغانستان آزاد شوند. وی گفت آزادشدگان عمدتاً جوانان با سلفندانی اند که خطر ناک محسوب نمی شوند.

این تصمیم در پی مذاکرات ماه اپریل گذشته بین جنرال مشرف رئیس جمهور پاکستان و حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان اتخاذ شده است.

۸۱/۲/۱۶: شرکت هواپیمایی ملی افغانستان (آریانا) با خریداری یک فروند هواپیمای مستعمل از شرکت هوایی امریکا، آمریکن ایرلاین در نظر دارد فعالیت های خود را گسترش دهد.

فعالیت های شرکت ۴۸ ساله آریانا با تنها طیاره بوئینگ ۷۲۷ که از تولید حوادث جان سالم به در برده است، به صورت هفته ای یک پرواز به دبی و دهللی محدود شده بود.

۸۱/۲/۱۹: گرهارد شرودر صدراعظم آلمان در رأس یک هیأت بلندپایه سیاسی و اقتصادی وارد کابل شده و با مقامات رسمی افغانستان درباره چگونگی ایفای تعهدات آلمان برای بازسازی افغانستان گفت و گو کرد.

۸۱/۲/۲۱: بیش از ۲۰۰ زندانی پاکستانی در شمال افغانستان آزاد شدند.

۸۱/۲/۲۲: شرکت ملی هواپیمایی افغانستان (آریانا) پروازهای خود را به پاکستان از سر گرفت.

۸۱/۲/۲۵: رئیس بانک جهانی برای دیدار یک روزه و بحث درباره



شهادت آتشپیشه



بازسازی کشور و افتتاح دفتر بانک جهانی وارد کابل شد. رئیس بانک جهانی در دیدار با مقامات اداره موقت افغانستان از اعطای کمک های اقتصادی این بانک به بخش های مختلف خبر داد.

□ وزیر خارجه چین در رأس هیاتی وارد کابل شده و با حامد کرزی دیدار و درباره بازسازی افغانستان گفت و گو کرد.

۸۱/۲/۲۹: یک سخنگوی نظامی امریکا مستقر در افغانستان می گوید مقامات شهر قندهار پس از بیست سال، حکومت نظامی شبانه را در این شهر لغو کرده اند. این مقررات از زمان ورود نیروهای شوروی سابق باقی مانده بود.

افغانستان، ایران و پاکستان یک طرح مقدماتی را به منظور افزایش همکاری های اقتصادی امضا کرده اند. این توافق نامه در همایشی در تهران که نقش کشورهای منطقه را در بازسازی افغانستان مورد بررسی قرار می دهد، به امضا رسید.

۸۱/۲/۳۰: کریس پاتن کمیسر اتحادیه اروپا برای گفت و گو درباره کمک های اروپا به افغانستان به کابل آمده تا با حامد کرزی دیدار کند.

**مهر ششم:**

۸۱/۳/۲: جنرال مک کول، فرمانده نیروهای بین المللی کمک به امنیت افغانستان گفته است: این نیرو در آستانه برگزاری جلسات لویه جرگه اضطراری در ماه آینده فعالیت های خود را روی اقدامات ضد تروریستی متمرکز خواهد کرد.

وی گفت: بی قانونی و جرایم اکنون در سطح کابل تا حدود زیادی تحت کنترل درآمده است، ولی هشدار داد که نیروهای بین المللی باید خود را برای احتمال وقوع حملات تروریستی آماده کنند، چون او معتقد است حتماً گروه ها و یا افرادی خواهند گروید و روند کار لویه جرگه را مختل کنند.

قرار است به زودی سازمان ملل مأموریت نیروهای بین المللی را به مدت شش ماه دیگر تمدید کند.

۸۱/۳/۳: دومین گروه از نظامیان ترکیه که حدوداً ۶۰ نفرند و مسئول تدارک و آمادگی برای تحویل گرفتن فرماندهی نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان هستند، وارد کابل شدند. قرار است ماه آینده دولت بریتانیا فرماندهی نیروهای بین المللی کمک به امنیت را به ارش ترکیه واگذار کند.

۸۱/۳/۴: جنگ سالاران و فرماندهانی که متهم به نقض حقوق بشر هستند، نباید مورد عفو قرار بگیرند، حتی آنانی که از اداره موقت حمایت می کنند.

خاتم سیمیا شم وزیر زنان اداره موقت اضافه کرد عفو عمومی فقط باید شامل آذانی شود که به زور یا به دستور دیگران مجبور شده اند دست به کشتار بزنند.

شم این مطالب را در جلسه ای در شهر کابل مطرح کرد و خواستار تشکیل کمیسیون حقوق بشر ملی در افغانستان شد.

شم که مسئول تنظیم مقررات و چارچوب های کلی کار این کمیسیون



خط سوم، شمال دویک / ۱۶۷



خط سوم، شمال دویک / ۱۶۶



است گفته این نهاد باید قدرت و اختیارات واقعی داشته باشد.

۸۱/۳/۸: همایش حفظ و مرمت مکان‌های تاریخی افغانستان که با انعقاد کنک و اعطای پول از سوی چند کشور جهان در کابل جریان داشت، پایان یافت.

این همایش سه روزه به وسیله سازمان آموزش و فرهنگ ملی متحد (یونسکو) برگزار شد.

۸۱/۳/۹: رهبران افغانستان، ترکمنستان و پاکستان موافقتنامه‌ای را برای احداث یک خط لوله گاز از آسیای مرکزی به اقیانوس هند امضا کردند.

این سند همکاری بین حامد کرزی، صفر مراد نیازف و پرویز مشرف در اسلام‌آباد به امضا رسید.

۸۱/۳/۱۱: سخنگوی وزارت خارجه اداره موقت اعلام کرد: فرماندهان افغان، وزرای کابینه و محمد ظاهر شاه، از نامزدی حامد کرزی برای ریاست دولت انتقالی افغانستان حمایت کرده‌اند.

۸۱/۳/۱۲: وزیر دفاع فرانسه دیدار کوتاهی از افغانستان انجام داد. ملاقات با جنرال فهیم، نمایندگان سازمان ملل، فرمانده بریتانیایی نیروهای بین‌المللی و هم‌چنین سربازان فرانسوی مستقر در افغانستان از برنامه‌های دیدار وی از افغانستان بود.

۸۱/۳/۱۵: حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان که در رأس یک هیأت بلندپایه به فرغانستان رفته بود، به کابل بازگشت.

۸۱/۳/۲۱: سرانجام با یک روز تأخیر، لویه جرگه اضطراری افغانستان با سخنان محمد ظاهر شاه در کابل گشایش یافت. شاه سابق افغانستان در سخنرانی کوتاهی که ایراد کرد، از نامزدی حامد کرزی به ریاست دولت آینده افغانستان پشتیبانی کرد.

هم‌چنین یونس قانونی وزیر کشور اداره موقت، پیش از پایان مأموریت این اداره استعفا کرد.

شایان گفت است در مراسم برگزاری لویه جرگه اخضر ابراهیمی نماینده ملل متحد در امور افغانستان، زلمی خلیل‌زاد مشاور رئیس جمهور امریکا و سایر دیپلمات‌های خارجی مقیم کابل و صفاخیر نگار داخلی و خارجی نیز حضور دارند.

۸۱/۳/۲۳: در نشست لوی جرگه اضطراری پس از بحث و گفت‌وگو و شمارش نتایج آراء، محمد اسماعیل قاسمیاز به حیث رئیس و سیما ثمر به حیث معاون انتخاب شدند.

۸۱/۳/۲۴: حامد کرزی تا زمان برگزاری انتخابات در سال ۲۰۰۴ میلادی به عنوان رئیس دولت انتقالی برگزیده شد.

شایان گفت است که سه نفر برای اجراء مقام ریاست دولت انتقالی نامزد شده بودند.

۱- حامد کرزی



۲- میرمحمد محفوظ ندایی  
۳- مسعوده جلال

هر یک از نامزدها بیانیه‌های خود را در لویه جرگه ایراد کردند و رؤوس برنامه‌های کاری خود را اعلام داشتند. سپس رأی گیری شد و در نتیجه حامد کرزی با ۱۲۹۵ رأی از کل ۱۵۸۵ رأی مأخوذه به ریاست دولت انتقالی افغانستان برگزیده شد. خاتم مسعوده جلال ۱۷ رأی و آقای میرمحمد محفوظ ندایی ۸۹ رأی کسب کردند.

طی همین روز، پس از انتخاب کرزی به ریاست دولت انتقالی افغانستان، از سوی دولت‌ها و شخصیت‌های سیاسی بین‌المللی پیام‌های تبریکه‌ای عنوان. حامد کرزی به کابل مواصلت کرد که از آن میان می‌توان به پیام‌های سیدمحمد خاتمی رئیس جمهوری ایران، کوفی عنان سرمنشی ملل متحد، ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، گرهارد شرودر صدراعظم آلمان و وزارت خارجه جهان اشاره کرد.

مقامات بریتانیا لویه جرگه اضطراری افغانستان را فرصتی دانستند که مردم افغانستان شایسته آن هستند.

جک استراو وزیر خارجه بریتانیا از انتخاب حامد کرزی به ریاست دولت انتقالی ستایش کرده و گفته است تونی بلر نخست وزیر آن کشور شخصاً به حامد کرزی نامه تبریکه ارسال خواهد کرد.

۸۱/۳/۲۹: پس از ۹ روز بحث و گفت‌وگو حامد کرزی رئیس دولت انتقالی افغانستان اکثر اعضای کابینه خود را معرفی کرد و خود نیز مراسم تحلیف را به جا آورد. در بین اعضای کابینه کرزی ۳ شخصیت زن نیز دیده می‌شود:

- ۱- حبیبه سربای وزیر امور زنان
  - ۲- دکتر سهیلا صلیب‌زاد وزیر صحت عامه
  - ۳- محبوبه حق‌قمل مشاور دولت در امور زنان
- آقای کرزی پنج معاون نیز برای خود برگزیده که عبارت اند از:
- ۱- قاسم فهیم
  - ۲- محمدکریم خلیلی
  - ۳- هدایت امین ارسلا
  - ۴- حاجی عبدالقدیر
  - ۵- نعمت‌الله شهرابی

۸۱/۳/۳۰: بریتانیا رسماً فرماندهی نیروهای بین‌المللی پاسدار صلح (ایساف) را در افغانستان به ترکیه سپرد.

به همین مناسبت مراسمی در کابل با حضور حامد کرزی رئیس منتخب دولت انتقالی افغانستان برگزار شد.

ترکیه به مدت شش ماه فرماندهی نیروهای ایساف را بر عهده خواهد داشت.

۸۱/۴/۱: کرزی کابینه خود را تکمیل و نام دیگر وزرا را نیز اعلام کرد.

۸۱/۴/۳: اعضای کابینه حامد کرزی رئیس دولت انتقالی افغانستان طی مراسمی در قصر ریاست جمهوری در کابل سوگند یاد کردند.



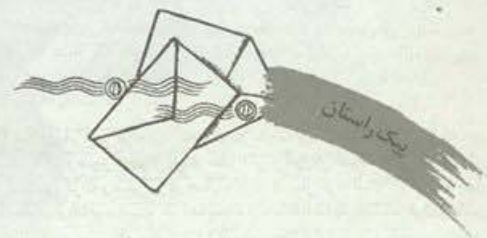
از کاروان رفته



رسانه



سیمان آندیشده



بیک داستان



کتابخانه

